

عندليب





- ١ - دکتر لطف الله حکیم ٢ - حسین اقبال ٤ - عباس ادیب اقبال ٤ - مجید هاشمی (پدرم) ٥ - رشید هاشمی
٦ - عبدالحسین ناجی ٧ - هادی ناجی ٨ - کمال ناجی ٩ - شوقي ناجی ١٠ - محمد امین فلاح ١١ - لطف الله فلاح
١٢ - محی الدین فلاح ١٢ - خبیث فلاح ١٤ - فروغیہ فلاح ١٥ - حسن گل گلاب ناجی

عبداللیب

نشریه محل روحا نی می بھایان کانادا
بر زبان فارسی

شماره ۶۵ «سلسل»
No: 65

سال هفدهم
Volume 17

زمستان ۱۵۴ بیان
۱۳۷۶ شمسی

Winter 1997

'Andalib
7200 Leslie Street, Thornhill, ON, Canada, L3T 6L8

CANADA POST CANADIAN
PUBLICATIONS MAIL SALES
PRODUCT AGREEMENT NO. 680400
RETURN POSTAGE GUARANTEED

«حق چاپ محفوظ است»

فهرست

| | صفحه | |
|-----|------|---|
| ۱ | ۱ | لوح مبارک جمال قدم جل جلال |
| ۲ | ۴ | لوح مبارک حضرت عبدالیهاء |
| ۳ | ۷ | پیام بیت العدل اعظم الهی |
| ۴ | ۸ | نامه محفل ملی بهانیان کانادا و ترجمه آن |
| ۵ | ۱۰ | اصحاب سفینه حمرا |
| ۶ | ۱۵ | سیری در آثار مبارکه |
| ۷ | ۱۹ | جشن سالگرد عنديليب |
| ۸ | ۲۲ | مبشر ظهور آخوند میر محمد |
| ۹ | ۲۵ | منوچهر خان معتمد الدوله حاکم اصفهان |
| ۱۰ | ۲۳ | تضمينی از حافظ |
| ۱۱ | ۲۴ | پیشرفت‌های ابنيه قوس کوه کرمل |
| ۱۲ | ۲۶ | طائر قدسی که در پرواز همتانی نداشت |
| ۱۳ | ۴۴ | مطالعه آثار قلم اعلی |
| ۱۴ | ۴۷ | مختصری از شرح زندگانی ناشر نفحات الله جناب هانی |
| ۱۵ | ۴۹ | شعر عاشقان بهاء |
| ۱۶ | ۵۰ | آثار مبارکه بهانی در ارتباط با معجزات |
| ۱۷ | ۵۷ | شرح حال جمشید بهرام حسین آبادی |
| ۱۸ | ۶۱ | قطعه شعر |
| ۱۹ | ۶۱ | <u>قسمت جوانان</u> |
| الف | ۶۲ | ب - عشق و عرفان |
| ۲۰ | ۶۹ | اخبار و بشارات امریه |
| ۲۱ | ۷۶ | اخبار مصور |
| ۲۲ | ۸۰ | نامه هانی از دوستان |

عکسها :

روی جلد : کنفرانس حضرت حرم مبارک در هامیلتون کانادا سال ۱۹۸۱، فرستنده عنایت و همن
داخل : عده‌ای از احبابی الهی در حضور حضرت مولی الوری در جلوی مسافرخانه حیفا، فرستنده آقای هاشمی
پشت جلد (داخل) لجنه جوانان بهانی تهران سال ۲۷-۱۲۲۶ فرستنده سعید خادمی
پشت جلد (خارج) عکس تاریخی فرستنده سیروس رضا زاده اسکونی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ای اهل ارض رائج دفرا، تصوّرات عرف معانی رامنوع نموده و ضوحا، جمل
نمای آنی را مستور داشته و لکن صاجبان بصر انور از مشاهده ممنوع نشده و دارای
اذن و اعیان از اصحابه، مدار مالک احادیث بی بهره نماده هر طالب صادقی لایبته
به مطلوب رسیده و خواهد رسید. امروز روزی است عظیم و شان اولدی الله
بسیار بزرگ چه که در جمیع صحیح و کتب آنی بحق منوب و به يوم الله معروف
است. طوبی از برای نقوسی که درین یوم مبارک از زیادی عطا کوثر بقا آسامیده
و به محبوب عالمیان پیوسته. یا ملا الاضر جمدی باید تمحروم نمایند و از آنچه با وبری
اختلق شده یه ممنوع گزدید. کنکت علمکم شدید القوی اذیقی بین الوری وید عوهم
الی الله مالک العرش و الشری و سلطان لاخرة والاولی. طوبی ملن سمع و قال بلی
یا مالک الاسماء و فاطر السماه. اشهد انت طهرت و اطهرت ما رده بخودک و سلطنت
لله الا انت المقتدر العظیر.

هُوَ الْأَبْحِي

ای مرغ چمن ایقان در این چمنستان امکان و گلستان اکوان هرگل و سنبی
و خیمن و ریحانی و بفشه و سونی و اعشاب و گیاه و سمنی نابت و در شو و نماست
و جمیع از فیوضات ابر بخاری و حرارت شعاع خسر و خاوری و هبوب اریاح لوا قح
جان پروری در سبزی و خرمی است ولی تو که انسان و صاحب عرفان هستی
از خدا بخواه که در این بوستان گل صد برگ خذان باشی نه گیاه، و ریحان و خیمن
گردی نه شیش بی صفا، بفشه مخمور باشی نه کاسنی تلخ منفور، غبظه گل و سنبل
گردی و فتنه جان عند لیب و ببل، سرو جویبار شوی و سوسن آزاد، روشن
چمن و گلشن گردی و صفای گلزار پرسه و سمن . این مسیر نه جزء به عنایت
جمال ابھی و ثوت و رسوخ بر عهد و میثاق اللہ .

ع ع

هُوَ الْأَبْحَى

خُوفٌ - اجْبَىٰ اللَّهُ عَلَيْهِ سَلَّمَ هُوَ الْأَبْحَىٰ

هُوَ الْأَبْحَىٰ

اَيُّ يَارَ عَبْدَ الْهَمَّاءَ وَبَنْدَكَانِ جَالِ اَبْحَىٰ شَمْسُ حَقِيقَةِ دَرْمَطَقَةِ الْبَرْوَجِ دَوْرَزَدَ تَادَرَ
قَلْبُ الْاسْدِ هَشَاقِ فَرْمُودِ دَوْرَزَدَ آفَاقِ بَخْشِيدِ وَچَانِ حَرَاتُ وَسُورَتِي بَنْدَولِ دَاشْتِ دَبْرِ
کَامَاتِ تَافَتِ کَمْ حَقَائِقِ اَشْيَا، رَبِّ تَامَاهَا اَرْجَنْزِکُونِ بَعْرَصَهِ وَجَوْهَرْمُودِ وَظَاهِرْمُودِ وَ
حَقِيقَتِ زَلْنَتِ اَلَاضِنِ لَرْلَاهَا وَاخْرَجَتِ اَلَاضِنِ اَثْعَالَاهَا وَقَالَ اَلَانَانِ مَا الْمَاهِيَّةُ تَحْدَثُ
اَخْبَارَهَا بَانِ رَبِّکَ اَوْحِی لِهَا تَحْقِيقَتِ يَافَتِ وَسَرْکُونِ وَرَمَضَونِ کَهْ دَارَضِی قَابِلَاتِ مَسْوَرِ
بُودَ وَاضْحَىٰ وَاسْكَارَشَدَ بَحْسَارَالَّهِ آمَدَ وَفِيْضَ نَامَاهِی نَازِلَ شَدَ اَبْرَحَمَتَ فِيْضَ جَادِدَانِی بَخْشِيدِ
وَشَمْسُ حَقِيقَتِ تَابِشَرْجِ سَرْطَانِي نَمُودَ عَرَصَهِ وَجَوْهَرْهَنْدَوْسَتَانِ دَرْجَانِ کَیْهَانِ جَلْوَهَ کَرَدَ
یَکِی شَجَرَهَ مَبَارَکَهَ شَدَ وَدِیْگَرِی لَشَجَرَهَ المَلْعُونَهَ یَکِی چَوْنَ گَلَ وَنَسَرِینِ وَاحِدَهَ عَبَرِینِ مَقْشَرَهَ نَمُودَ وَدِیْگَرِی
ماَندَ خَارِسَبَبَ آزِرَگَيِ خَاطِرَهَ هَلَ عَلَيْنَ گَشَتَ یَکِی شَرَهَ طَيِّبَهَ بَارَآوَرَهَ وَدِیْگَرِی مَيْوهَ

لخ پر آزاد بوم و بری گلشن سرای هدایت شد و شوره از ربد ختری خارج صداقت اینات کرد
یکی بد طیب شد و مظہر خرج نباته باون را بگشت و دیگری حقیقت والذی خبث لا یخرج
الآنکه اراد اضطر و آشکار نمود . باری ای اجتامی الکمی هرچند فیض نامتناهی است ولی
نباه کاران را چه فاما ده رو جانی و چه عائد جسمانی به کلی محروم شد و منوع و مایوس و مدور
و منعذب و مقصور . انوار صحیح کاهی را چه گناهی اگر خفاش طلبانی جز خضره شباهت نامتناهی
پنهانی نخواهد . نفخات قدس را چه خطا نی اکر جعل ارواح طیب بگوا اگر داد و مشام معطر
نشود . پس ای دوستان حقیقی و مثبتان پمیان آنکه شکر کنید عنایات رحمانی را
که حربا شدید نه خفاش ، و بنیل گشید نه جعل ، اشجار طیب بشدید نه درختان
پژمرده گلبن تر و تازه گشید نه گلخان افسرده و هذامن فضل بکم الرحمن الکمی احاط
الامکان و علیکم لتجه و لاستن . بع



ترجمه پیام بیت العدل اعظم

۱۹۹۸ فوریه ۲۰

خطاب به عموم محافل روحانی ملی که با وسائل الکترونیکی مخابره شده است

یاران عزیز الهی :

از آغاز نقشه چهارساله تا کنون توسعه مداوم نطاق امراضه در بسیاری از مناطق جهان و ادامه سیر بلوغ و تکامل جوامع بهائی در همه نقاط سبب خوشوقتی و دلگرمی این مشتاقان بوده ، و با قلوبی سرشار از سرور تشکیل سه محفل روحانی ملی جدید و تشکیل مجدد یک محفل روحانی ملی را در رضوان آینده اعلام میداریم .

محفل روحانی بهائیان سباح Sabah که مقر آن کوتا کینابالو Kota Kinabalu خواهد بود و اولین انجمن شور روحانی ملی آن را محفل روحانی ملی مالزیا ترتیب خواهند داد .

محفل روحانی بهائیان ساراواک Sarawak که مقر آن کوچینگ Kuching خواهد بود و اولین انجمن شور روحانی ملی آن را نیز محفل روحانی ملی بهائیان مالزیا ترتیب خواهند داد .

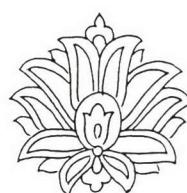
محفل روحانی ملی بهائیان اسلواکیا Slovakia که مقر آن برatisلاوا Bratislava خواهد بود و اولین انجمن شور روحانی ملی آن را محفل روحانی منطقه ای جمهوریهای چک Czech و اسلواک Slovak ترتیب خواهد داد .

محفل روحانی ملی بهائیان لیبریا Liberia که در اثر اوضاع و احوال جاری در آن کشور از سال ۱۹۹۲ به بعد تشکیل نشده و مقر آن مونرویا Monrovia خواهد بود و انجمن شور روحانی ملی آن را لجنه امور اداری بهائی لیبریا ترتیب می دهد .

محفل روحانی منطقه ای بهائیان جمهوریهای چک Czech و اسلواک Slovak که مقر آن پراک Prague است تبدیل به محفل روحانی ملی بهائیان جمهوری چک Czech خواهد شد .

امید چنانست که در این مرحله بحرانی از تاریخ بشر توسعه و پیشرفت مستمر نظم اداری بهائی در این ممالک و دیار سبب شود و شوق احباب الهی کردد و یاران الهی در جمیع نقاط عالم فرصتهایی را که موجود است مغتنم شمارند و با عشق و انجذاب قیام به تبلیغ امر الهی نمایند .

با تقدیر تحيات ابدع ابهی - بیت العدل اعظم



**NATIONAL SPIRITUAL ASSEMBLY
OF THE BAHÁ'ÍS OF CANADA**

**ASSEMBLÉE SPIRITUELLE NATIONALÉ
DES BAHÁ'ÍS DU CANADA**

5 February 1998 / 18 Sovereignty 154

To readers of Andalib

Dear Friends:

The National Spiritual Assembly of Canada is very happy to acknowledge that the Andalib magazine has just celebrated its seventeenth year of service to the international Bahá'í community. We know many believers all over the world eagerly anticipate receiving their copy of the magazine on a quarterly basis.

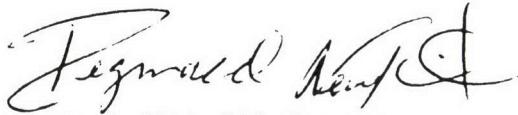
We have been told that readers of Andalib cherish reading Tablets of the Blessed Beauty and of the Master, Abdu'l-Bahá, which are published for the first time in these pages. Various aspects of the history of the Faith, which have been published, have also been appreciated and valued.

Now as we turn our thoughts to the educational and informational function served by Andalib magazine and to the needs of the Four Year Plan and beyond the year 2000, we are eagerly looking forward to the evolution of this publication. Representatives of the National Spiritual Assembly recently consulted with the Andalib Committee. It was a fruitful consultation on what we can do to ensure that the magazine increasingly serves the specific educational and spiritual enrichment needs of its readers. As well, we are looking at how the magazine can more directly serve the overarching objective of the Four-Year Plan, namely promoting a significant acceleration of the process of entry by troops.

We invite you to share your thoughts, views and suggestions on the above themes with us.

Finally, we are moved to offer to you our heartfelt gratitude for your faithful support of our very dear and cherished publication.

With warmest regards and gratitude,



Reginald Newkirk
Reginald Newkirk, Secretary

ترجمه مرقومه محفل ملی بهائیان کانادا

انگلیسی آن در صفحه ۸ چاپ شده است

۵ فوریه ۱۹۹۸

مطابق ۱۸ شهرالسلطان ۱۵۴

خوانندگان عزیز نشریه عندلیب :

محفل روحانی ملی بهائیان کانادا با کمال خوشوقتی باطلاع آن عزیزان میرساند که اخیراً نشریه عندلیب هفدهمین سال خدمات ذیقیمت خود را به جامعه بین المللی بهائی جشن گرفت . محفل روحانی ملی مطلعند که چگونه صدها نفر از شما عزیزان در سراسر جهان مشتاقانه چشم برآ رسانید نسخ این نشریه که هر سه ماه یکبار بچاپ میرسد هستید .

بدون شک یاران عزیز از زیارت الواح مبارک جمال قدم و حضرت عبدالبهاء که برای اولین بار در این نشریه بچاپ میرسد غرق سرور روحانی میگردند . مطالب مختلفه در مورد تاریخ این امر اعظم نیز که در لابلای مطالب دیگر گنجانده میشود از ارزش و اهمیت شایانی برخوردار است .

اکنون با در نظر گرفتن جنبه آموزشی و خبری این نشریه و با توجه به احتیاجات جهانی عالم بهائی در طول نقشه منیعه چهار ساله و بعد از سال دو هزار ، جای آن دارد که به ارزیابی این نشریه بهائی پردازیم . نمایندگان محفل روحانی ملی اخیراً طی جلسه ای به شور و مشورت با اعضاء محترم هیئت تحریریه نشریه عندلیب نشستند . از جمله مطالبی که در طول این جلسه پربار مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت این بود که چگونه میتوانیم اطمینان حاصل نماییم نشریه عندلیب بیش از پیش نیازهای خاص فرهنگی و تقویت روحانی خوانندگان عزیز خود را تأمین مینماید . محفل روحانی ملی همچنین مایل به بررسی این مطلب است که چگونه نشریه عندلیب میتواند بطور مستقیم به تحقق هدف فراگیرنده نقشه منیعه چهارساله که همانا تشویق احباء به تسریع امر اقبال دسته جمعی به امر بهائیست کمک نماید .

بدین وسیله از شما یاران عزیز دعوت مینماییم تا نظرات و پیشنهادات خود را در موارد فوق با ما در میان بگذارید . در خاتمه از حمایت شما یاران با وفا از این نشریه عزیز و ذیقیمت صمیمانه سپاسگزاریم .

با تقدیم تحيات بهائی

رجینالد نیوکرک منشی محفل روحانی ملی بهائیان کانادا

امید نیکوئی

» دنیا و آنچه در آن است نزد اهل بھاء معدومی است متحرک و مفقودی است مشهود « (۲۸) ، این بصیرت موجب پدیداری آن ویژگی ارزنده ای است که به تعییر جمال قدم "شمس و قمر و سمع و بصر و انجم" (۲۹) می باشد : « اخلاق مُنیره مضیئه » (۳۰) اول صفت بھائی "انقطاع" است . انقطاع فرد بھائی آزادی و فراغت از دون حق (۳۱) ، غیر الله (۳۲) و ماسوی الله (۳۳) است . آن گونه رهائی که به شهادت مبارک اگر به شهرهای زرین گذر کنند بدان التفاتی ننمایند و چون ابر از آن بگذرند (۳۴) . این آزادگی از مساوی حق "تقوا" نی به ارمغانی می آورد که به فرموده مظہر الٰی تاج زینت بخش رأس (۳۵) و روشنانی قلب بھائی (۳۶) است . این صفت علیا خود موجب "تقدیس" وجود اهل بھاست طهارتی که " ولو يمرون على ملکوت الجمال لا يتوجّهون اليه " (۳۷) مصدق روشن آن می باشد . اهل بھاء اگر از غیرالله کذشته و تقوی وجودش تقدیس از دون حق را رقم می زند . اما سرمست "کوثر محبت الرحمن" (۳۸) است و برخاسته به محبت دوست (۳۹) ، به شانی که " ما منعهم مدافع العالم و لاسيوف الامم عن التوجه الى بحر عطا، ربهم المعطى الکريم " (۴۰) ، و بدینسان بھائیان مظہر "استقامت" می کردند . نفوسي که به تصريح مبارک "از حوادث امکانیه تغییر نیابند و از ظلم علماء و امراء و کبرا از حق منع نشوند" (۴۱) و "بأسا ایشان را از توجه منع ننموده و ضرا از اقبال باز نداشت" (۴۲) . پایداری شان به شانی است که "از برای ملحدین و ناعقین و خادعین مجال ذکر نبوده

اصحاب سفینه حمرا

پیروان شریعت بھائی که در آثار حضرت بھاء الله " اهل بھاء " خوانده می شوند و به " اولیاء " (۱) و " اصحاب سفینه حمرا " (۲) ، " ساکنین فلك حمرا " (۳) ، " آل الله " (۴) ، " اهل حق " (۵) ، " اهل الله " (۶) ، " حزب الله " (۷) ، " احباء " (۸) ، " دوستان حق " (۹) ، نیز موسوم اند . تنها در صورت تحقق ویژگیهای در شخصیت و رفتار که به نص شارع امر الٰی برای ایشان مقرر کشته ، حائز این اسماء و القاب می کردند .

این نفوس در مقام نخست با انقطاع و ترك تقلید (۱۰) ، مقبلین الى الله اند (۱۱) ، اقبالی که قلبی (۱۲) است . به قلب طاهر (۱۳) و حجبات سماء و صفات مانع آن نمی گردد (۱۴) . ایشان نیوشای ذکر حق به کوش فطرت اند (۱۵) و شناسندکان آثار منزله الٰی (۱۶) از کوثر بیان (۱۷) و صهباي معانی (۱۸) نوشیده اند و به رحیق نورانی فائز (۱۹) و از این شراب مختوم الٰی قسمت بردہ اند (۲۰) و اهل بھاء به شهادت لسان مبارک عرف قیص یافتگان اند (۲۱) و به صریر قلم اعلی زنده و مسرور (۲۲) ، معترف به اظهارات حق (۲۳) و افروخته به نار رخسار یار (۲۴) و این گونه طائر هوانی هستند که در آن نسیم تقدیس و بوی خوش جامه محبوب امکان در ورزش و گذر است (۲۵) .

" اهل بھاء " به نص مبارک " من في العالم را معدوم مشاهده نمایند " (۲۶) و ، " یرون فنا الاشياء كما یرون الشمس في السماء " (۲۷) و به تصريح بیان اعلی

فطرتشان را چشم‌های علم و حکمت می‌سازد (۵۶) در این عنایت به وجه الله که افتخارشان علم و عمل و اخلاق و دانش می‌گردد نه وطن و مقام (۵۷)، مقدس از نظر به حکومت ظاهره (۵۸) در "ظل علم انتی انا لله" مسکنی می‌گزینند (۵۹) اقامتی که موجد بشارت و شادمانی آشکار در روح (۶۰) و طراوت و خرمی آسمانی از وجوده شان است (۶۱) و اجتماع این خصائص الهی بهانی را تحقق این بیان احلى می‌نماید : "اهل بهاء چون شمع مابین جمع مشرق و لامع اند (۶۲) و "اولنک عباد بهم یظهر التقديس فی البلاد و تنشر آثار الله العزيز الحكيم (۶۳).

"اولیاء" در تخلّق به اخلاق مرضیه ، عامل اعمال طیبه طاهره نیز هستند . آن چنانکه از لسان وحی "عاملین به منزلات كتاب اقدس" (۶۴) خطاب می‌گردند و دارای رفتاری هستند که در آمیخته به روح و ریحان و مایحبه الرحمن است (۶۵) . در عمل به حبل الهی متمسک اند (۶۶)؟ و بر وفای به عهد الله قائم (۶۷). در پی ارتفاع دولت و نظم مملکت و راحت ملت می باشند (۶۸) و آکاه ساختن نفوس به آنچه سزاوار اعمال است (۶۹) . می توان گفت که قائم بودنشان به ذکر و ثنای جمال قدم (۷۰) و به تعبیر صریح تر برخاستگی بر تبلیغ امر به حکمت و بیان (۷۱)، تبلیغی که در آن باید به منش و کردار و کفتار راهنمای خلق گرددند. هدایتی خاصه که "لازال به اقوال بوده و این زمان به افعال کشته است" (۷۲)، این نفوس منصوره را جلو زینت نفس به طراز اعمال و فوز به عمل رضامند الهی (۷۳) می سازد . نه آنکه محبوب امکان می فرماید : "ولكن افعال پاك و مقدس مخصوص دوستان ما

و نیست" (۴۲) و در این مقام است که به خطاب "طوبی للذین قاموا و استقاموا على امر الله" (۴۴) مقتخر و سرافراز می‌گردند . این نفوس بُننجایگاه آنان اند که به فرموده لسان ابھی بلا مخصوص ایشان مقرر کشته ، نعمتی که آنان را در زمرة مقربین می‌آورد و به سلام آن به ذروة عليا ارتقاء می‌جویند (۵۵) . در راه مقصود دوجهان زندانی می‌شوند و بر آنان ظلم روا می‌دارند (۶۴) اما مصدق این آیه آسمانی که می‌فرماید : "كلما زاد البلاء زاد اهل البهاء في حبهم قد شهد بصدقهم ما انزله الرحمن في الفرقان بقوله" فتمّنوا الموت ان کتتم صادقین" (۴۷) و با جان ثاری در سبیل بهاء از اهل بهاء محسوب می‌شوند (۴۸) . نیز به واسطه این عشق فزاینده است که اهل بهاء در عین نزین به طراز "وفا" (۴۹) "انفاق" (۵۰) و "خدمت" به اولیاء" (۵۱) وارسته از دون حق مظہر تسليم و رضا در برابر اراده جمال الهی می‌گرددند . به تعبیر جمال قدم ، اینان نفوسی هستند که جمیع من فی السموات والارض را معلق به اراده حق دانند . به شانی که اگر بخواهد بحرکت اصبع اراده ذره تراب را به ادنی راجع فرماید کل مایقول هو حق و ما يحكم به ینبغی ان یکون محبوب العارفین (۵۲) و از این رو با تممسک به اراده الله (۵۳) و اعتراف به کلمه مبارکه "ي فعل ما يشاء و يحكم ما يريد" از اهل حق محسوب اند "ایشان اند که در امر الله چون و چرا نگفته و نخواهند گفت" (۵۴) و در این مقام توکل و تفویض "لا زال به افق اعلى ناظر بوده و هستند" (۵۵) و نظارتی که بی نیاز و مستغنی شان از کل علوم می‌دارد و قلب و

است . . . » (۷۴) ؟

« عالم از شرق و غرب » (۹۱) دارد و در پرتو این روشنانی بنا بر سفارش الهی درمان امراض عالم را پی می کیرد : « بگو ای احبابی من شما اطبای معنوی بوده و هستید باید به حول و قوه الهیه به دریاق اسم اعظم امراض باطنیه امم و رمد عیون اهل عالم را مداوا نمایند و شفا بخشید تا کل به شاطئ بحراعظم در ایام مالک قدم توجه نمایند و باید کل به قمیص امانت و رداء دیانت و شعار صدق و راستی ظاهرو باطن خود را مزین نمایند تا سبب علو امر و تربیت خلق گردد . (۹۲)

« حزب الله » در پی درمان بیماری دنیا ، اهداف والانی را دنبال می کند که برترینشان « اتحاد ارض » است ، چنانکه قلم اعلی می فرماید : « همچنان اصلاح عالم بوده و هست و اراده آنکه اختلاف از میان برخیزد و نار ضغینه و بغضا خاموشی پذیرد تا جمیع ارض قطعه واحده مشاهده گردد » (۹۲) و در مسیر دستیابی به این هدف مقدس است که به شهادت بیان مطهر « آفتاب و ماه و بَرَ و بحر گواه که این حزب به طراز وفا مزین اند و جز ارتفاع دولت و نظم مملکت و راحت ملت به امری تمسك نجسته و نخواهند جست » (۹۴) به بیانی دیگر « حزب الله جز عمار و اصلاح عالم و تهذیب امم مقصودی نداشته و ندارند » (۹۵) و در سایه این نیت نیک و بیزدانی ، پیوسته « خیر دولت و ملت را در لیالی و ایام از حق جل جلاله سائل اند » (۹۶) .

« احبابی » متخلق به صفات و اطوار و صاحب مقاصد عالیه فوق الذکر ، دارای جایگاه گرانقدرتی می گردند که آثار شارع قدیر گواه پاک آن مقامات است . دوستان

و اما از جمله خصائص « اصحاب سفينة حمراء » جستجوی در امور و گزینش بهترین هاست (۷۵) و بدین طریق راه به شناخت و اقبال به حق تعالی می برند . متخلق به اخلاق نورانی و عامل به اعمال آسمانی می شوند و در لوازم این طی طریق است که حضرت بهاء الله ماینبعی لاهل البهاء را معین می فرمایند . آنچه از نظر مبارک شایسته اهل بهاء به شمار می آید از جانبی صفاتی است که منش بهائی را شکل می دهد . انقطاع (۷۶) ، امانت (۷۷) ، دیانت (۷۸) ، صدق و راستی (۷۹) ، تقوی (۸۰) ، اتفاق (۸۱) ، استقامت (۸۲) و . . . که جمال قدم همواره بیان آرزوی قلب مطہرشان را در تخلق احباء بدین صفات مرضیه با ذکر « انشاء الله » (۸۲) مزین می فرمایند و بخشی دیگر از این شایستگی ها در اعمال پیروان امر مبارک مجال ظهور می یابد . از جمله آنکه :

« اصحاب سفينة حمراء » وجوهشان آینه انوار حق است و از ایشان « اثرالله و وقاره » (۸۴) ظهور می کند و در رفتار دارای کمال روح و ریحان اند و به مایحبه الرحمن عامل (۸۵) ، عمل به آنچه سزاوار است و آکاهی بخش نفوس (۸۶) ، چرا که تعلیم حق تعالی به گشودن چشم مردمان (۸۷) را دانسته و از وظیفه شان ، مجاهده در امر حق (۸۸) آکاه اند . پیکاری که در قالب نصرت امر الهی به اعمال و اخلاق (۸۹) به عنوان یکی از تعالیم مؤکد جمال اقدس ایهی ، در آثار آن حضرت بیانی مکرر می یابد . بهائی قائم بر نصرت امر نه تنها موظف است که آینه تقدیس ذات حق (۹۰) باشد بلکه با ظهور به نور اتحاد سعی در تنویر

الاسماء به ما اراده المحبوب فائز شوند ” (۱۰۷) . در مقامی بهائي منقطع و مقدس که ” يرون اهل الا کوان فى وجوهم نصرة الرحمن ” (۱۰۸) ، به خطاب ” الا انهم من المقربين ” (۱۰۹) فائز و آنجا که صحت از فدائی نفس ايشان است به بيان ” يستبر کن بتراب قدومهم الملء الاعلى يا طوبي لهذا المقام العزيز المنبع ” (۱۱۰) متبرک اند . در وفاي به عهد مستبشرند به لهم مقعد صدق عند مقتندر قدير ” (۱۱۱) ونام شان ثبت شده لوحى است که چشمها از دیدار آن ممنوع می باشد (۱۱۲) و به هنگام تمسك و عمل به احکام الهی و نیز در استقامت و قیام بر امر و معاشرت به روح و ریحان به کلمه طوبي (۱۱۳) مفتخر و در انقطاع نیوشای ” خوش حال نفوسی که اسیر رنگ دنیا و ما خلق فيها نشده اند و به صبغ الله فائز گشته اند ” (۱۱۴) . به کاه اتفاق به آیه ” طوبي لمن اختار اخاه على نفسه ” (۱۱۵) آراسته و به نص مبارک به ایامی فائزند که اکثر کتب عالم به ذکرشن مزین (۱۱۶) ” دوستان الهی الیوم به عنایت و شفقتی فائزند که اقلام عالم و ابهر آن از احصاء آن عاجز . باید از حوادث فائیه محزون شوند . آنچه در قلب خطور نماید و یا قوه خیالیه آن را ترتیب دهد لدی الله از برای اولیاء موجود و مخلوق و حاضر و منتظر . . . ” (۱۱۷) .

با نظری به همه آنچه تقریر یافت در تأیید و توفیق اهل بهاء به آنچه بر ايشان الزام گشته ، در تخلق بالخلق مرضیه و اعمال طیبه ، در حصول اهداف عالیه شان ، در دستیابی به آن مقامات بلند و عزیز و تحقق بشارات مبارکه در باره آن نفوس ارجمند ، دست نیاز به درگاه پرانوار حضرت فیاض بر می فرازیم

حق ” عبادی که وصف شان در کتب الهی از قبل و بعد مذکور ” (۹۷) ، به تصریح بیان مبارک مالک مقامهایند (۹۸) ، ایشان جواهر وجودند (۹۹) و سلطانین هستی و انجم سماه قدرت (۱۰۰) ، به مشابه چشم برای عالم هستند (۱۰۱) و لنالی امر الهی (۱۰۲) و در این رتبه است که خلق کائنات برای ایشان صورت می گیرد (۱۰۲) ، برای نفوس مقدسی که در ظل سرادق عظمت و عصمت حق اند (۱۰۴) و ” واحد من هولاء عند الله خير من الف الف نفس من دونهم كما أن قطعة من الياقوت خير من الف جبال من حجر متين (۱۰۵) در این مقام است که حق منيع هدایت می فرماید ” ای اصحاب بهاء بر سفینه بقاراکب شوید و بر بحر حمراء در این مدینه کبریا حرکت نمایند و در این مقام قدر خود را دانسته که احدی در این موهبت عظمی و مكرمت کبری شریک نبوده و نخواهد بود چه که الیوم جمیع کشتی ها در غمرات طمطمam فنا مبتلا گشته اند مگر این فلك قدس سبحانی و سفینه عز رحمانی که هر که به او تمسک یافته از فتنه ایام محفوظ ماند و مقدس فرموده او را پروردگار از حمل مشرکین و قعود معرضین واین است فضل پروردگار که مخصوص است به اوراق سدره تقدیس که از جیب قیص ابھی به ضیاء ابدع اصفی ظاهر گشته (۱۰۶) .

و سر انجام آنکه اهل بهاء در آثار مبارکه الهی ، در صورت تخلق به صفات و اعمال رحمانی پیوسته مورد بشارات بی شمارند که هریک نتیجه ای کوارا برای مجاهده آسمانی ايشان در سلوك الى الله است : ” قلم اعلى اهل بهاء را به فيوضات رحمانیه بشارات می دهد و جميع را نصیحت می فرماید تا کل به نصح الله مالک

و در می خواهیم " نسئلل الله ان يمد اولیانه و یویدهم
علی ما ینبغی لهم فی هذا المقام المبارک العزیز البدیع "
واصله از معهد امرالله . (۱۱۸)

پانوشت ها

- ٢٥ - مجموعه اشرافات ١٧٧
 - ٢٦ - لوح شیخ نجفی ٩٠
 - ٢٧ - لوح شیخ نجفی ٩٢ و کتاب مبین ١٥٣
 - ٢٨ - آثار قلم اعلی ج ٢ / ١٥٥
 - ٢٩ - ادعیه حضرت محبوب ٢١٤
 - ٣٠ - آثار قلم اعلی ج ١٥٥ / ٢
 - ٣١ - آثار قلم اعلی ج ٦ / ١١٨
 - ٣٢ - آثار قلم اعلی ج ٦ / ١٩٤
 - ٣٣ - آثار قلم اعلی ج ٥ / ١٩٧ - ١٩٦
 - ٣٤ - آثار قلم اعلی ج ٧ / ١٧٠
 - ٣٥ - آثار قلم اعلی ج ٦ / ١٩٤
 - ٣٦ - آثار قلم اعلی ج ٢ / ١٨٨
 - ٣٧ - آثار قلم اعلی ج ٢ / ١٥٥
 - ٣٨ - کتاب مبین ٢٢٥
 - ٣٩ - لوح شیخ نجفی ٩٠
 - ٤٠ - مجموعه اشرافات ١٢٦ - ١٢٥
 - ٤١ - مجموعه اشرافات ٢٦ - ٢٥
 - ٤٢ - مجموعه اقتدارات ٤٣ - ٤٢
 - ٤٣ - آثار قلم اعلی ج ٦ / ١٢ و ٤٠ و ١٢٤ و ٢٧٤
 - ٤٤ - مجموعه اقتدارات ٢٤٩ - ٢٤٨
 - ٤٥ - آثار قلم اعلی ج ٦ / ٢٢٠
 - ٤٦ - آثار قلم اعلی ج ٢ / ٢٢٣
 - ٤٧ - آثار قلم اعلی ج ٦ / ٢٢٦
 - ٤٨ - مجموعه اشرافات ١١٢
 - ٤٩ - آثار قلم اعلی ج ٧ / ٢٢٩ - ٢٢٠
 - ٥٠ - آثار قلم اعلی ج ٦ / ١٩٤
 - ٥١ - آثار قلم اعلی ج ٦ / ٢٢٠
 - ٥٢ - مجموعه اقتدارات ٢٤٤ - ٢٤٣
 - ٥٣ - مجموعه اشرافات ١٢٢
 - ٥٤ - مجموعه اشرافات ١٢٣ - ١٢٢
 - ٥٥ - آثار قلم اعلی ج ٦ / ٢٤٨
 - ٥٦ - مجموعه الواح مبارکه چاپ مصر
 - ٥٧ - مجموعه اشرافات ١٢٢ - ١٢١
 - ٥٨ - مجموعه اقتدارات ٢٦١
 - ٥٩ - آثار قلم اعلی ج ٥ / ١١٧ - ١١٦
 - ٦٠ - کتاب مبین ٢٨٢
 - ٦١ - کتاب مبین ٢٨٩
 - ٦٢ - مجموعه اشرافات ١١٤
 - ٦٣ - کتاب مبین ٢٧٢
 - ٦٤ - آثار قلم اعلی ج ٢ / ١٨٥ و آثار قلم اعلی ج ٥ / ١٩٧ - ١٩٦
 - ٦٥ - مجموعه الواح نسخه خطی جناب لاھیجی ١٠٣ - ١٠١
 - ٦٦ - آثار قلم اعلی ج ٥ / ١٩٧ - ١٩٦
 - ٦٧ - کتاب مبین ٤٢٢ و ٤٢٣
 - ٦٨ - لوح شیخ نجفی ٩٠
 - ٦٩ - مجموعه اشرافات ١٥٠
 - ٧٠ - کتاب مبین ١٦١
 - ٧١ - مجموعه اشرافات ١٧١ و کتاب مبین ١٤١
 - ٧٢ - مجموعه الواح مبارکه چاپ مصر ٢٩٦ - ٢٩٥
 - ٧٣ - کتاب مستطاب اقدس ٢٦
 - ٧٤ - مجموعه الواح مبارکه چاپ مصر ٢٩٦ - ٢٩٥
 - ٧٥ - کتاب مبین ٢١٤
 - ٧٦ - کتاب مبین ٢٤٤ و ٢٧٢
 - ٧٧ - مجموعه اقتدارات ١٧١ و ١٦٧ و مجموعه اشرافات ٧٠ - ٧١
 - ٧٨ - مجموعه اقتدارات ١٦٧ و مجموعه اشرافت ٧١ - ٧٠
- و در می خواهیم " نسئلل الله ان يمد اولیانه و یویدهم
علی ما ینبغی لهم فی هذا المقام المبارک العزیز البدیع "
واصله از معهد امرالله . (۱۱۸)
- ١ - آثار قلم اعلی ج ١٨٦ و ١٩٤ مجموعه اشرافات ١٨٧
 - ٢ - مجموعه اشرافات ١٨٧ - آثار قلم اعلی ج ٧ / ٢٧ و ..
 - ٣ - مجموعه اقتدارات ٤٣ - ٤٢
 - ٤ - مجموعه اقتدارات ٢٤٤ - ٢٤٣
 - ٥ - آثار قلم اعلی ج ٧ / ٢٢٠ - ٢٢٩
 - ٦ - آثار قلم اعلی ج ٦ / ٢٢٦
 - ٧ - مجموعه الواح مبارکه چاپ مصر ٢٩٠ - آثار قلم اعلی ج ٦ / ٢٢٠
 - ٨ - آثار قلم اعلی ج ٦ / ١٢ و ٤٠ و ١٢٤ و ٢٧٤ مجموعه اقتدارات ١٢٤ - ١٢٣
 - ٩ - آثار قلم اعلی ج ٦ / ١٥٢
 - ١٠ - کتاب مبین ٢٠٤
 - ١١ - کتاب مبین ٢٠٤ مجموعه اقتدارات ٢٦ - آثار قلم اعلی ج ٦ / ١٧٠
 - ١٢ - کتاب مبین ٢٠٤
 - ١٣ - مجموعه الواح مبارکه چاپ مصر ٤٠٠
 - ١٤ - آثار قلم اعلی ج ٥ / ١٧٠
 - ١٥ - کتاب مبین ٤٠٦
 - ١٦ - کتاب مبین ٤٥٥
 - ١٧ - آثار قلم اعلی ج ٥ / ١٩٧ - ١٩٦
 - ١٨ - آثار قلم اعلی ج ٧ / ٢٢٠ - ٢٢٩
 - ١٩ - آثار قلم اعلی ج ٧ / ٢٢٩ - ٢٢٠
 - ٢٠ - آثار قلم اعلی ج ٥ / ١٩٧ - ١٩٦
 - ٢١ - مجموعه الواح مبارکه چاپ مصر ٤٠٠
 - ٢٢ - آثار قلم اعلی ج ٥ / ١٩٧ - ١٩٦
 - ٢٣ - مجموعه اقتدارات ١٨٨
 - ٢٤ - آثار قلم اعلی ج ٥ / ١١١
 - ٢٥ - کتاب مبین ٤٠٦
 - ٢٦ - مجموعه اقتدارات ١٢٨
 - ٢٧ - کتاب مبین ٤٨٢
 - ٢٨ - آثار قلم اعلی ج ٧ / ٧
 - ٢٩ - مجموعه الواح مبارکه چاپ مصر ٤٠٠
 - ٣٠ - همانجا
 - ٣١ - آثار قلم اعلی ج ٧ / ٢٧
 - ٣٢ - آثار قلم اعلی ج ٧ / ١٠٨
 - ٣٣ - آثار قلم اعلی ج ٥ / ١٩٧ - ١٩٦
 - ٣٤ - لوح شیخ نجفی ٩٢ و کتاب مبین ١٥٣

سیری در آثار مبارکه بهائی

دکتر وحید رأفتی

چند ضرب المثل

ساير قسمتهای اين سلسله مقالات در مجله عنديلیب شماره ۵۲ ، ۵۵ ، ۵۶ .

۵۷ ، ۶۱ ، ۶۲ به طبع رسیده است . برای ملاحظه شرح مربوط به سابقه

انتشار اين مقالات به مجله عنديلیب شماره ۵۲ (زمستان^{۱۴}بدیع ، پاورقی

مندرج در صفحه ۲۰) مراجعه فرمائید .

گردد رب اید عبادک البار على نشر نفحة الازهار و
نسمة الاسحار من رياض قربك . ع ع « (۱) »
مثل " به يك کل بهار نگردد " در كتاب امثال و حکم
علامه دهخدا به صورت " با يك کل بهار نشود " (۲)
و " از يك کل بهار نمی شود " (۳) ثبت گردیده
است . اين مثل ياد آور مثل ديگر فارسي است که
مي گويد " از يك پرستو تابستان نشود " (۴) مقصود
از مثل آن که بر نادر حکم تتوان نمود . (۵)

خير البر عاجله

حضرت عبدالبهاء در لوح حضرت على قبل اکبر می
فرمایند :

" هوالبهی

ايها المشتعل بالنار الموقدة في شجرة الميثاق و
المنجذب الى رب الاشراق حضرت ابن ابهر
عليه بهاء الله الابهی ماؤذون به سفر و مراجعت آن
کشور گشتند و در مت سفر در اقلیم قاف و
ترکستان و گیلان بخدمات آستان حضرت یزدان
مشغول و در همه جا موافق و مؤید شدند نهاي
مأمور به ايران و مراجعت به طهران گردیدند في
الحقیقه زحمات بسیار کشیدند گهی در زیر غل و

به یک گل بهار نگردد

حضرت عبدالبهاء در لوح جناب آقا میر عبدالرحیم در
قصر چنین می فرمایند :

" قصر جناب آقا میر عبدالرحیم علیه بهاء الله الابهی :
هوالله

ای بندۀ دیرین جمال مبین سالها در گذر است و
دهرهای مستمر که از قصر شما ثمر و اثری ظاهر
نگردید نه ندای جانفزائی برخاست و نه صدای خوش
آوازی بلند شد نه شعله ناری برافروخت و نه پرده
پندار نفوس بسوخت نه ناله زاری شنیده شد و نه آه و
زاری استماع گردید . جناب امین از حرارت و شوق و
حرقت، جان خوش ذوقت بنار عشق و محبت الله
مرقوم نموده بود . من مثل مشهور را گویم ، بیک
گل بهار نگردد مگر گلی که در هر آنی شاخی در
جویبار اسرار بنشاند و از رائحة خوش گلشن را بلکه
چمن و دمن را معطر نماید و صحن گلستان بیاراید
پس اميد از فيوضات بهاري و افاضات آذاري جهان
الهي چنان است که به همت نفوس مقدسه که چون
نيسان پريارانند هزاران گل در آن چمن بشکفت و گل
و سنبل و ريحان بدند که مشام ما در اينجا معطر

فرمایند :

« هوالبدع البديع البهي الابهی

ای حبیب زمان زمان کان الله و لم يكن معه من
شئ فسوف تجد بعد بمثل ما قد کان كما اخبرنا
 بذلك في لوح القدس قبل ان يخرج نير الافق عن
 العراق بسنة و كنت من العارفين . ایا میست که کل
 هوي را الله خود دانسته اند و تراب را رب الارباب
 اخذ نموده اند ديگر در این صورت قلم که را ذکر
 نماید و لسان قدم بکدام استحقاق تغنى فرماید ذرهم
 في خوضهم يلعبون و ليكن محزون نشويد که حق
 جل جلاله را خلف سرادق عصمت عبادیست که منع
 نمی نماید ایشان را نعیق ناعق و نعیب فاسق و کل
 من في السموات را مفقود شمرند و بساحت مقصود
 بقلب امین و رجل محکم متین شتابند ولکن در
 تبلیغ امر مبالغه لازم این تکلیف ما و شما ولکن الله
 یفعل ما یشاء اگر چه فریاد مشرکین بشائی
 مرتفعست که صوت موحّیین مسموع نگردد الا من
 تجد له سمع منیر ملاحظه در طبلهای میان خالی
 نماید که با اینکه در باطن خالی و عاریست از
 بداعی رحمت ربانی ولکن در ظاهر نعره و نفیرش
 عالم را کر نماید فنعم ما مثلنا به لک لتكون من
 العارفين باري با این صورت منکر مشکلست که صوت
 ذکر اکبر بگوش آید جمیع این مراتب از حجبات
 ناست و الا اگر نفمه الهی اقل عما یحصی ظاهر
 شود محیطست بر عالمین و الحمد لهذا رب و انه
 رب العالمين ». (۱۲)

تمثیل طبل میان خالی ظاهرا مبتنی بر قصه ای در
 کلیله و دمنه است که می کوید :

” دمنه گفت آورده اند که رویاهی در بیشه ای میرفت

زنجیر بودند و گهی در تحت تهدید تیغ و شمشیر
 گهی چون باد بادیه پیما بودند و گهی چون طیور در
 کهسار و عور در پرواز . حال لازم است که جشنی بر
 پا نمائید و بزمی بیاراید تا تزئین بالین نماید و
 محفل انس بیاراید آن محفل شادمانی باید سبب
 کامرانی کل گردد زیرا تعلق به این عبد دارد و
 اجتماع نجمین در برج انس سبب سرور این انجمن
 رحمانی شود . البته تأخیر نیندازید و خیر البر عاجله
 را منظور دارید و حکم کتاب را اجراء کنید و
 البهاء عليك ع ع ». (۶)

مثل «خیر البر عاجله » که در لوح مبارک فوق مذکور
 شده در کتاب معجم الامثال اللبنانيه (۷) عیناً به صورت
 « خیر البر عاجله » ثبت کشته اما علامه دهخدا مثل
 مزبور ۱ در کتاب امثال و حکم به صورت « خیر الخير
 ماکان عاجله » (۸) نقل فرموده است . این مثل در
 فرائد الادب نیز به صورت « خیر من الخير فاعله » (۹)
 مذکور است .

مثل عربی مذکور یاد آور مصرع دوم در بیت مشهور
 حافظ شیرازی است که می کوید :

هر که که دل به عشق دهی خوش دمی بود
 در کار خیر حاجت هیچ استخاره نیست (۱۰)
 علامه دهخدا در کتاب امثال و حکم (۱۱) بعد از نقل
 بیت فوق به دو بیت ذیل نیز استشهاد نموده است :
 « نه هر کار خدائی را ز مردم مشورت باید
 نه هر کار خدائی را کاشت فرمان بره قطران
 خیر تأخیر بر نمی تابد خنک آن کس که خیر
 دریابد . اوحدی »

طبل میان خالی

حضرت بهاء الله در لوح جناب میرزا آقا چنین می

چون ندید اندر دهل او فریبی
کفت خوکی به ازین خیک تهی
روبهان ترسند ز آواز دهل

عاقلش چندان زند که لانقل » (۱۴)
علّامه دهخدا در کتاب امثال و حکم (۱۵) تمثیل فوق را چنین آورده است : « طبل تهی ، (یا) طبل تهیست ، نظیر : آواز دهل است از میان تهی باند میکند خشخاش . »

بنا به قول سعدی در گلستان (۶۶) « ... دانا چو طبله عطاریست خاموش و هنرمنای و نادان چو طبل غازی بلند آواز و میان تهی ... » در مکالمات روز مرّه زبان فارسی می کویند . « طبل توخالی صداش خیلی بلنده . مصدق کسانی است که عاری از هر هنر ند ولی از آن بیشتر از هر کس دیگر دم می زنند . » (۱۷)

الرَّفِيقُ ثُمَّ الطَّرِيقُ

حضرت عبدالبهاء در لوح جناب بدیع پسر آقا محمد زرگر چنین می فرمایند :

« هوالبهی »

ای متوجه بافق اعلى در هر سبیلی دلیلی لازم و در هر طریقی رفیقی واجب اگر عزم وصول حدائق ملکوت ابهی داری نفعه خوش جانبخش گلهای معانی را دلیل نما و اگر سبیل ورود بساحت قدس جمال کبریا جوئی عون حضرت جمال ابهی را رفیق طلب تا مثل الرَّفِيقُ ثُمَّ الطَّرِيقُ تحقق نماید . آفتاب حقیقت را دلیلی اعظم از انوار جهانگیرش نه و بحر اعظم را اشی اکبر از امواج تقدیسش نیست ماه تابان را روی روشن کافی است و گل گلستانرا بوی جانپرور شاهد وافی ع ع »

و ببوی طعمه هر طرف می گشت بپای درختی رسید که طبلی پهلوی آن آویخته بودند و هرگاه بادی بوزیدی شاخی از آن درخت در حرکت آمده بر روی طبل رسیدی و آواز سهمگین از آن برآمدی رویاه بزرگ درخت مرغ خانگی دید که منقار در زمین میزد و قوتی میطلبید در کمین نشسته خواست او را صید نماید که ناگاه آواز طبل بگوش او رسید نگاه کرد و جّهه ای دید بغايت فربه و آواز وی مهیب استماع افتاد طامعه رویاه در حرکت آمد با خود اندیشید که هر آینه گوشت و پوست او فراخور آواز خواهد بود از کمین مرغ بیرون آمده روی بدرخت نهاد مرغ از آن واقعه خبردار شده بگریخت و رویاه بصد محنت بدرخت برآمد و بسی بکوشید تا آن طبل را بدرید جز پوستی و پاره چوبی هیچ نیافت آتش حسرت در دل وی افتاد و آب ندامت از دیده باریدن گرفت و گفت دریغ که بواسطه این جّهه قوی که همه باد بود آن صید حلال از دست من بیرون شد و از اینصورت بی معنی هیچ فایده بمن نرسید (نظم)

دهل در فعانت دائم ولی
چه حاصل چو اندر میان هیچ نیست
گرت دانشی هست معنی طلب
به صورت مشو غرّه کان هیچ نیست » (۱۸)
مولوی در مشنوی به قصه فوق چنین اشاره نموده است :
« آن دهل را مانی ای زفت چو عاد
که بر او آن شاخ را می کوفت باد
روبهی اشکار خود را باد داد
بهر طبلی همچو خیک پر ز باد

- ٦ - شرح حال جناب ابن ابهر در کتاب آقای عبدالعالی علائی موسوم به مؤسسه ایادی امیرالله (طهران : مؤسسه مطبوعات ، ١٢٠ بدیع ، ص ٤٠٢ ، ٤٤٩) به طبع رسیده است . مراد از " اقلیم قاف " در لوح مبارک سرزمین فرقان است .
- ٧ - ائس فریحه ، معجم الامثال اللبنانيّة الحديثة (بیروت : مکتبة لبنان ، ١٩٩٥) ، ص ٢٩٥ .
- ٨ - امثال و حکم ، ج ٢ ، ص ٧٦٧ .
- ٩ - فراند الادب به ضمیمه المنجد (بیروت : دارالمشرق ، ١٩٧٣) طبع شده است ، ص ٩٨٥ .
- ١٠ - بهاء الدین خرمشاھی ، حافظ نامه (طهران : شرکت انتشارات علمی و فرهنگی و انتشارات سروش ، ١٣٦٨ هش ١ ، ج ١ ، ص ٢٧٥ ، برای ملاحظه شرح مربوط به مصعر " در کار خیر حاجت هیچ استخاره نیست " به صفحات ٢٧٥ - ٢٧٨ در کتاب فوق مراجعه فرمائید .
- ١١ - امثال و حکم : ج ٢ ، ص ٧٤٩ .
- ١٢ - مخاطب این لوح مبارک شاید آقای رکاب ساز شیرازی باشد ، عبارت مندرج در صدر لوح مبارک قسمتی از حدیث نبوی است که می فرماید : " کان الله و لم يكن شيئاً قبله ، و كان عرشه على الماء ثم خلق السموات والارض ، و كتب في الذكر كل شيئاً " (محمد بن عبدالله الخطیب ، مشکاة المصایب ، بیروت : دارالفکر ، ١٩٩١ ، ج ٢ ، ص ٢٤٢ ، حدیث شماره ٥٦٩٨)
- ١٣ - کمال الدین حسین بن علی بیهقی واعظ کاشفی ، کلیله و دمنه کاشفی یا انوار سهیلی (طهران : امیر کبیر ، ١٣٦٦ هش ١ ، ص ٨٧ - ٨٨)
- ١٤ - جلال الدین محمد مولوی ، مثنوی مولوی (طهران : امیر کبیر ، ١٣٦٢ هش ١ ، به تصحیح نیکلسون ، دفتر ٢ - بیت ٣١٥٩ ، ٣١٦٢ .
- ١٥ - امثال و حکم ، ج ٢ ، ص ١٠٦٦ .
- ١٦ - سعدی ، گلستان سعدی (طهران : خوارزمی ، ١٣٦٨ هش ١) ، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی ، ص ١٨٠ .
- ١٧ - امیر مسعود خدایار ، اندرزها و مثالهای مصطلح در زبان فارسی (طهران ، خورشید ، ١٣٦٤ هش ٣) ص ٤٥٠ .
- ١٨ - معجم الامثال اللبنانيّة الحديثة ، ص ٢٢٢ .
- ١٩ - امثال و حکم ، ج ١ ، ص ٢٤٩ .



مثل " الرَّفِيق ثُمَّ الطَّرِيق " در کتاب معجم الامثال اللبنانيّة (١٨) به این صورت آمده است : " الرَّفِيق قَبْلَ الطَّرِيق وَالرَّادَ قَبْلَ السَّفَرِ " امّا مندرجات کتاب امثال و

حکم (١٩) در باره این مثل به شرح ذیل است :
الرَّفِيق ثُمَّ الطَّرِيق " (یا) قَبْلَ الطَّرِيق ، نظیر :

بره چون روی هیچ تنها مپوی
نخستین یکی نیک همراه بجوى (اسدی)

چرا همراه بدجستی و بد خواه
تو نشنیدی که همراه است و پس راه

(ویس و رامین)

راه بی یار نیک توان رفت
ور نه پیش آیدت هزار آفت (سنانی)

دوستان همچو آب ره سپرند
کابها پا یهای یک دگرند

راه بی یار رفت باشد رفت
جز بآب آب کی تواند رفت

آب را چون مدد بود هم از آب
کلستان کردد آنچه بود خراب (سنانی)

یادداشتها

۱ - آقا میر عبدالرحیم قمصری از مؤمنین اولیه امر در ایام اقامت جمال قدم در بغداد بوده و بعداً در عکا نیز به حضور جمال اقدس ایهی فائز کشته و مخاطب الواح عدیده از قلم حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء است .

۲ - علی اکبر دهخدا ، امثال و حکم (طهران : امیر کبیر ، ١٣٦٢ هش ١ ، ص ٢٧٤)

۳ - امثال و حکم ، ج ١ ، ص ١٦٦

۴ - امثال و حکم ، ج ١ ، ص ١٦٦

۵ - برای ملاحظه شرح مطلب به ذیل " النادر كالمعدوم " در مجله عندلیب (سال ١٤ ، شماره ٥٦ ، پائیز ١٩٩٥ ، ص ٢٥) مراجعه فرمائید .

جشن سالگرد

دostan aziz :

شما ياران کرافقدر در اين شماره مجله عندليب مرقومه محفل مقدس روحاني ملی بهائيان کانادا را که ترجمه آن نيز بفارسي مع اصل انگليسی آن در مجله اندراج يافته و در آن اشاره اى به جشن آغاز هفدهمين سال انتشار نشيءه عندليب شده خوانده و مورد توجه قرار داده ايد حال به منظور آکاهي شما دostan يكدل و جان کوتاه گفتاري در باره آن جشن دل افروز نگاشته می شود .

در ۱۴ دسامبر ۱۹۹۷ جشني با شکوه بمناسبت شروع سال نو عندليب ، از طرف هيئت تحريريءه عندليب و همكاران در حظيرة القدس توراتتو با شركت مت加وز از دويست نفر از احباء که از راههای دور و نزدیک آمده بودند برگزار گردید .

جاي شما عزيزان خالي ، محفلي بود نوراني و جشني بود فرجبحش ، بقسمی که در خاتمه قریب باتفاق حاضران اظهار رضامندی و سرور می نمودند . ابتدا محفل انس عندليب با مناجاتی از حضرت مولی الوري روح ما سوا فداء آغاز وسپس نظام جلسه ضمن بيان خير مقدم و اظهار تشکر از شركت کنندگان مطالبي اظهار داشت که فشرده آن چنین است :

در سال ۱۹۸۰ لجنه مجله ايران کانادا طرح نشيءه اى خبرى ، برای احباب فارسي زبان مورد مطالعه قرار داد که در صورت امكان مبادرت با انتشار نماید ، از حسن اتفاق در آن هنکام شهر توراتتو بقدوم حضرت امة البهاء روحیه خانم ، حرم مبارك عليها بهاء الله الإلهی مفترخ

بود ، لذا بحسب محفل مقدس ملی بهائيان کانادا در شهر هاميلتون محلی مجله بمنظور استفاده ياران از محضر ايشان انعقاد يافت ، در آن حفله نوراني باطلاع معزى لها رسيد لجه ايران کانادا در نظر دارد نشيءه اي بزبان فارسي انتشار دهد . تشویق بسيار فرمودند و وجود چنین نشيءه اي را در آن برهه از زمان لازم شمردند . لهذا لجه اiran کانادا با مطالعه جوانب کار تهيءه و انتشار مجله عندليب را با مشورت و موافقت محفل مقدس ملی بهائيان کانادا در دستور کار قرار داد و بدین منظور هيئتی را بعنوان هيئت تحريريءه عندليب انتخاب نمود .

پس از انتشار چند شماره بر حسب تصميم محفل ملی لجه ملی عندليب تحت اشراف آن محفل قرار گرفت و هيئت تحريريءه آن که همان اعضاء سابق بودند تصويب و اعلام شد .

سپس نماینده محترم محفل مقدس ملی جناب عنایت روحاني بیاناتی جامع ايراد نموده و ضمن تشویق خادمان عندليب اظهار داشت که جشن آغاز هفده سالگی مجله عندليب چون مقارن با صدمين سال تأسیس امر مبارک بهائي در کانادا و پنجاهمين سال تأسیس محفل ملی این کشور است لذا بسیار مبارک است . بعد از اتمام بیانات ايشان يکی از اعضاء هيئت تحريريءه عندليب مطالبی از طرف لجه باختصار در باره تأسیس مجله عندليب و تغييرات و تحولات آن در اين شانزده سال كامل بيان داشت و ضمنا از



اعضاء اولیه هیئت تحریریه عندلیب

آن دستخط منیع در شماره دوم مجله عندلیب چاپ شد، لذا به منظور تجدید خاطره آن زمان عیناً در در بالای صفحه بعد کراور میگردد.

علاوه بر مباحثت بالا از دانشمندان امر بهانی و نویسنده‌گان عالیقدر که تا حال با آثار قلمی خود عندلیب را یاری دلسوز بوده اند قدردانی بعمل آمد و همچنین از منشیان محترم محفل مقدس ملی وقت جنابان دکتر داکلاس مارتین ، دکتر حسین دانش ، و رجیمال نیوکرک که با راهنماییها و مشاورات لازم موجبات پیشرفت عندلیب را فراهم ساخته اند صمیمان تشکر شد . ناگفته نماند که در این چند سال اخیر جناب عنایت روحانی نماینده محترم محفل مقدس ملی در لجنه عندلیب میباشدند که علاوه بر راهنمایی، منویات محفل مقدس ملی را به لجنه ابلاغ میفرمایند .

خدمات و زحمات کسانی که عضو هیئت نیستند ولی خالصانه و مشتقانه تا حال خادمان عندلیب را یاری نموده اند قدردانی نمود و آنانرا بنام ، فردا فرد معرفی نمود . خصوصاً یاد جناب ابراهیم خلیلی را کرامی داشت و شرحی از خدمات ایشان در عندلیب و دوران مهاجرتشان بقبرس بیان نمود که مورد توجه واقع گردید و ضمناً اظهار نمود آنچه مسلم است و ما بخوبی بآن واقفیم که اکثر عنایات الهی و توجهات معهد اعلی نبود هرگز عندلیب باین پایه از محبوبیت و شهرت نائل نمی آمد .

بعد از انتشار شماره اول دستخطی از معهد اعلی و اصل که اطمینان قلب حاصل شد و دانستیم که عنایات الهی کامل است و توجهات مرجع ملهم مصون از خطأ شامل

22 MARCH, 1982

CONGRATULATIONS PUBLICATION ANDALIB PERSIAN MAGAZINE CONVEY DEEP APPRECIATION THOSE RESPONSIBLE PRODUCE SUCH TASTEFUL, TIMELY, DIGNIFIED PUBLICATION. ASSURANCE PRAYERS.

UNIVERSAL HOUSE OF JUSTICE

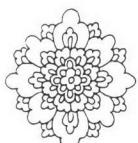
ترجمه مکتب واصهه زمیت العدل عظیم لله شیده رکن

۱۹۸۲، مارس ۲۲

انتشر مجله فارسی عنديليب را ترکیت گفته تحیین عمق ما را بجا طبیعت پذیرن محبته
سرشار از ذوق و موقع دو زین به مسئولین ابلاغ و با دعیهٔ مطہیمان و هید.
بیت العدل عظیم

در خاتمه هیئت تحریریه عنديليب از جمیع یارانی که در این جمع نورانی شرکت نموده و همچنین از خوانندگان و مشترکین عنديليب و نیز از کسانی که تبرّعات کریمانه به عنديليب نموده و مینمایند صمیمانه سپاسگزار است.

با تقدیم تحيات بهائی - عنديليب



علوم است که در بین پرگرام نیز نوای موسیقی و ترنمای دلنشیں نشاطی تازه می‌بخشید، بویژه ویلن هنرمند کرامی جناب منوچهر و همن همراه با ضرب جناب فرشاد مدیر طرب افزا و روح پرور بود.

این محفل نورانی با مناجاتی روح بخش خاتمه یافت و حاضران به چای و شیرینی دعوت شدند. در روی میز پذیرانی کیکی بزرگ بواسطه‌یکی از خانمهای بهانی از مشتاقان عنديليب با طرح روی جلد عنديليب تهیه شده بود که بسیار چشمگیر بود و جلب توجه می‌نمود.

علی ، که نامبرده مجتهد و پیش نماز و واعظ و عالم دو شهر سنگسر و شهمیرزاد بود و مدام در همه جا و همه وقت نزدیکی ظهور قائم را بردم مژده میداد و خود جهت تحقیق و یافتن و شناختن قائم آل محمد اغلب به مسافت میرفت و در پی صدا و ندای او در همه جا روان بود و پرسان از هرکس تا بالاخره در کربلا تواضع حضرت باب را که جناب ملاعی بسطامی به ایشان عنایت کردند زیارت کرده و بعد از چندی صعود نمود . ولی به همسر و فرزندانش وصیت و نصیحت کرده بود که از یاران قائم گردند و در رکابش شمشیر زده شهید راهش شوند .

زمانی که جناب ملاحسین بشرویه ای از خراسان با عده ای از یاران با علم سیاه حرکت کرد در مسیر راه به هر شهر و آبادی و دهی که میرسیدند مژده ظهور را میدادند و به تبلیغ امر میپرداختند و گروهی از این مؤمنین جدید نیز با ایشان همراه میگشتند . در توقف دو روزه ای که در اطراف سنگسر و شهمیرزاد داشتند عده زیادی از مردم این دو شهر ایمان آورده ، ۲۲ نفر از این دوشهر با جناب باب همراه شدند ، از جمله این نفوس سه فرزند ذکور آخوند میرمحمد علی بنامهای آقا سید احمد ، آقا میرزا ابوالقاسم ، آقا میرابوطالب بودند که همراه جناب باب

باب عازم قلعه شیخ طبرسی گردیدند . در موقع حرکت این عده همسر آخوند میرمحمد علی نامه ای جهت جناب قدوس نوشته بوسیله جناب باب الbab ارسال داشت ، که محتوای آن چنین بود : طبق

مبشر ظهور حضرت اعلی در سنگسر و شهمیرزاد

آخوند میرمحمد علی

قبل از طلوع صبح هدی حضرت اعلی دو نفس نفیس جناب شیخ احمد احسانی و سید کاظم رشتی مکتب شیخیه را بوجود آوردند . این دو شخص بزرگوار در تمام ایام حیات علاوه بر اداره حوزه علمیه خود با تفحص و تحقیق در آیات مبارکه قرآنیه و احادیث مرویه نبویه به قرب ظهور و نزدیکی صبح هدایت و طلوع آفتاب حقیقت ، مهدی موعود ، صاحب الزمان بی برده و مردم را به این بشارت عظمی مژده میدادند و همگان را چه از تلامذه حوزه علمیه خود و چه از افراد شرکت کننده و شنونده در مجالس وعظ و تدریس و چه از زعمای قوم اعم از سیاسی و دینی را آماده پذیرش ظهور جدید می نمودند و هر از چندی جهت مسئولیت مهمی که خود به آن واقف بودند مسافت به اطراف و اکناف و شهرهای دور و نزدیک عراق و ایران نموده و در مساجد با ایراد وعظ و خطابه مردم را آماده پذیرش تحقق وعود الهیه و قرب ظهور صاحب الزمان مینمودند .

علاوه بر این دو شخص برجسته و عالی مقام و عالی قدر که مورد احترام و اعتماد عموم بودند در اغلب شهرهای ایران مردمان روشندنی زندگی میگردند که قرب ظهور قائم موعود را از فحوای آیات و احادیث اسلامی بطور وضوح دریافته و در پی تحقیق و جستجو برآمده و اهالی شهر محل سکونت خود را بمژده قرب ظهور نوید میدادند .

یکی از این مبشرین شخصی بود بنام آخوند میرمحمد

که به منزل ورود مینماید و دق الباب میکند مادرش از پشت درب سنوال میکند که چرا از قلعه برگشتی و جناب قدوس را تنها و بی یار و مدد کذاشتی و مراجعت نمودی ، من شیرم را حالت نمی کنم و سری را که در راه صاحب الزمان داده ام حاضر به قبول و باز پس گرفتن آن نیستم . تو به وصیت پدر اعتنا ننمودی و جانت را در راه حق نثار نکردی . آقا میر ابوطالب از پشت درب به گفتگو با مادر پرداخته و جریان کامل قلعه شیخ طبرسی و شهادت برادران خود و دیگر اصحاب واقعه نیرنگ دولتیان و مهر نمودن قرآن کریم توسط شاهزاده مهدیقلی میرزا و نقض وعده اش با وجود مهر نمودن قرآن کریم علت نجات خود را بازگو می نماید .

مادر که به صدق گفتار آقا میر ابوطالب اطمینان داشته درب منزل را برویش باز نموده و به رمز گفتار جناب قدوس که در نامه فرموده بودند ما ارثیه جناب آخوند میرمحمدعلی را با شما بطور مساوی تقسیم میکنیم پی میبرد . لذا دو پسر جناب آخوند بنامهای آقامیرابوطالب که در واقعه قلعه شیخ طبرسی شرکت نموده ولی معجزه آسا نجات یافته و دیگری آقا سید محمد رضا که در واقعه قلعه شرکت ننموده و بنا به فرموده جناب قدوس از بقیة السیف قلعه محسوب کردیدند باقی ماندند و در نشر نفحات الله و تبلیغ دین الله و ترویج شریعت الله سعی بلیغ مبذول داشتند .

آقا سید محمد رضا در زمان حیات خود در تبلیغ و ترویج چنان ساعی و کوشای و پر تحرک بود که آنی فراغت را جایز نمی شمرد ، مرتب به اسفار تبلیغی به

وصیت شوهرم آخوند میرمحمد علی ، فرزندان ذکورش در رکاب قائم شمشیر زنان باید شهید شوند ، من ۴ فرزند ذکور دارم که سه نفر را جهت اجراء وصیت شوهرم به یاری شما میفرستم و فرزند ذکور کوچکترم را جهت نان آور خانه و کمل و یاری ایام پیریم نزد خود نگه میدارم . جناب قدوس در جواب نامه همسر آخوند میرمحمد علی مرقوم میفرمایند که الحمد لله موفق به اجراء وصیت جناب آخوند گردیدید ولی این ارثیه را ما با شما بطور مساوی تقسیم میکنیم . این جمله برای همسر آخوند نا مفهوم بود ولی مطمئن بود که حقیقت این مطلب بعداً روشن خواهد شد .

در جریان واقعه قلعه شیخ طبرسی اصحاب قلعه چنان رشادت و شهامتی نشان دادند که دشمنان و خود مهدیقلی میرزا متعجب و حیران گشتند . بنا بشهادت تاریخ جمع کثیری از اصحاب من جمله دو فرزند آخوند میر محمد علی بنامهای آقا سید احمد ، آقا میرابوالقاسم بمقام شهادت نائل گشتند . فرزند سوم آقا میر ابوطالب به همراه جناب قدوس از قلعه شیخ طبرسی خارج و در دهکده دنیروا در خیمه ای که جهت استراحت و اقامت جناب قدوس به دستور شاهزاده مهدیقلی میرزا بریا نموده بودند مشارالیه در خیمه دیگر به استراحت پرداخته بعد از خدوع و خیانت مهدیقلی میرزا و نمایندگان دولت که پیمان خود را شکسته و اصحاب قلعه را به شهادت رساندند ، آقا میرابوالطالب به وساطت یکی از علماء که مورد اعتماد و مشاور مهدیقلی میرزا بود رهائی یافت و از نفرات بقیة السیف محسوب گشت . لذا به محل سکونت خود به شهمیرزاد مراجعت نمود ، شب هنگام

فرزندان آخوند میرمحمد علی عبارتند از :

۱ - شهید فی سبیل الله آقا سید احمد که فامیلهای طانی ، سبحانی ، میثاقی ، هدایتی . از نواده های مشارالیه میباشند .

۲ - شهید فی سبیل الله آقا میرابوالقاسم که هیچگونه اطلاعی از نسل ایشان در دست نیست ، امیدوارم در آینده افرادی بتوانند تحقیق نموده و از نسل آن شهید بزرکوار اشخاصی را شناسانی نمایند .

۳ - از بقیة السیف آقا میر ابوطالب ، فامیلهای لهراسبی ، نور ، مستقیم ، مظلوم ، احمدزاده ، حکمت شعار . از اولاد و احفادشان میباشند .

۴ - از بقیة السیف آقا سید محمد رضا فامیلهای عدالتی ، رحمانیان ، ممتازی ، نور ، سنانی ، مظلوم ، سبحانی ، احمد زاده ، یاورم از اولاد و احفاد ایشانند .

۵ - معصومه خانم ، فامیلهای کثیری از اولادشان میباشند .

۶ - فاطمه نساء خانم فامیلهای طائف از اولادشان میباشند .

۷ - حلیمه خانم ، فامیلهای رحمانیان ، مهاجر ، وحدت ، عدل ، هدایتی ، جوادی ، وجودانی ، وحدت شعار ، بقانی از اولاد و احفادشان میباشند .

توضیح آنکه فامیلهای ذکر شده در بالا از احفاد اولیه آخوند میر محمد علی هستند که بعدا به شعبات بیشتری تقسیم شده اند که تفصیل آن در این شرح نمی گنجد. ضمنا عرض میشود که این نسل شاید بالغ بر هفت هزار نفر کردیده اند که در دنیا پراکنده و بخدمت امر مشغولند .

اطراف سنگسر و شهمیرزاد و مازندران میپرداخت و مورد الطاف و عنایات جمال قدم واقع گشته و به موهبت صدور از حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء مفتخر گردید .

آقا سید محمد رضا بعد از صعود جمال مبارک و در زمان اولیه جلوس حضرت عبدالبهاء بر اریکه میثاق نیر آفاق با کمال شهامت و ثبوت بر عهد و میثاق ایام حیات را در توجیه کتاب مبارک عهدی و تشویق احباء مصروف میداشت و با بیانات شیرین و فصیح خود اصول عهد و میثاق را بطور وضوح تشریح و اهمیت پیمان الهی را گوشزد یاران می نمود و همگان را به ثبوت و رسوخ تشویق و تحریض میفرمود . در واقع وجود این شخص جلیل سبب شد که اهالی سنگسر و شهمیرزاد و اطراف آن ها از طوفان نقض در امان مانده و در پیمان الهی و توجه به مرکز عهد ثابت و راسخ گشتند . از جناب آقا سید محمد رضا شرح وقایع روزانه ای باقی مانده که در محفظه آثار امری در ارض اقدس محفوظ است .

از آخوند میر محمد علی ۷ فرزند ۴ پسر و ۲ دختر بجا ماندند که حالیه جم غیری از احباء سنگسر و شهمیرزاد و مازندران از نسل این آخوند جلیل القدر هستند . حضرت عبدالبهاء به یکی از نوه های آخوند میرمحمد علی (بنام فاطمه) مادر ناشر نفحات الله آقا میرزا حاجی آقا رحمانیان سنگسری فرموده اند (حال پسر عزیزت دهقان رحمانی شده و در اراضی مقدسه تخم پاکی میافشاند ،

دانه چون اندر زمین پنهان شود سر آن سر سبزی بستان شود

اوضاع ایران در قرن ۱۹ میلادی :

در اوایل دوران سلطنت قاجاریه یعنی سال های ۱۷۷۵ تا ۱۷۹۵ میلادی اوضاع ایران بسیار مغشوش بود . جهل و نادانی عمومی ناشی از بیسواندی و فقر عمومی گریبانگیر اکثر اهالی شهرها و قراء و قصبات ایران گردیده بود . باعث و بانی این نادانی ، موهومات و تعصباتی بود که در رأس آنان گروهی به نام دین بر مردم تحمیل میکردند . این گروه به کمک گروهی دیگر به نام کدخدا ، امیر ، شاهزاده و سلطان های مستبد سلسله قاجاریه بر ایران حکومت می کردند .

پس از فوت کریم خان زند در شیراز هرج و مرج عمومی جایگزین قانون و آرامش اجتماعی گشت . ایلات بختیاری و قشقانی در مرکز ایران - ایلات کرد و لر در غرب و جنوب غربی ایران . ایلات ترکمن و قاجار و گیلک در شمال ایران ، ایلات بلوج و افغان و تاجیک در شرق ایران سر به شورش جهت چپاول شهرها و بدست آوردن قدرت و سلطنت برداشتند . ملوک الطوایفی و بی نظمی ، قتل و غارت ، فقر و قحطی و امراض کوناگون جایگزین امن و امان و سلامتی و خوشی گردیده بود . ایلات گرجستان ، ارمنستان و قفقاز گاهی در تحت حکومت های محلی خود تابع ایران در جنوب و گاهی در تحت تصرف روسیه تزاری در شمال و گاهی مورد هجوم و ستم ترکیه عثمانی در مغرب بودند .

پادشاهان صفوی بارها به این ایلات لشگر کشی کرده

يا بهاء الابهی

منوچهر خان معتمدالله

وزیر با تدبیر محمد شاه قاجار

مقاله ذیل شرح حال زندگانی مرد مُدبر و مقتدری به نام منوچهر خان معتمدالدوله ملقب به تاج وزراء که حاکم با تدبیر ایالت اصفهان و توابع آن در نیمه اول قرن نوزدهم میلادی در ایران بود می باشد .

این شخص شخیص در حدود ۱۵۰ سال پیش در ایران خدمات پر ارزشی به دیانت مقدس حضرت باب و مردم کشور ایران نموده که اثراتش برای الی البد در تواریخ ثبت شده است .

منوچهر خان معتمدالدوله در اول ظهور حضرت نقطه اولی پس از تحقیق و قبول دیانت بابی با وجود داشتن مقام ، قدرت و ثروت بیکران مؤمن و حامی به حضرت اعلی شد و تا دقایق آخر از هیچگونه فدکاری در راه اعلاه امر حضرتش دریغ نکرد . تنها آرزویش این بود که صلح جهانی و زندگی بی دغدغه و توأم با آسایش و آرامش همکانی و خدادادی را جایگزین امراض روحانی و جسمانی بشر مایوس و مفلوک و مغوروگرداند و با اجرای تعالیم مقدسه حضرت اعلی ایران را از لوث جهالی که به نام دین ، قدرت مملکت را به عنایین مختلف برای مدت سه قرن در دست داشته و باعث بدبهختی و کمراهی و عقب ماندگی ایرانیانی که در قرون گذشته سرآمد تمدن جهان و پیشرفته ترین مردم دنیا بوده اند پاک کند ولی افسوس که عمرش کفاف نکرد و موفق نگشت .

زیرا یکی از اجداد او برادر ذکاوت و هوش سرشار و حافظه زیاد ، با زبان های مختلف آشنا بوده و صاحب مقام های بالا در گرجستان بوده است .

طولی نکشید که رفتار و فعالیت معقول منوچهر مورد توجه آغامحمد خان قاجار قرار گرفت و لقب « خان » را به او داد . در اکثر کارهای کشوری و لشکری ، منوچهر خان مورد مشورت مخصوص آغامحمد خان قرار گرفت . پس از کشته شدن آغا محمد خان در سال ۱۷۹۷ منوچهر خان مورد اعتماد فتحعلیشاه قاجار شد و در دربار فتحعلیشاه اداره امور دربار ایران را عهده دار شد . اداره آشپزخانه و سفره سلطنتی شاه و پسرانش و درباریان در کاخ گلستان به عهده منوچهر خان بود . در سال ۱۸۲۸ میلادی پس از وفات میرزا عبدالوهاب نشاط ملقب به معتمددالدوله ، فتحعلیشاه بخاطر خدمات زیاد ، لقب معتمددالدوله را به منوچهر خان داد و پس از مدتی او را وزیر دربار و تشریفات سلطنتی خود نمود . در این دربار رجال مهمی مقام وزارت داشتند . از جمله میرزا بزرگ نوری والد ماجد حضرت بهاء الله جل اسمه الاعلی و ذوالفقار خان سنگسری و دیگران بودند .

در دوران ۲۷ سال سلطنت فتحعلیشاه جهت تقویت و ثبات قاجاریه در ایران ، علما و روحانیون شیعه در نجف و کربلا و اصفهان و مشهد به طهران دعوت شدند . روحانیون شیعه در آن دوره مانند سید محمد طباطبائی بروجردی معروف به بحرالعلوم و جانشینانش شیخ جعفر بن خضر نجفی ، میرزای قمی ، شیخ محمد باقر قزوینی ، سید محمد باقر شفتی ، ملاعلی این جمشید نوری ، حاجی محمد ابراهیم کلباسی ،

و اکثرا با قتل عام پیران و سالخوردگان و به گروگان کرفتن هزاران نفر از جوانان ، زن و مرد و کودک ، آنان را از محل تولدشان به شهرهای ایران جهت برده خدمه و صیغه در منازل و حرم‌سرا حرکت داده بودند. اکثرا حاکمان این ایالات را با شکنجه های شدید از قبیل داغ کردن ، سوزاندن ، و در قفس های آهنی حبس کردن ، - به توب بستن جهت ارعاب ، اخذ مالیات های سنگین انجام می دادند .

در بهار سال ۱۷۹۴ میلادی آغا محمد خان قاجار که بتازگی به سلطنت ایران رسیده بود با شصت هزار سپاه حملاتی شدید به شهرهای تفلیس ، ایروان ، شیشه در قفقاز ، ارمنستان و گرجستان کرد . پس از شش ماه محاصره ، دستور خرابی شهر زیبای تفلیس را صادر کرد ، اکثر مردان و زنان سالخوردگان را قتل عام کرد و بیش از ده هزار از اهالی را به عنوان گروگان دستگیر کرده به طرف ایران حرکت داد . در میان این دستگیر شدگان دو برادر خردسال به نام های منوچهر و آبراهیم دیده می شدند . منوچهر با لیاقت و هوش و ذکاوت خدادادی توانست کمک های زیادی به دستگیر شدگان بیگناه در موقع حرکت از ارمنستان و قفقاز به طرف ایران و عبور از رودخانه ارس نماید . تا آن موقع منوچهر خان مسیحی بود تا آن که خانواده اش در گرجستان بدیانت اسلام گرویدند و او هم به ظاهر مسلمان شد ولی قلبها هنوز مسیحی بود . منوچهر خان اهل گرجستان و متولد در خاندان یکی از شاهزادگان مسیحی آنجا بود . این خانواده به نام ان گلبو که به زبان گرجی به معنای صندوقچه لغت ها و زبان ها می باشد معروف بودند

شاه عباس دوم ، شاه صفی ، فتحعلیشاه ، محمد شاه و ناصرالدین شاه موجود است .

در دوران سلطنت فتحعلیشاه که از سال ۱۷۹۸ تا ۱۸۲۴ میلادی بود بر اثر تحریک و تشویق مغرضانه روحانیون قشری به نام جهاد دینی ایران دچار دو جنگ با همسایه شمالی و قدرتمند خود یعنی روسیه تزاری گردید . در جنگ اول (۱۸۰۴ - ۱۸۱۲) و بعد در جنگ دوم (۱۸۲۶ - ۱۸۲۸) ایران در اثر شکست در جنگ های فوق ، ایالات قفقاز ، گرجستان ، ارمنستان و قسمت مهمی از دریای خزر را از دست داد . علاوه بر این ایران مجبور شد که میلیون ها سکه طلا (اشرفی) به عنوان غرامت جنگ به دولت روسیه تزاری پرداخت نماید . نقاشی هایی که از آن دوران مانده نشانگر صحنه هاییست که در سالن بزرگ ترازویی از سقف سالن آویزان شده ، در یک طرف میز نمایندگان دولت ایران و در طرف دیگر نمایندگان دولت روسیه مشغول تحويل و تحول سکه ها هستند . به علت اعتقاد زیاد فتحعلیشاه به قائم مقام فراهانی و به منوچهر خان معتمددالدوله آن ها نمایندگان دولت ایران بودند . میرزا ابوالحسن خان ایلچی کبیر به عنوان وزیر امور خارجه در این جلسات شرکت داشت . همکاری نزدیک سیاسیون با روحانیون قشری سبب فقر عقب افتادگی از سیر تمدن و صنایع جدید و خرابی اوضاع و احوال ایران و ایرانیان گردید . این عقب افتادگی در قرن نوزدهم میلادی در ایران باعث شد که نسلهای بعدی محرومیت زیادی را از قبیل نداشتن زندگانی آرام و مُرفه - سلامت بدن - سلامت روحی متحمل گردد . به یادم هست که در سالهای ۱۹۴۴ تا

سید سحمد باقر رشتی ، شیخ احمد بن زین العابدین احسانی و سید کاظم بن قاسم رشتی بودند . رابطه خوب فتحعلیشاه و دربار ایران با اکثر علمای شیعه باعث آن شد که توده مردم ایران نسبت به دربار قاجاریه خوشبین شده و مورد قبول آن ها واقع گردد . البته چنان که قبل اعرض شد این اتحاد سیاست و دین باعث عقب افتادگی و بدختی ایران و ایرانیان گردید .

پایتخت ایران در دوران صفویه شهر اصفهان بود . در سال ۱۷۹۵ این پایتخت به نزدیکی شهر ری قدیم به طهران منتقل شد . پادشاهان صفوی قدرت خود را براساس رابطه نزدیک با مذهب شیعه اثنی عشری قرار داده بودند و در شهرهای اصفهان ، مشهد ، کربلا و نجف بقاع متبرکه حضرت علی و حضرات امام حسین و امام حسن و امام رضا علیهم السلام را با کنبدهای بسیار زیبا و دربها و پنجره های مطلأ - کاشی کاری های بی نظیر ، قالی های سنتی و قدیمی ایران و کتابخانه های مملو از کتاب های نادر گرانبهای مزین کرده بودند . در شهرهای شیراز ، اصفهان ، مشهد ، تبریز ، زنجان ، یزد و کرمان مساجد و مدارس دینی و امامزاده های بسیار سنتی مزین به کاشی کاری های معروف آن دوران جهت زیارت - تدریس و دعای مردم ساختند . در دوران فتحعلیشاه علاوه بر شهرهای فوق به شهر قم و مشهد توجه بیشتری از سایر شهرها شد . فتحعلیشاه اغلب به شهر قم آمده و در کوچه هایش با پای پیاد جهت احترام به حضرت معصومه عبور می کرد . در این شهر علاوه بر مقبره حضرت معصومه ، مقابر دیگری از پادشاهان مانند

خود پس گرفته و به آنها باز گرداند . در سفرنامه هایی که از اروپاییان فرانسوی و انگلیسی بجای مانده بارها از عدالت و مهربانی و مهمان نوازی منوچهر خان معتمددالدole در طهران و اصفهان داستان ها و حکایت ها نوشته شده و از این که ایشان ایرانیان و اروپاییان مسافر را از بدرفتاری و بی رحمی شروران و قطاع الطريقان و ظالمان محافظت می کرده تعریف ها و تمجید ها کرده اند .

فتحعلیشاه در سعادت آباد نزدیک شهر اصفهان در ۱۲۵۰ هـ (۱۸۳۴) پس از بیماری کوتاه بر طبق پیش گونی حضرت نقطه اولی فوت کرد . پسران فتحعلیشاه ، حسینعلی میرزا فرمانفرما و حسنعلی میرزا شجاع السلطنه در فارس ادعای جانشینی و سلطنت ایران را نمودند و حتی می خواستند ایران را به دو قسمت شمالی و جنوبی جهت تأسیس دو سلطنت قسمت نمایند . فتحعلیشاه به علت کوشش ها و شهامت های پسر ارشدش عباس میرزا در جنگ های ایران و روس ، و ایران و افغانستان سلطنت ایران را به محمد میرزا فرزند عباس میرزا که کمتر از بیست سال داشت واکذار کرده بود . چون محمد میرزا جهت جلوس بر تخت سلطنت می بایستی به طهران برود و خزانه دولت خالی بود ، منوچهر خان در خرم دره زنجان به اردبیل شاه ملحق شد و مبلغ چهل هزار تومان سکه اشرفی با اسبی به نام خجسته تقدیم پادشاه جدید نمود . منوچهر خان در همان سال بنا به پیشنهاد میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی صدراعظم محمد شاه همراه فیروز میرزا به فارس لشکر کشید . عموهای متعدد محمد میرزا و لیعهد مانند شجاع السلطنه و حسینعلی

۱۹۵۶ فقر و بدیختی و اقسام امراض دسته جمعی مانند کچلی و وبا در ایران گریبانگیر اکثر اهالی بود . در شهر طهران آب لوله کشی وجود نداشت . بیکاری - قتل و جنایت و نا آرامی سراسر ایران را در چنگال نابودی خود داشت .

در زمان سلطنت فتحعلیشاه حکومت اکثر ایالات و شهرهای ایران را بین پسران و نزدیکان فتحعلیشاه و قاجاریه قسمت کرده بودند . در اواخر سلطنت در ایالات مرکزی اصفهان و بروجرد و یزد و کرمان بی نظمی - چپاول و حملات ایلات مختلف به وقوع پیوسته بود . فتحعلیشاه جهت سرکوبی یاغیان و آرامش در شهرها به اصفهان مسافت کرد و با فرستادن منوچهر خان معتمددالدole به شیراز و بروجرد و کرمانشاه به عنوان فرمانده لشکر توانست ایالات یاغی را تنبیه و ایالات جنوبی و غربی ایران را آرامش بخشد .

منوچهر خان به علت خدمات زیاد و هوش و ذکاوت خدادادی و اخلاق و رفتار نیک در میان ایرانیان و دربار فتحعلیشاه به مقامات خیلی بالای کشوری ارتقاء یافت . او در ابتدا به سمت رئیس داخلی دربار و بعد به سمت رئیس تشریفات در دربار ایران مشغول فعالیت بود و در همه جا با عدالت و رفتار خوب نسبت به همنوعان مشهور عام و خاص گردید .

از نقاشی هایی که از منوچهرخان معتمددالدole در طهران و اصفهان بجای مانده به خوبی معلوم می گردد که او از آرامش درونی و سلامت روحی سرشاری برخوردار بوده است و با تدبیر خدادادی توانسته است حقوق مظلومان و بیگناهان را از دست زورگویان و خوانین و کدخدايان و حکام ظالم و علمای قشری زمان

میرزا ابوالقاسم فراهانی (قائم مقام) علاوه بر کفایت و تدبیر در مسائل اداری و تشکیلاتی و سیاسی ، در حسن خط و رسانی انشاء و احاطه بر فنون ادب و رموز نویسنده‌گی چه در نظم و چه در شعر یکی از نوابغ تاریخ دویست ساله اخیر ایران بشمار می‌آید . قائم مقام فراهانی پس از پنج ماه صدارت بر اثر ساعیت و حسادت درباریانی چون آصف الدوله و حاج میرزا آغاسی (ملا عباس ایروانی) که صدر اعظم محمد شاه شده بود و به عنوان مُرشد و محرم محمد شاه دسیسه ها و بدیختی‌ها برای همه بزرگان و خادمان واقعی ایران درست کرده بود در کاخ نگارستان طهران ابتدا برای ۶ روز زندانی شد و در آن جا او را به قتل رسانیدند . با کشته شدن قائم مقام لطمه بزرگی به جامعه ایران و کشور عزیز وارد آمد .

حضرت بهاء الله جل اسمه الاعلى در کلمات فردوسیه می‌فرمایند قوله تعالى ”... از حضرت محمد شاه مع علو مقام دو امر منکر ظاهر ، اول نفی سلطان فضل و عطا حضرت نقطه اولی و ثانی قتل سید مدینه تدبیر و انشاء ... ”

میرزا آغاسی که خود یکی از مرشدان فرقه نعمت اللهی بود محمد شاه را به این فرقه کشاند . اکثر علمای شیعه در اصفهان و قم و مشهد از اینکار بسیار ناراضی شدند زیرا توجهی به آنان نمی‌شد . میرزا آغاسی و محمد شاه مقابر صوفیان را در تربت جام - کرمان - بسطام و سایر نقاط ایران بازسازی کرده و با مخارج زیاد رونق دادند .

میرزا آغاسی که پس از عزل قائم مقام فراهانی به مقام صدارت عظمی منصوب شده بود با دسیسه باعث

میرزا فرمانفرما ، با سلطنت او مخالف بودند ولی بر اثر تدبیر و پشتکار قائم مقام فراهانی - میرزا بزرگ نوری و منوچهر خان معتمددالدوله توانستند محمد میرزا را از تبریز به فوریت به طهران آورده و او را به سلطنت ایران برسانند . منوچهر خان همراه فیروز میرزا پسر عباس میرزا و افسری انگلیسی به نام لیندی سپاه فرمانفرما را که بدعوی سلطنت برخاسته بود در هم شکست و اندکی بعد شهر شیراز را گرفت و فرمانفرما و شجاع السلطنه را دستگیر کرده به طهران فرستاد . منوچهر خان در اسب سواری ، تیراندازی ، شمشیر زنی و لشگر کشی مهارت زیادی در این زد و خوردگاهی داخلی از خود نشان داد . اکثرا در بازی های شترنج و تخته نرد در میان درباریان برنده بود . منوچهر خان در دربار فتحعلیشاه ملقب به معتمددالدوله گردید و به مقامات مهمی چون ایچ آقاسی باشی (خواجه باشی) و ایشیک آقاسی (رئیس تشریفات) دربار شد . در سال ۱۸۲۶ میلادی منوچهرخان بجای بهرام میرزا به حکومت خوزستان و لرستان و کرمانشاه رسید و توانست به سرکشی‌های اشرار و یاغیان تبه کار خاتمه داده و آرامشی که باعث رونق تجارت در آن صفحات می‌بود در آنجا ایجاد کند . سپس به عنوان وزارت همراه شاهزاده یحیی میرزا به گیلان و بعد به همین عنوان با سلطان محمد میرزا سیف الدوله به اصفهان رفت . در سال ۱۸۴۱ میلادی محمد شاه به پاس خدمات او حکومت ایالت اصفهان و خوزستان و توابع را به منوچهر خان معتمددالدوله واگذار کرد ، حکومت بروجرد و لرستان را به میرزا بزرگ نوری داد و قائم مقام فراهانی را به مقام صدراعظم ایران برگزید .

اهالی و تجار و کسبه اصفهان و توابع در دوران حکومت منوچهر خان در آسایش و آرامش خوب و خالی از خطرات و حملات ایلات بختیاری و قشقائی و کرد و لر مشغول کار و تجارت بودند . اکثر راه های تجاری و کاروان های کوچک و بزرگ در راه های بین خلیج فارس - شیراز - اصفهان - کاشان - طهران و کرمانشاه و عتبات بسیار امن و بدون راهنمایی در رفت و آمد بودند .

(Ojon Flanden) دانشمند و جهانگرد فرانسوی اوژن فلاندن که در زمان محمد شاه قاجار بین سالهای ۱۸۴۱ تا ۱۸۴۵ میلادی به ایران آمده ، خاطرات خود را از اصفهان و مهمان نوازی و عدالت منوچهر خان ضمن حکایت ها بیان داشته و از او و رفتار و کردارش به نیکی یاد می کند .

در اواخر سال ۱۸۴۲ میلادی ، حسین خان ایروانی ملقب به آجودان باشی (و بعداً به نظام الدوله) با کمک حاجی میرزا آغا سی صدراعظم وقت به حکومت شیراز رسید . این حاکم ظالم و از خدا بی خبر که اکثرا تحت تأثیر مشروبات الکلی و اطرافیان متعصب قشری بود حضرت اعلی را پس از ورود به بوشهر از سفر حج مورد اذیت و آزار فراوان قرار داد . مؤمنین اویله امر، جناب قدوس و ملا صادق مقدس خراسانی مورد ضرب و شتم و سوار کردن بر عکس روی الاغ و کرداندن آنها در کوچه و بازار شیراز جهت ارعاب مردم و دور نگاهداشتن آنها از امر مبارک حضرت اعلی و حتی دستگیری حضرت رب اعلی و خال اعظم ، از هیچکونه ظلم و جوری کوتاهی نکرد . جسارت را به حمله شبانه به بیت مبارک شیراز و منزل خال اعظم و

برکناری میرزا بزرگ نوری از حکومت بروجرد و لرستان گردید . نامه ای به خط محمد شاه موجود است که در آن از خدمات و زحمات میرزا بزرگ نوری در موقعی که حاکم بروجرد و لرستان بوده اند قدردانی و تشکر کرده است .

خوشبختانه میرزا آغا سی توانست به هیچ حیله و دسیسه ای صدمه ای به منوچهر خان وارد آورد . علت آن اعتقاد شدید محمد شاه و بزرگان قاجاریه به وی و دوری او از پایتخت و زیرکی و باهوشی منوچهر خان بود که دست میرزا آغا سی را از صدمه به او کوتاه کرده ولی میرزا آغا سی به دشمنی با منوچهر خان تا آخر حیاتش ادامه داد .

در دوران حکومت منوچهر خان ، شهر اصفهان و توابع آن به علت آرامشی که ایجاد شده بود بسیار آباد گردید . مسافران زیادی از اروپا و سایر نقاط برای دیدن اصفهان ، شهر نصف جهان به آنجا آمدند . اکثر بنایها و مقبره ها و مساجد زیبای دوران صفوی در آنجا تعمیر بنا شد .

ثروت شخصی منوچهر خان بسیار زیاد بود . چنانکه ثروت او در سال ۱۸۴۰ میلادی به بیش از ۴۲ میلیون فرانک فرانسه تخمین زده اند . اکثرا دربار محمد شاه به علت کم پولی از صندوق منوچهر خان وام جهت مخارج دربار می گرفت .

منوچهر خان اقلیت های مذهبی را محترم شمرده و به همه افراد از ملیت ها و طبقات مختلف و مسافران شرقی و غربی نهایت مهربانی و کمک و مهمان نوازی معمول و از حقوق حقه آنان دفاع نموده ، یاغیان و دزدان و ظلمان را نهایت سیاست و مجازات می نمود .

و پس از بازگویی ایشان را که مريض و در رختخواب بودند به دارالحکومه برده و مورد مواخذه و ضرب قرار دادند . در همان هنگام نامه ای با چاپار مخصوص از منوچهر خان معتمددالدله خطاب به حسین خان حاکم شیراز رسید که او را از ادامه اذیت و آزار خانواده های افنان و حضرت رب اعلی بر حذر داشت . حسین خان پس از خواندن آن نامه و گرفتن مبلغ هزار و پانصد تومان جریمه از جناب حاج ابوالقاسم افنان ایشان را آزاد کرد . نامبرده به نحو شدیدی بیمار بود بطوری که پس از آزادی ایشان را بر دوش حمال به منزلشان عودت دادند .

حسین خان اهالی شیراز را با تهدید عمومی حبس و ضبط اموالشان منع از داشتن حتی یک صفحه از آثار والاح مبارک حضرت اعلی کرد ، بدین جهت بسیاری از آثار والاح مقدسه به قلم اصل در اثر شستشو و یا سوزاندن از بین رفت .

حضرت اعلی در بین راه توقيعی به خط مبارک و بسیار زیبا به نام منوچهر خان معتمددالدله مرقوم فرمودند و شرح مسافرت خویش را در آن مندرج داشتند و از معتمددالدله منزل مناسبی برای ورود خویش تقاضا فرمودند . البته قبل از این وقایع در سال ۱۸۴۴ ميلادي پس از اظهار امر به جناب ملاحسين بشرويه دستور فرمودند که به طهران عزيمت کند . جناب ملاحسين در اصفهان مدتی مشغول تبلیغ امر حضرت رب اعلی بود . علمای قشری اصفهان شکایت کرده و مشغول دسیسه و بلوا بر علیه ایشان بودند . این شکایت را نزد منوچهر خان معتمددالدله که حاکم اصفهان بود برداشتند . منوچهر خان که مردمی فهیم و

دستگیری حضرت اعلی و جناب خال و سید کاظم زنجانی رساند . حسین خان می خواست دستور محramانه حاجی میرزا آغا سی را مبنی بر قتل حضرت رب اعلی در شیراز به اجراء گذارد ولی همان روز که حضرت اعلی را از منزل داروغه شیراز ، عبدالحمید خان به دارالحکومه نزد حسین خان می بردند در شهر شیراز مرض وبا به طور ناکهانی و بسیار شدید شایع و مردم را به وحشت دچار نمود . بطوری که حسین خان حاکم از شهر فرار کرده و نیز عده زیادی با جنازه های وبازده در شهر با صدای الله اکبر در حرکت بودند . . . عبدالحمید خان با عجله حضرت اعلی را با خود به منزلش برد ، در آنجا دید که پرسش در حال موت است ، از حضور مبارک تقاضای شفا جهت پرسش نمود ، حضرت اعلی با آب وضوی خود پرسش را شفا بخشیدند . عبدالحمید خان به پاس این خدمت از حاکم شیراز تقاضای وساطت حضرت اعلی را نمود . حسین خان حاکم نیز مشروط بر اینکه حضرتشان فورا از ایالت فارس بخصوص شیراز دور شوند با این تقاضا موافقت کرد . حضرت رب اعلی به همراهی سید کاظم زنجانی (یکی از پیروان بابی و تاجر معروف زنجان) بدون وقه و وداع از فامیلان مخصوصا از والده و حرم مبارک سرکار خدیجه سلطان بیکم ، به عزم اصفهان شهر شیراز را از دروازه الله اکبر ترک فرمودند .

حسین خان و مأمورانش جناب خال اعظم را بدارالحکومه شیراز جهت بازگویی جلب نموده و منزل ایشان را مورد حمله قرار دادند . مأموران به منزل حاجی میرزا ابوالقاسم افنان (برادر حرم مبارک) رفته

نقل از صفحه ۱۴

- ۷۹ - مجموعه اشرافات ۱۷۱ و ۱۶۷
- ۸۰ - مجموعه اشرافات ۷۱ - ۷۰
- ۸۱ - مجموعه اشرافات ۱۲۵ - ۱۲۶
- ۸۲ - مجموعه الواح نسخه خطی جناب لاهیجی ۹۲
- ۸۳ - برای نمونه: مجموعه الواح نسخی خطی جناب لاهیجی ۹۲
- ۸۴ - آثار قلم اعلیٰ ج ۴ / ۲۱۸
- ۸۵ - مجموعه الواح نسخه خطی جناب لاهیجی ۱۰۲ - ۱۰۱
- ۸۶ - مجموعه اشرافات ۱۵۰
- ۸۷ - آثار قلم اعلیٰ ج ۵ - ۱۷
- ۸۸ - کتاب مبین ۱۰۵
- ۸۹ - مجموعه اشرافات ۷۱ - ۷۰
- ۹۰ - مجموعه الواح مبارکه چاپ مصر ۲۶۲
- ۹۱ - مجموعه الواح مبارکه چاپ مصر ۲۶۲
- ۹۲ - مجموعه اقتدارات ۱۲۶۷
- ۹۳ - لوح شیخ نجفی ۹۰
- ۹۴ - همانجا
- ۹۵ - مجموعه اشرافات ۱۲۷
- ۹۶ - آثار قلم اعلیٰ ج ۶ - ۷۹
- ۹۷ - آثار قلم اعلیٰ ج ۵ / ۱۹۷ - ۱۹۶
- ۹۸ - مجموعه اشرافات ۷۱ - ۷۰
- ۹۹ - آثار قلم اعلیٰ ج ۷ / ۲۰۱
- ۱۰۰ - آثار قلم اعلیٰ ج ۱۱۸/۶
- ۱۰۱ - آثار قلم اعلیٰ ج ۵ / ۱۷
- ۱۰۲ - آثار قلم اعلیٰ ج ۴ / ۱۸۸
- ۱۰۳ - مجموعه اقتدارات ۱۵۲ - ۱۵۱
- ۱۰۴ - مجموعه اشرافات ۲۷
- ۱۰۵ - آثار قلم اعلیٰ ج ۴ / ۱۸۸
- ۱۰۶ - آثار قلم اعلیٰ ج ۷ / ۱۶۵ - ۱۶۴
- ۱۰۷ - مجموعه الواح مبارکه چاپ مصر ۲۰۵
- ۱۰۸ - کتاب مبین ۲۷۲
- ۱۰۹ - کتاب مبین ۲۷۲
- ۱۱۰ - کتاب مبین ۲۶۴
- ۱۱۱ - کتاب مبین ۲۹۲
- ۱۱۲ - کتاب مبین ۴۰۶
- ۱۱۳ - آثار قلم اعلیٰ ج ۵ / ۱۲۷ و ...
- ۱۱۴ - مجموعه الواح مبارکه چاپ مصر ۱۴۸
- ۱۱۵ - مجموعه اشرافات ۱۲۶ - ۱۲۵
- ۱۱۶ - مجموعه الواح مبارکه چاپ مصر ۲۶۳
- ۱۱۷ - آثار قلم اعلیٰ ج ۷ / ۲۲
- ۱۱۸ - مجموعه اشرافات ۷۱

توضیح: کتاب مستطاب اقدس، ضمیمه مجموعه الواح مبارکه
چاپ ۱۲۰۸ هند می باشد.

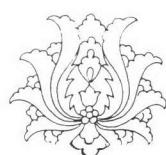
حامی ضعفا و اهل حقیقت بود و از طبقه قشیریون بیزار بود به شکایت آنها اعتنای نکرده و آنها را نصیحت کرد که از فتنه و فساد دست بردارند.

بنابراین منوچهر خان از دیانت حضرت باب آکاهی داشت. جناب حاج سید کاظم زنجانی توقیع مبارک را به منوچهر خان رساند. در همان روز منوچهر خان با امام جمعه میر سید محمد سلطان العلماء (۱) ملاقات کرده شرح واقعه را بیان نمود و با مشورت ایشان قرار شد که حضرت رب اعلیٰ در منزل امام جمعه اصفهان وارد کردند. علاوه بر این امام جمعه به میر محمد حسین (۲) برادرش سفارش کرد که با گروهی از اهالی جهت ادائی احترام و خوش آمد به استقبال ورود حضرت رب اعلیٰ تا بیرون دروازه شهر رفته و ایشان را به منزل امام جمعه بیاورند. همین که طلعت مبارک حضرت اعلیٰ به نزدیکی منزل امام جمعه رسیدند خود امام جمعه از منزل بیرون آمده وطبق رسوم آن زمان جهت مهمانان محترم، حضرت اعلیٰ را با آغوش باز به منزلشان هدایت کرد.

بقیه در شماره بعد

(۱) امام جمعه اصفهان در آن زمان که بالاترین مقام روحانیت اسلامی در ایران بود.

(۲) میرمحمد حسین که بعد از برادرش میرسید محمد امام جمعه اصفهان شد، در ایام جمال مبارک سبب مظالم زیاد بر احبابی اصفهان و علت شهادت برخی از آنها کشت و از قلم حضرت پیاء الله به «رقشاء» (افعی ملقب کشت).



تضمیر حافظ

ابوالقاسم افنان

سرور عزیزم کتاب نظم جهانی بهائی را بعنوان ارمغان برایم فرستادند و برای عرض تشكّر عرض کردم :

پیک فرخنده پیام تو در آمد ز درم
مزده ام داد و کتابی ز تو آورد برم
لطف‌ها میکنی ای خاک درت تاج سرم

خوش بود عید و تماشای بهار و لب جو
ای نسیم سحری از برمن گوی به او
که من این ظن بر قیبان تو هرگز نبرم

بنده عاکف درگاه کن ای طایر قدس
فارغ از شبده اشباء کن ای طایر قدس
که دراز است ره منزل و من نو سفرم

یاد کردی ز من خسته دل زار توان
شکر احسان که رساند بتوای مونس جان
که فراموش مکن وقت دعای سحربان

زغم هجر توان نیست بدل صبر و قرار
عاجز از محنت ایام و غم یار و دیار
کزسر کوی تو پرسند رفیقان خبرم

ای خوش آن صبح که طالع شودم اختروصل
وصف الطاف تو خوانم همه از دفتر وصل
دیده دریا کنم از اشک و دراو غوطه خورم

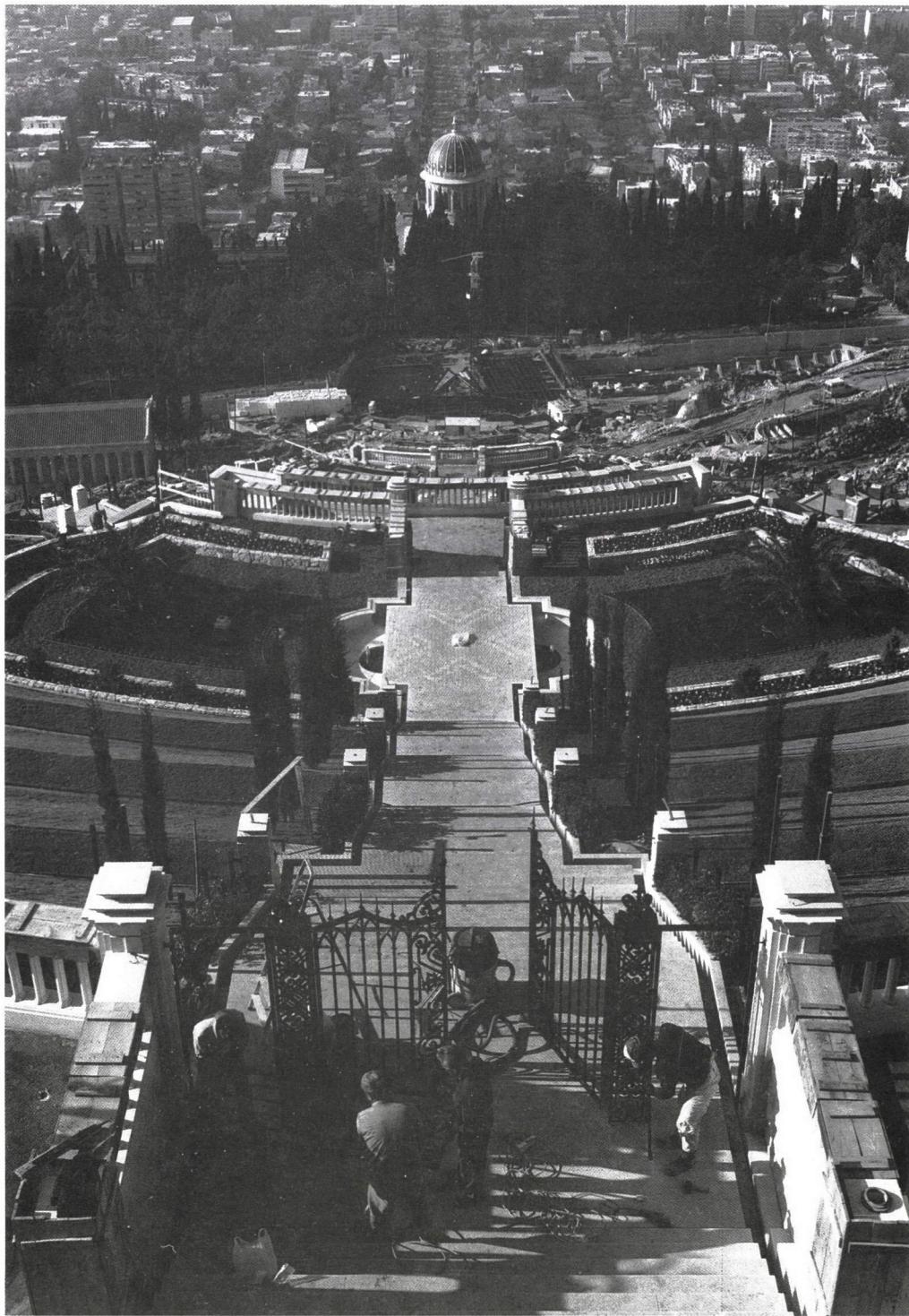


پیشرفتهای قوس کوه کرمل فوریه ۱۹۹۸



فرستنده دایره پژوهه کوه کرمل

عکاس روحی ورقا



۶۲ مجله عنده‌لیب نقل شده کواهی کافی و شاهدی برترین است و ما در این نوشتہ به تجلیل و نقد کتاب می‌پردازیم ، با این انتظار و امید که نقد ادبی برای اینگونه آثار(که انشاء الله نمونه های بیشتری از آنها را ببینیم) در مطبوعات ما هم متدالوگردد و در نتیجه‌ی برخورد عقاید و آراء هر کونه کمبودی درین موارد مرتفع شده باانچه کمال مطلوب است نائل گردیم. نخستین اثر جناب روحانی که سالها پیش با مقدمه و تقریط ایادی فقید امراه‌له زنده یاد " فیضی " عزیز در ایران انتشار یافت عنوان آنرا " خورشید در سیاهچال " برگزیده بودند . البته در مقدمه دفتر شعر شاعر دیگران جناب " محمد عبدی " هم آمده است که ایشان هم دفتر شعری بهمین عنوان منتشر نموده‌اند ولی تابحال این مسئله برای نویسنده این سطور روش نشده که آیا اشتباهی در نگارش شرح حال و فعالیت های جناب عبدی رخ داده یا اینکه دفتر شعر با عنوان مذبور ایشان هم منتشر شده ولی بدست این نویسنده نرسیده است .^۱

به حال برای ورود در بحث تحلیلی مربوط به اثر جدید دوست عزیزمان جناب روحانی پس از این چند سطری که نوشتہ آمد ، احتیاج به نوشتمن دو مقدمه است و پس از آن یک متن که مقدمه‌ها را با تعریف شعر و سیر تحول شعر فارسی تا پیدایش نوع تازه شعر یعنی شعر باصطلاح " نو " و نوع مقبول آن یعنی شurmوزون منتهی با قایقه های کوتاه و بلند ، و ذکر شعرای بهانی که درین وزن و قایقه شعر

طائز قدسی که در پرواز همتائی نداشت

سراینده مجموعه‌ای اشعار طایر قدسی آقای هوشنگ روحانی نامه ای بتأثیر ۹۷/۹/۱۱ به مجله عنده‌لیب نوشتہ و متذکر شده اند که از قرار مسموع یکی از دوستان این دیار طبق اظهار خودش نقدی بر طائز قدسی نوشته " البته این عبد نه آن نقد را دیده و نه خوانده و نه اضافه بر آنچه عرض شد راجع بآن چیزی شنیده ام " لذا بنظر رسید که چند کلمه در باره نقد بنویسیم ، حال بلحاظ آنکه اظهار نظر آقای روحانی قبل از مطالعه نقد مذبور بوده لذا نقد واصله ذیلاً چاپ میشود تا ایشان با مطالعه آن هرگاه مطلبی در باره نقد مذبور دارند و یا اظهار نظری را ضروری می‌دانند مرقوم و به دفتر مجله عنده‌لیب ارسال دارند تا با رعایت مصلحت پس از تصویب مبادرت به نشر آن گردد .

عنه‌لیب

نقدی بر کتاب شعر

طایر قدسی که در پرواز همتائی نداشت شاعر با ذوق و استعداد زمان ما جناب هوشنگ روحانی دفتر جدید شعرش را اخیراً انتشار داد ، اطلاعیه های مربوط باین دفتر شعر در نشریات امری درج شد و دوستان علاقمند لاید در تهیه آن اقدام نموده یا می‌نمایند .

در باب کیفیت کلی کتاب و مرغوبیت آن ، مرقومه دارالانشاء بیت العدل اعظم که قسمتی از آن در شماره

ایهام نیست ولی شعرست :
 من ز تا توانی بگفتار دم
 نگو کوی ، اگر دیر گوئی چه غم
 بیندیش و آنگه بر آور نفس
 وزان پیش بس کن که گویند "بس"
 بنطق آدمی بهتر است از دواب
 دواب از تو به ، گر نگوئی صواب
 و البته در مقابل آن دو صورت بالا ، مواردی است که
 وزن و قافیه در آن نیست ولی خیال انگیز و موهم است
 مانند شعر گلستان سعدی وغیره ، از نظر عامه مردم ،
 هر کلام موزون و مقفى و لو اینکه مستهجن باشد شعر
 است ولی درست تر اینست که مثال نوع اول را شعر
 بنامیم و مثال نوع دوم را "نظم" و بنابراین بسیاری
 از شاعرا در واقع "نظم" اند نه شاعر و ! ینجاست
 که مرحوم ملک الشعراي "بهار" می گوید "
 شعر دانی چیست؟ مرواریدی از دریای عقل
 هست شاعر آن کسی کاین طرفه مروارید سُفت
 صنعت سجع و قوافی هست نظم و نیست شعر
 ای بسا شاعر که شعرش نیست الا حرف مفت
 شعر آن باشد که خیزد از دل و جوشد ز لب
 باز بر دلها نشیند هر کجا گوشی شنفت
 ای بسا شاعر که اندر عمر خود نظمی نساخت
 وی بسا ناظم که اندر عمر خود شعری نگفت
 با اینهمه همه کلام های موزون و مقفى از نظر قدما ،
 شعر است و در انواع رایج شعر هم قصیده و غزل و
 رباعی و مثنوی و دو بیتی و مستزاد و مخمس و
 مسدس و غیره اند که با اوزان عروضی هم آهنگ اند و
 تفضیل آنرا در کتب مربوطه باید خواند و از حوصله

گفته اند آغاز می کنیم و پس از آن به تجزیه و تحلیل
 اشعار دفتر جدید جناب روحانی می پردازیم .

مقدمه اول :

در مورد تعریف شعر ، آنچه از برآورده آراء
 و نظریات شعر شناسان قدیم " و از جمله نظامی
 عروضی و شمس قیس رازی " بر میآید ، شعر را
 میتوان باعتبار صورت و معنی بدو درجه تعریف کرد :
 ۱ - شعر از لحاظ صورت ، کلامی است موزون و مقfa
 (وزن و قافیه دار)

۲ - شعر از لحاظ معنی ، کلامی است خیال انگیز و
 موهم که معانی بزرگ را خرد و معانی خرد را بزرگ
 کرداند . (بتعريف نظامی عروضی و کتاب چهار مقاله
 مقاله در ماهیت علم شعر)

تعريف اول ، همه اشعار فارسی را شامل است زیرا
 همه دارای وزن و قافیه اند ، اما تعريف دوم بر همه
 اشعار فارسی صادق نیست کاهی آنها خیال انگیز و
 موهم نیستند .

به دو مثال ذیل دقت کنیم ،
 از حافظ :

زلف آشفته و خوی کرده و خندان لب و مست
 پیرهن چاک و غزلخوان و صراحی در دست
 نرگیش عربده جوی و لبس افسوس کنان
 نیم شب دوش ببالین من آمد ، بنشتست
 سرفرا کوش من آورد و باواز حزین
 گفت، کای عاشق شوریده‌ی من ، خوابت هست؟
 که هم موزون و مقفى است و هم خیال انگیز و با
 ابهام ، یعنی شامل بر دو تعريف از شعر ،
 ۲ - و این قطعه از سعدی که چندان خیال انگیز و با

باید اضافه کنیم که پس از فرونشستن تب انقلاب مشروطیت که نو آوری هائی را هم در ادبیات نظم و تثر باعث شد دوباره شعرانی ظهر کردند که بسرودن شعر در قالب های معمول پیش از مشروطیت ، یعنی قصیده و غزل و رباعی و دو بیتی و قطعه و غیره پرداختند که همانطور که در سطور بالا مذکور افتاد قالب " غزل " مطبوع تر افتاده و غزلسرایان زده ای که نامشان ذکر شد آثار ارزشمند ای درین نوع بوجود آوردند .

بحث در سیر تحول آنچه باصطلاح ما " شعر نو " نامیده میشود نیز از حوصله این نوشته خارج است و ما با یادآوری نام " علی اسفندیاری " (که خود را با نام " نیما یوشیج " شناسانده است و پایه گذار شعر نو محسوب میشود و دیگر پیروان مکتب او نظری زنده یاد دکتر پرویز ناتل خانلری و نادر نادر پور ، هوشنگ ابهاج ، سیاوش کسرانی ، محمد زهری ، احمد شاملو ، مهدی اخوان ثالث ، سهراب سپهری ، فریدون مشیری (سایرین که ذکر نام همگی مقدور نیست) خوانندگان را به مطالعه کتب مربوط و از جمله کتاب " از صبا تا نیما " حواله میدهیم .

نتیجه حاصله از این مقدمه مختصر دریافت اطلاعاتی ابتدانی و محدود از تطویر شعر فارسی بود که از لحاظ وزن و قافیه با اوزان عروضی شروع شد و آخرین تحول آن رسیدن به مرحله شعر نو ، یعنی همان شعر سبک نیمانی است که بجای تساوی طول مصراعها آنرا تبدیل به مصراعهای کوتاه و بلند مینمایند ولی وزن شعر همچنان رعایت میشود .

از لحاظ موضوع شعر هم به تناسب زمانها ، مختلف و

این نوشته خارج است .

اما شعر فارسی از نظر محتوای مطلب و سبک سرایندگی مراحلی را پیموده و سبکهای مختلفی داشته تا بزمی مشروطیت رسیده است در این دوره تغییراتی در مضمون و محتوای شعر فارسی ، همراه با تحولاتی در اوزان و قوافی بوجود آمده که البته تحت تأثیر آثار ادبی ترجمه شده از زبانهای اروپایی بوده است و بیشتر حالت های انقلابی و دگرگون سازی داشته است که از جمله این مورد تغییراتی در قالب های شعر فارسی و ایجاد سبک نو و شعر نو بوده است که امروز آنرا بعنوان یک ضرورت زمانی کم و بیش همه پذیرا شده اند . از قالب های شعر قدیم ، غزل هنوز مقام و منزلتی بالا دارد . توجه به شعر نو گرای امروزی یعنی رعایت اوزان معمول در اشعار شاعران قدیم با کوتاه و بلند کردن طول مصraig ها ، با مضامین نو و تازه ، بهر صورت پس از سالها جداول میان شعرای " سنت کرا " و " نو پرداز " کم کم مورد قبول واقع شده است و شعرای دوران مشروطیت که با رعایت قالب های قدیمی ، مطالبی تازه در اشعار خود کنجدانه اند عبارتند از ادیب المالک فراهانی ، ایرج زیرا ، ملک الشعرای بهار ، عارف قزوینی ، فرخی یزدی ، عشقی و غیره .

از غزلسرایان معاصر باید از شعرانی مانند شهریار ، رهی معیری ، امیری فیروز کوهی ، عمام خراسانی ، علی اشتری ، هوشنگ ابهاج ، سیمین بهبهانی و غیره را یاد کرد که شرح حالشان را باید در کتب مربوطه خواند چون از حوصله این نوشته خارج است و اساساً موضوع جدگانه ای هم هست .

نعم و غیره را تعیین خواهند نمود . تا اینجا و تا
بامروز باز هم باید از این جهت از مرحوم پروفسور براون
مستشرق انگلیسی قدردانی نمود که در دو کتاب خود
نام و اثر چند تن از شعرای بهانی را آورده است (بهر
قصد و نیتی که بوده است) .

غالب شعرای بهانی اشعارشان را در همان وزن و قافیه های
متداول عروضی سروده اند و از نظر موضوع هم میتوان
بطور کلی کفت که مضامین عرفانی و عشق روحانی و
اظهار محیت و فنا و گاه استدلال و عرضه تعالیم
بهانی است .

توجه به شعر نو از طرف شعرای بهانی سابقه اش از
سی سال قبل باین طرف است که گذشته از قطعاتی
سرود مانند که در درس اخلاق های طهران و
شهرستانها بر حسب ذوق معلمین ساخته و به شاگردان
تعلیم داده میشد . برخی از شعراء رسما به سروden
اعشاری باین سبک و روش اقدام کردند ، یکی از
اولین پیشرون این راه شهید مجید جناب هوشنگ
 محمودی است که نکارنده دو نوار تهیه شده در لجه
سمعی و بصری ایران قبل از انقلاب اسلامی که با
صدای خود ایشان در اختیار دارد که یکی راجع
با ایران است و دیگر وصف جانبازی بدیع شهید ،
دیگر جناب هوشنگ فتح اعظم که با وجود مشتغلات
سنگین امری که داشته و دارند در زمینه های مختلف
ادبی اعم از نوشه و ترجمه و شعر هم آثار ارزشمند ای
دارند که هر کدام از آنها از جمله اشعارشان که بسبک
نو " سروده اند سرمشق و نمونه است ، دیگر زنده
یاد فقید دکتر جلیل محمودی اعلی الله مقامه ، ولی
بروز انقلاب سال ۱۹۷۹ در ایران و عواقب و عوارض

متفاوت بوده و هست ، این مطلب هم مذکور افتاد که
شعر اگر از آنچه بآن " جوهر شعر " میگویند خالی
باشد تنها سخن منظوم است و بنابراین معیار ،
بسیاری از کسان که ادعای شاعری دارند فقط ناظم
اند و نه شاعر .

مقدمه دوم :

از حدود یکقرن و نیم پیش که دیانت بهانی
در سرزمین ادب پرور ایران ظهر کرد ، درست
همانگونه که با طلیعه صبح صادق مرغان باغ و صحرا
صرفنظر از جثه و هیكل و طرز نغمه خوانی همگی بر
سر شاخصارها به سرود نغمه می پردازند و هریک
آهنگی می نوازنند ، مرغان چمنستان الهی نیز که طلوع
صبح حقیقت را دریافتہ بودند بتناسب توانانی و
استعداد خود به دستان سرانی آغاز نمودند و داد
سخن دادند و برخی از آنان حق فصاحت و بلاغت را
ادا نمودند . محقق فقید و شاعر ادیب جناب نعمت
الله ذکانی نام و آثار آنانرا در شش جلد کتاب تذکره
شعرای بهانی آورده اند که حاصل سی سال مطالعه و
مسافرت و پرس و جو و نامه نوشتمن های ایشان است .

شک نیست که همه این نیک نامان من حیث الایمان
مرتبه شان والاست ولی درین هم شک نیست که ارزش
ادبی و شاعری همه آنها در یک سطح نیست و هریک
بقدر همت خود خانه ساخته اند و در آینده که
انشاء الله حجاب استیحاش و تعصّب دنییده شود مؤلفین
تاریخ ادبیات ایران بخشی از آنرا به ذکر نام و آثار
وابستگان بدیانت بهانی اختصاص خواهند داد و آثار
هریک را به محک نقد خواهند سنجید و جای
بزرگوارانی نظیر طاهره و عندلیب و سلمانی و ورقا و

شامل دو قسمت است یکی اشعار عمومی و دیگری اشعار امری و از نظر نوع شعر هم بطور کل دو قسمت دارد و یکی اشعار بوزن قدیم و دیگری در مایه های شعر نو یعنی مطابق تعریفی که در مقدمه آورده شده (رعایت وزن با کم و زیاد کردن طول مصراحتها) نخستین قطعه از این نوع با عنوان " شبی در عالم رویا " در حقیقت حال و هوای اصلی اشعار دفتر را توجیه می کند .

نکته ای که باید آن توجه داشت اینست که شاعر هر دوره ای آثارش بازتاب وضع زمانه اوست و شاعر بهانی این بیست ساله اخیر اگر چه با مشکلاتی که همیشه برای یاران الهی در کشور مقدس ایران وجود داشته او آشنا بوده ولی شدت مصائب که با قتل و کشتار و تعقیب و اذیت و آزار و مصادره اموال و دربر کردن آنان از طرف دولتیان اسلامی و جهال عوام بعمل آمده که منجر به شهادت جمعی از خالص ترین وجودات نازنین این آئین کشته هرکس که طبعی در شاعری داشته فریادی از دل دردمند برآورده و شعری و بیتی سروده یا کتاب و دفتری فراهم آورده است و طبیعی است که شاعری با استعداد و تأثیر پذیر نظیر جناب روحانی در این موضوع در موارد مختلف داد سخن داده و بیاد عزیزانی که جان باخته اند چکامه ها ساخته است .

پس نخستین قطعه کتاب توصیفی زیبا از جریان رؤیایی شاعر و گفت و شنودهای فیما بین او و یکی از عزیزان شهید ساکن ملاع اعلی و پرسش شاعر از اوست که بهر حال :

آن اولاً تعدادی شاعر جدید به جمع شعرای بهانی افزود که البته قبل از آنهم استعدادهای شکرف ذاتی در وجودشان موجود بود ولی در برف ریز مشاغل دنیوی مکنون و مکتوم مانده بود و همچنانکه همیشه معمول بود فشارهای محیط باعث شکفتان استعدادها گشت بنحوی که امروز در کل جامعه ایرانیان باصطلاح درون مرزی تعداد کتاب خوان ها و نشریات و آثار خلقی هنری از قبیل خطاطی و نقاشی و طرح های جدید قالی و انواع صنایع دستی به نسبت چند برابر سالهای قبل شده است .

بهر حال پس از حدوث انقلاب هم تعداد شعرای بهانی بطور اعم افزوده گشته و بخصوص از میان آنان کسانی به سروden شعر در مایه های شعر نیمانی پرداخته اند از قبیل جناب فرهمند مقبلین ، جناب منصور نبیلی ، خانم طاهره خدادوست (فروغی) دکتر فریدونی ، خانم حوریوش رحمانی و جناب هوشنگ روحانی و دیگران که آثارشان را نشریات امری منتشر کرده اند و چه خوب است که این گروه ضرورت زمان را دریافته اند و به " رسالت " شاعر بهانی در این مقطع از زمان معتقدند - شاعر بهانی امروز باید با توصیف مبادی و احکام امری با زبان ایهام و بتصویرتی نقش آفرین و تحسین انگیز کششی تازه ایجاد کند و لذا نباید در چوب بست اوزان عروضی گرفتار شود ، شعر آزاد از قیود قواعد عروضی تنها وسیله ای انجام این منظور است و اینک پس از دو مقدمه فوق به بررسی مطالب کتاب " طایر قدسی " می پردازیم .

این کتاب که در وهله اول بخاطر خوشنویسی زیبایی اشعار و نفاست چاپ جلب توجه میکند از نظر محتوى

سروده‌ها دریافت.

قسمت عمده‌ای از کتاب شامل غزلیات است که در اوزان قدیم و به سبک معمول امروز که مخلوطی از سبک خراسانی و عراقی است و کاه به پیروی از وزن و قافیه‌های شعرای قبل سروده شده فی المثل غزل با عنوان "خورشید رخشان" با مطلع:

"مهر آن خورشید رخشان کاه هست و کاه نیست
پرتو رویش چو روی ماه هست و ماه نیست
یاد آور غزل خواجه شیراز است با این مطلع:

زاهد ظاهر پرست از حال ما آکاه نیست
در حق ماهرچه گوید، جای هیچ اکراه نیست
یا غزل بسیار زیبایی "آفتاب هدایت" که در وزن سنگین و مشکل متفاعلین سروده شده یادآور غزل

معروف است که گویا از عراقی (۱)

چه شود که به چهره زرد من نظری ز روی صفا کنی
که اکرکنی همه درد من بیکی کرشمه دوا کنی
توكمان کشیده و درکمین که زنی به تیرم و من غمین
همه غم بود از همین، که خدانکرده خطأ کنی

و غزل مشهور قرۃ العین طاهره:

ملعات وجهک اشرق تو شاع عطونک اعتلک
ز چه روایست بریکم نزنی، بن که بلى بلى
.....

تو و ملک و جاه سکندری من و رسم و راه قلندری
اگرآن خوشست تو در خوری و گراین بدست مرا سزا
و چنین است که مضمون و محتوای غزل سخن عشق
است که از هر زبان که می‌شنویم نا مکرر است.
افکار عاطفی شدید مانند سخنانی که راجع به همسر و
فرزندان و مادر شاعر است هم در کتاب می‌آید که

"در حريم قدس جانان، از چه ره وارد شدن باید؟"

"به پا - یا - سر؟...."

و او پاسخ میدهد که:

"ز راه دل، به پای عشق و ایمان".... الخ
قطعه دوم، توصیفی است تازه و ممتاز از حضرت باب،
رب اعلی،

"ناسخ احکام قرآن" "شارع دور بیان" ، مکتبش
پیکار با اوهام ، با تغییرها ، "مقصدش واکردن
زنجیرها" و باین ترتیب ماجرای ظهور و بلایای وارد
تا شهادت آن "طاییر قدسی" که در پرواز همتانی
نداشت" را شرح میدهد "طاییر قدسی که در پرواز
همتانی نداشت" "در میان خاکیان تیره دل جانی
نداشت"

در قطعه سوم باز صحبت از شهادت است ، شهادت
دوستان و آشنايان شاعر ، که اعضای محافل روحانی
ملی و طهران بوده اند که جناب عزیزالله گلشنی پدر
همسر شاعر و جناب عطاء الله یاوری شوهر خواهشان
از جمله آنان بوده اند ، ذکر نکته‌های دقیق و زیبا و
متناسب که طبع سیال شاعری مانند روحانی قادر است
و خوب میتواند از عهده برآید .

آزار خصم گرچه توان ترا شکست... اما... روح ترا
نخست... راه ترا نبست... الخ

جان باختی به عزت و خود را نباختی
قطعات بعدی با عنوانین : نام یک شهید ، غریق نیاز
که اختصاصا در باره نبیل زرندی سروده شده ، خوب
جاودانه که در باره شهادت جناب عطاء الله یاوری است
، براستی که باید این قطعات را از سر فرصت خواند
و زیبائیهای کلام و تلفیق مناسب الفاظ را از متن

بحث حواله دهیم .

نکته پایانی آنکه کفته شد که اشعار جناب روحانی دارای جوهر شعر است و تنها نظم نیست ، از قضا خود ایشان کتاب شان را با شعری با عنوان " شعر و نظم " پایان رسانده است و میگوید :

شاعر با نظم همعنان نشور

زنده یا مرده همکنان نشود

شعر چون بلبل ترانه سراست

نظم چون زاغ پیر زشت صداست

نظم بیروح و بی سرانجامست

شبینی بر نشسته بر بام است

شاعران مفترخ بالهامند

ناظمان بی نصیب و نا کامند

شاعران ناقد و سخراشند

ناظمان فکر نان و دکانند

شاعری حرف نیست ، دکان نیست

شعر از بهر لقمه ای نان نیست

غیر از موضوعات و مطالبی که ذکر شد شاعر در زمینه ها و مطالب دیگر هم با استفاده از اوزان قدیم و جدید طبع آزمانی نموده است .

که تضمین غزل سعدی " شب فراق که داند که تا سحر چندست ، قطعات " مادر " " پیامی به فرزند " من و مهتاب دیگه حرفی و اسه کفتن نداریم و دو بیتی ها و رباعی ها و غیره از جمله ای آنهاست .

کوتاه سخن آنکه انتشار کتاب شعر " طایر قدسی " بشارتی است باینکه تغییر و تحولی در عالم شعر باصطلاح امری ، در حال وقوع است و امیدوار باید بود که دیگر ارباب ذوق و طبع نیز به آقای روحانی

هرکدام در مقام خود نمونه سخن سرانی است .

غم غربت و دوری از وطن پس از سخن عشق ، محتوای عمدۀ اشعار شاعر در این دفتر است و ای کاش آنانکه بهانیان را " جهان وطن " و بی اعتنا به مقوله " وطن پرستی " می پنداشند بنحوی باین کتاب دسترسی پیدا کنند و احساسات شاعر بهانی را که نمایانگر و بیان کننده کل جامعه بهانی ایران است بدینوسیله دریافت نمایند .

قطعه های " ایران ، ام العالم " ، " کبوتر قاصد غمگین " ، " غم غربت " ، " به هوای وطنم " " خدایا امن و آسایش نصیب خلق ایران کن " ، " قبله ارباب هنر حرف دل " ، " فخر دنیا بود خاک ایران " ، " مام وطن " ، " داغ غریبی " همکی پر از اندوه دوری و عشق به وطن مأله و سخنان از دل برآمده است که لاجرم بر دل هر خواننده‌ی علاقمند و همدرد می‌نشینند .

در یکی از قطعات جالب کتاب که در مناقب حضرت عبدالبهاءست ، برخلاف آنچه دیگران البته از سر صدق و اخلاص کفته اند صفت عمدۀ ای که برای آن حضرت قائل شده اند " قافله سالار بندگی " است همان لقب و شان و مقام و منزلتی که خود آن حضرت برای خودشان خواسته و آنرا " اکلیل جلیل " و " تاج وهاج " خود دانسته‌اند یعنی " عبودیت و بندگی آستان جمال مبارک " و " عبدالبهاء " بودن .

شرح بیشتر در مواضیع و مطالب کتاب ، این نوشته را که تا بحال هم طولانی شده مفصل تر از معمول خواهد نمود و احتمال میرود که باعث کسالت خواننده گردد و لذا خوانندگان را به مراجعه و مطالعه مستقیم اثر مورد

ثبت نام کرده اند مطالب اضافی ارسال می گردد و به سوالاتی که داشته باشند پاسخ داده می شود .

از شرکت کنندگان در این برنامه تقاضا شد با تشکیل دادن دوره های مطالعاتی وارانه مطالب در سایر جلسات آنچه را که در آثار قلم اعلی مطالعه می نمایند با سایر دوستان مطرح نمایند و سبب اشاعه این آثار و تشویق یاران به مطالعه آنها گرددند.

بخش دوم این برنامه که اختصاص به آثار قلم اعلی در دوره اسلامبول و ادرنه دارد در اروپا از ۱۹ تا ۲۵ جون ۱۹۹۸ در اکتوبر و در امریکا از ۹ تا ۱۲ اکتبر ۱۹۹۸ در مدرسه بهانی لوهلن میشیگان تشکیل میگردد. نظر باینکه امکانات مدرسه لوهلن بلحاظ اقامت و پذیرانی محدود است لذا دوستانی که مایل بشرکت میباشند لازم است هرچه زودتر نسبت به ثبت نام و ذخیره جا اقدام نمایند . وجه نام نویسی دریافت جزو و غذا برای دوره مجمع عرفان مجموعا ۲۰۰ دلار است .

ادامه صفحه ۵۹

توضیحا اضافه می نماید که فرزندان و بازماندگان جمشید و برادرانش کل مؤمن بودند و در این ایام سه نفر از این خانواده برتبه شهادت فائز گشتهند :

۱ - هوشمند انوری فرزند نشاط (نوه جناب جمشید بهرام) در آفریقا .

۲ - مونا محمود نژاد در شیراز نواده دختری جناب مهریان بهرام .

۳ - طاهره سیاوشی (ارجمندی) نواده دختری جناب خدارحم بهرام در شیراز یاد ایشان همواره کرامی باد .

تأسی نمایند و به خلق اثراتی جدید موفق گردند و خودایشان هم اکنون که از هر جهت پخته تر شده‌اند ، بخلق آثار بیشتر و تازه تری دست بزنند .

در اینجا توصیه ای به جوانان اهل ذوق باید بنمایم همانکه استادان زمان جوانی ما میگفتند و توصیه میگردد که اولا بخوانند و بیشتر بخوانند و ثانیا بنویسند و بیشتر بنویسند " استعدادهای هنری مانند تیغ و شمشیر اگر در نیام خود بمانند زنگ زده میشوند باید آنها را بکار کرفت و بکار ادامه داد و پیام این نویسنده بجوانان این دوره تکرار پیام جناب نعیم است که فرمود :

ما نکردیم خدمتی به سزا
دیده‌ی ما در انتظار شماست

++++++
(۱) - این شعر در دیوان هاتف اصفهانی بچاپ رسیده است .

۲ - شعر بالا مربوط به صحبت لاری است و شعر معروف طاهره قرة العین بدین گونه است :

جذبات شوق الجمт بسلسل الغم و البلا

همه عاشقان شکسته دل که دهند جان بره بلا

(حسام نقبانی شرح زندگانی طاهره)
 عندليب

نقل از صفحه ۴۶

همچنین از شرکت کنندگان در برنامه دعوت شد که در صورت تمایل برای مراجعه به دفتر مجمع عرفان وارانه سوالات و مشکلات خود حین مطالعه آثار قلم اعلی ثبت نام نمایند . برای افرادی که به اینمنظور

پس از دریافت کتاب طایر قدسی اثر طبع شاعر توانا و
صاحب‌الجناب هوشنگ روحانی «سرکش» سروده شد.

با سپاس فراوان : زرین تاج ثابت (حضرائی)



« طایر قدسی »

از زرین تاج ثابت (حضرائی)

در میان خاکیان تیره دل جائی نداشت
از رقیب بی هنر بیمی و پروائی نداشت
انتظاری جز جفا از بیسر و پائی نداشت
غیر وصل بیار هرگز او تمنائی نداشت
گر نبودی نوبهاران شور و آوائی نداشت
ور نه هرگز زندگی قدری و معنائی نداشت
دیده حق بین کجا؟ چون چشم بینائی نداشت
بوستان زندگی بی او تماشائی نداشت
عاشق رسوای او جز قلب شیدائی نداشت
فانی اندر رای او از خویشتن رائی نداشت

طایر قدسی که در پرواز همتائی نداشت
عاشق رویش بجز معشوق کی اندیشه کرد؟
بگذرد از صد هزاران جان ز شوق آن نگار
چون «انیس» آماده از بهر فدا شد بیدریغ
می سراید نغمه بلبل ز عشق کل اندر چمن
جان ما روشن همی از پرتلو رخسار اوست
غافلان را حریه ای جز تهمت و بیداد نیست
از صفائی چهره اش دشت و دمن زیور گرفت
پای بر افلاک هستی می نهد شهباز وار
بیخبر «سرکش» چواز خود گشت از سودای دوست

کفت «زرین» از سر شوق این سخن با یا داد

هیچکس چون ما چنین ماه دل آرائی نداشت

دریافت داشتند و تشویق و راهنمایی شدند که در طی سال ، قسمتهایی از آثار منزله در ایران و عراق را مورد مطالعه قرار دهند و به خدمات و فعالیت هایی برای معرفی و اشاعه نصوص مزبور پردازند .

در برنامه ای که در مرکز مطالعات بهائی اکتوبر با مساعدت صندوق یادبود حاج مهدی ارجمند و کمک های اهدانی به یادبود نورالدین ممتازی و الیاس و نسرين ثابت اجرا شد. مطالب ذیل مورد توجه و مطالعه قرار گرفت .

* احوال و آثار مبارکه حضرت بهاء الله در طهران ، " تاریخ و تحولات امر در دوره بغداد " و " آثار عرفانی حضرت بهاء الله " توسط وحید رأفتی .

* " اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران و عثمانی در نیمه قرن نوزدهم " ، " آثار استدلایلی در دوره بغداد مخصوصا کتاب مستطاب ایقان " توسط شاپور راسخ .

* " تفاسیر و صحف منزله در بغداد " و " آثار استدلایلی در دوره بغداد مخصوصا کتاب جواهر الاسرار " توسط وحید بهمرادی .

* " الواح بشارات به ظهور و دعوت اهل بیان " و " احوال جمعی از اعاظم دوره بغداد " توسط منوچهر سلمان پور .

* " فرق متصوفه کردستان در دوره بغداد " توسط داریوش معانی .

* " تاریخچه لوح شکر شکن " توسط محمود ورقا .

* " سیری در آثار جذبیه حضرت بهاء الله " توسط عنایت الله صادقیان .

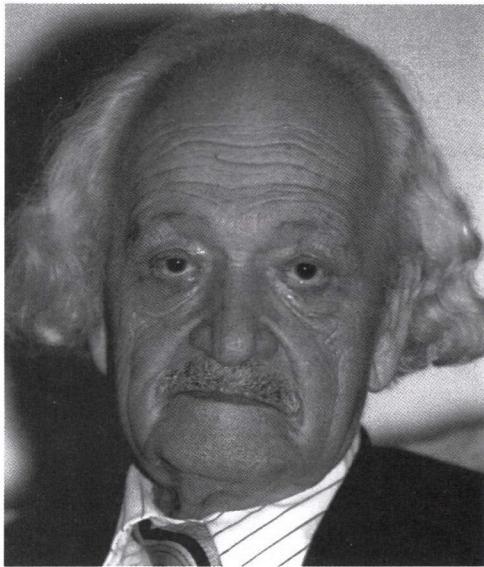
* " شرحی در احوال سید اسماعیل ذبیح و ملا محمد رضا " توسط عبدالحسین فکری .

مطالعه آثار قلم اعلی

مجمع عرفان به منظور مشارکت در اجرای اهداف نقشه منیعه چهارساله سالهای پایانی قرن بیستم را به مطالعه آثار قلم اعلی اختصاص داده است ، مجمع عرفان با مساعدت صندوق یادبود حاجی مهدی ارجمند و با اهتمام دفتر امور احباب ایرانی / امریکانی در امریکا و مؤسسه عصر جدید در اروپا تشکیل می گردد . هدف اصلی این مجمع تشویق و ترویج مطالعه در آثار مبارکه و بکار بستن مندرجات این آثار در تبلیغ امرالله و تزئید معارف امری یاران است .

* مطالعه آثار قلم اعلی " برنامه چهار ساله ایست برای آشنائی با متون الواح و آثار مهم جمال اقدس ابهی که تا حال طبع و نشر شده است و دارای چهار دوره یک ساله است که از سال جاری (۱۹۹۷) آغاز گردیده و در سال ۲۰۰۰ میلادی خاتمه می یابد . این برنامه توسط هیئت آموزشی مرکب از گروهی دانشمندان جامعه بهائی تنظیم و اجرا می شود . بخش اول این برنامه به مطالعه آثار منزله در دوران ایران و عراق (۱۸۶۲ - ۱۸۵۲) اختصاص دارد . برای این منظور دو برنامه یکی در مرکز مطالعات بهائی در اکتوبر ایتالیا در ماه جون و دیگری در مدرسه بهائی لوهن در امریکا در ماه اکتبر ۱۹۹۷ برگزار گردید . در هریک از این برنامه ها متجاوز از یکصد و بیست نفر از احباء از بیست کشور مختلف شرکت داشتند . شرکت کنندگان این برنامه دفترچه " راهنمای مطالعه آثار قلم اعلی " را که برای این برنامه تهیه شده است

- * "شرحی در احوال حضرت بهاء الله در ایام بغداد" توسط روح الله خوشبین .
 - * اشاراتی به تقدیر الهی و جلوه هانی از بروز بحران و پیروزی در آثار قلم اعلی در دوره بغداد " و " معرفی الواح فتنه ، مدینة الرضا و ایوب " توسط حبیب ریاضتی .
 - * "مقدمه ای بر عرفان عملی" و معرفی رساله چهار وادی ، لوح کل الطعام و قصیده عز ورقانیه " توسط معین افانی .
 - * "معرفی تفصیلی لوح ملاح القدس و ارتباط آن با سایر آثار قلم اعلی و الواح ببل فراق و سوره الله توسط امیر هوشنگ مهر آسا .
 - * "حضرت بهاء الله در کتاب ایقان" توسط پریوش سمندری ، خوشبین
 - * "امر بهانی و اختلافات عهدهای با قرآن" توسط گیو خاوری .
 - * "نغمات روحانی" توسط شکوه رضانی و آهنگ های موسیقی ایرانی توسط دکتر ماهر ، نوید اردکانی ، بهروز سنانی ، شکوه رضانی و روزبه رحیم پور .
 - * "عرفان و نقاشی" توسط ماه مهر گلستانه . آثار مبارکه قلم اعلی که در ایران و عراق عز نزول یافته از حد احصاء خارج است در حدود ۴۰ اثر که دارای عنوان خاص هستند و تا بحال طبع و نشر شده اند برای مطالعه در سال اول این برنامه معرفی شده اند بعلاوه فهرستی از کتب مرجع و نیز کتابهای تاریخی و تحقیقی امری و غیر امری که میتواند در این مطالعات مفید و مؤثر واقع شود نیز در اختیار شرکت کنندگان قرار داده شده .
 - * "شرح احوال آقا سید محمد خال اکبر" توسط فیروزه ابرار .
 - * "شرح احوال میرزا احمد وزیر و جناب مریم" توسط طاهره سعادت .
 - * "آمال و احوال معاندین امرالله در دوره بغداد" توسط منصور روحانیان .
 - * "پنج کنز و بیانات شفاهی حضرت بهاء الله" توسط ایرج وهمن .
- جلسات این دوره با بیانات جناب دکتر شاپور راسخ عضو محترم هیئت مشاورین قاره ای اروپا آغاز گردید و پایان یافت . بعلاوه جناب هوشنگ ارجمند شرح مختصری در احوال و خدمات حاجی مهدی ارجمند و جناب روح الله ممتازی شرح اجمالی در احوال و خدمات جناب نورالدین ممتازی و جناب ایرج ایمن شرحی در باره خدمات متصاعدین الی الله الیاس و نسرین ثابت بیان داشتند . اجرای آهنگ های موسیقی توسط بیژن سعادت و استماع نوارهای از آهنگهای ایرانی که توسط عنایت الله صادقیان ترتیب داده شده بود در فواصل این برنامه اجراء میشد .
- در برنامه ای که در مدرسه بهانی لوهلن در امریکا با مساعدت صندوق یادبود حاج مهدی ارجمند و بااهتمام دفتر امور احبابی ایرانی / امریکانی محفوظ روحانی ملی بهانیان امریکا برگزار گردید مطالب ذیل ارائه گردید :
- * "نظر اجمالی به آثار قلم اعلی" و "روش مطالعه کتاب مستطاب ایقان" توسط ایرج ایمن .
 - * "مقدمه ای بر عرفان نظری" و "شرحی در باره کج پنهان" و معرفی "رساله هفت وادی" و قصیده رشح عما توسط موزان خادم .



پرداخت . در حدود سن ۲۰ سالگی سفری به بغداد نموده و مدت دو سال در آن دیار مقیم و ضمن اشتغال به کسب و تجارت به تکمیل علوم و معارف عربیه و ادبیه و امریه پرداخته و متولیا به زیارت بیت اعظم جمال قدم نائل و تائیدات و امدادات غبیبه الهیه را از آن ساحت مقدسه راجی و سائل همی بود . پس از مراجعت از بغداد مجددا در نجف آباد رحل اقامت افکنده همچنان به تجارت مشغول و با نجاح خدمات امریه محلیه مألف و در سنه ۱۲۱۲ هجری شمسی با عمو زاده خود جلالیه خانم هائی ازدواج نمود . در سال ۱۲۱۴ شمسی که حضرت ایادی امرالله جناب ابوالقاسم فیضی برای تعلیم و تربیت اطفال بهائی که تعدادشان در آن زمان متوجه از ۴۰۰ نفر بوده و جملگی بعلت تعطیل مدارس بهائی در سرتاسر ایران از ادامه تحصیل محروم گردیده بودند) به نجف آباد ورود فرمودند با آن متصاعد الى الله چنان مأنوس و مألف و رفیق و یار گشتند که تمامی اوقات فراغت را با یکدیگر گذرانده به تحقیق و مطالعه و تبع در آثار الهیه و کتب مقدسه و غیره پرداخته و مآلًا به تشویق و ترغیب حضرت فیضی و بالآخره دستور مطاع مولای بی همتا حضرت

مختصری از شرح حیات متصاعد الى الله

جناب موهبت الله هائی

ناشر نفحات الله جناب موهبت الله هائی علیه رضوان الله و غفرانه در سال ۱۲۸۲ هجری شمسی در نجف آباد در خانواده‌ای مؤمن و متمسک و خدوم تولد یافته از همان اوان کودکی تحت تربیت روحانی و توجهات معنوی پدر و بالاخص جد بزرگوارش ملام محمد باقر هائی نجف آبادی که یکی از مؤمنین اولیه و از مشاهیر قدماًی احبابی آن سامان بود قرار گرفته و به آداب بهائی و خصائص و شیم روحانی پرورش یافت . ملا محمد باقر که خود از علمای اعلام و حجج اسلام بوده بواسطه حضرت زین المقربین به شریعة الهیه مؤمن و بخدمت و تبلیغ امر پرداخته و بدین سبب همواره مورد هجوم اعداء و ظلم و طفیان اهل ضغیمه و بغضاء بوده و در سبیل امر حضرت یزدان اسیر کُند و زنجیر و زندان گشته و بلایای بسیار و مشقات بی شمار تحمل نموده تا اینکه در سنه ۱۲۰۷ هجری قمری در سن ۷۲ سالگی در عکا به شرف لقای محبوب عالمیان مشرف و الواح عدیده از قلم مالک احديه بافتخارش نازل و از آنجا که اولین روز تشریف به منظر اکبر مقارن با یوم اول ایام " هاء " بوده لذا در لوحی از قلم مالک قدم به لقب " هائی " ملقب و متباهی گشته است . بالجمله جناب موهبت الله هائی در چنین خانواده و محیطی رشد و نمو یافته تحصیلات خود را چنانکه مرسوم آن زمان بود در محاضر و مکاتب علماء و بیشتر نزد پدر و جد خویش با نجاح رسانده تا اینکه در سن ۱۲ سالگی بواسطه فوت پدر که طبیبی حاذق و مشهور و مورد ثقه و اعتماد جمهور بود بنناچار به کسب و تجارت مشغول و در عین حال به تزئید معلومات و معارف امریه و تاریخیه و ادبیه

و شعرا و عرفا در اخلاق حسن و خصائص حمیده و صفات
مرضيه حياة بهاني که هنوز بچاپ نرسیده است .

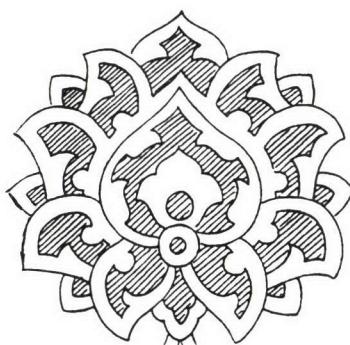
۵ - شرح حال و ترجمة احوال مرحوم ملا محمد
باقر هاني نجف آبادی همرا با شجره نامه خاندان هاني و
شهداي اين خاندان (چاپ نشده)

مشارالله در روز ۲۰ جولای ۱۹۹۷ ميلادي در سن ۹۴
سالگي پس از تحمل ۶ ماه عوارض سالخوردگي به ملکوت
ابهی صعود فرمود و از طرف ساحت رفيع ديوان عدل
اعظم الهی تلکرام تسلیتی به شرح ذيل عز صدور یافته
است :

« مراتب محبت و همدردي معهد اعلى را به عائله
و دوستان موهبت الله هائي که به خاطر يك عمر
خدمات مخلسانه بامرالله قطعيا در ملکوت ابهی به
پاداش خود نائل می گردد ابلاغ داريد ، در اعتاب
قدسه به جهت ارتقای روح تابناکش دعا و مناجات
میشود .

بيت العدل اعظم»

سجاد : محفل روحاني ملي ايالات متحده آمريكا .



ولي محبوب امرالله جل سلطانه ايشان نيز دست از كسب و
تجارت کشیده متوكلاً على الله و منقطعا عن دونه به طور
کامل و دانم به تبلیغ امرالله و نشر نفحات الله و تشویق
ياران و تعليم و تربیت جوانان پرداخته و تحت هدایت و
دستور محفل مقدس روحاني ملي به سیر و سفر در بلاد
 مختلفه در سراسر ايران مشغول و بانجام ماموريت هاي
امریه و تبلیغ و تبییر و تعليم و تشویق مالوف و بهمین
منظور علاوه بر داخل ایران سفری نیز به مدت يك سال به
آلمان و فرانسه نمودند . آن متصاعد الى الله در طی متجاوز
از ۶۰ سال خدمات امریه جمعا به دریافت ۱۱ توقيع
صادره از برابعه مولای توانا حضرت ولی عزیز امرالله جل
ثنانه مفتخر و مخاطب گردیده که در همه جا مورد
عنایات و الطاف بي پایان آن محبوب دل و جان قرار
گرفته " مساعی و مجهودات و خدمات ايشان بسیار مورد
تقدير در آن محضر منیر واقع " گردیده است . از آن
متصاعد الى الله در هنگام صعود دو فرزند و ۹ حفيد
جای مانده که تماما مؤمن و در ظل امر مبارک هستند .
مشارالله خطی زیبا ، گفتار و بیانی شیوا ، لحنی ملیح و
دلربا و قلمی روان و رسما داشت و تالیفات و آثار قلمیه ای
از خود بجا گذاشته که بشرح ذیل می باشد .

- ۱ - کتاب « آنچه کند او کند » در دو جلد
که جلد اول آن طبع و انتشار یافته و جلد دوم نیز قریبا
منتشر خواهد شد .
- ۲ - کتاب « شرح آیه توحید » که هنوز بچاپ
نرسیده است .
- ۳ - تاریخ مختصر ادیان از آدم تا خاتم (چاپ
نشده)

۴ - « نوزده گفتار در اخلاق و رفتار » كتابی
است نسبتا بزرگ مشتمل بر نصوص مباركه و آثار و شواهد
كتب مقدسه از تورات ، انجليل و قرآن و كتب و آثار ادبها

ماه مهر گلستانه

عاشقان بها

تا که لرزد نسیم چون سیماب
کشته از شوق روی گل بیتاب
سرکشد برکشد رود به شتاب
غنچه لاله در عفاف نقاب
لرزش سیم، خروش از مضراب
داده پروانه را سؤال جواب
همزبان ست بانگ این اصحاب

تا که پیوسته صبح با مهتاب
تا قناری سراید این نعمه
تا که قطره به موج میرقصد
تا شقایق ز خواب بر خیزد
تا ندائی به گوش می آید
تا که شمع و زبان آتش جو
این طبیعت ز عشق میگوید

سر عشق است بر ملا اصحاب

يا بها عاشقان خود دریاب

با دف و تار و عود می گوئیم
زندگی را درود می گوئیم
از وقوع وعود می گوئیم
از نماز و سجود می گوئیم
روح در جان فزود می گوئیم
صحبتی با وجود می گوئیم

امشی ما سرود می گوئیم
زندگی میطپد در رگ عمر
پنجره سوی باغ بگشوده است
از ستاره ز صبح از خورشید
از نوایای حق که بی پرده
تا که آزادی بیان داریم

سر عشق است بر ملا احباب

يا بها عاشقان خود دریاب

از نظر محو و دور نگذاریم
از سر شب به صبح بشماریم
حامی و حافظان اسراریم
ما همه در خروش و بیداریم
با سرود یک زبان به کفتاریم

کر چه یاد آن شهیدان را
غم واندوه و صبر و نیروشان
قصة غصه هزاران را
گرچه در خاک و خون فروختند
دوستان راه تبلیغ بگشوده است

سر عشق است بر ملا احباب

يا بها عاشقان خود دریاب

۱۹۹۵ نوامبر ۲۰

کردند که البته اگر آیتی بباید ایمان آرند بگو ای پیامبر آیات نزد خدا است چگونه شما مؤمنان به گفته این کافران مطمئن میشوید . . اگر فرشتگان را برای آنان بفرستیم و مردگان را بر آنها بر انگیزانیم باز ایمان نخواهند آورد (سوره الانعام آیات ۱۰۸ و ۱۱۱ همان مأخذ قبلی)

ایضا می فرماید : « ويقولون الذين كفروا . . . الخ كافران میگویند که چرا بر او آیت و معجزه ای از طرف پروردگارش فرستاده نشد (باید بدانند) که تنها وظیفه تو اندرز دادن است . . . (سوره الرعد آیه ۷ همان مأخذ)

همچنین میفرماید : يقولون لولا انزل عليه . . . الخ کویند چرا بر او آیت و معجزی از جانب خدا نیامد . پاسخ ده که دانای غیب خداست شما (کافران) منتظر عذاب خدا باشید من هم با شما منتظر نصرت او میباشم (سوره یونس آیه ۲۰ همان مأخذ)

و باز میفرمایند : لا هية قلوبهم . . . الخ با آنکه خبر قیامت را شنیدند باز دل هاشان به لهو و بازیچه متوجه است و مردم تبهکار پنهان و آهسته بیکدیکر میگویند آیا این شخص (که خبر از قیامت میدهد) جز آنست که بشری مثل شماست . . . و گرنه باید مانند پیامبران کذشته آیت و معجزه ای برای ما بیاورد . . . و ما پیش از تو کسی را به رسالت نفرستادیم جز مردانی را که به آنان (هم مانند تو) وحی فرستادیم (ای رسول به امت بگو) شما اگر نمیدانید بروید از اهل ذکر سوال کنید (سوره

آثار مبارکه بهائی

در ارتباط با معجزات و خوارق عادات ادامه مطابق قبل

معجزات حضرت محمد رسول الله

قرآن مجید که به تبع احتوای آیات نزولی در سراسر آن سفر کریم منبع موثق روایت راجعه به معجزات و خارق عادات انبیاست در باره خود پیغمبر اکرم متنضم ذکر معجزه و خارق عادتی ، از آن قبیل که قرآن کریم به انبیاء کذشته خصوصاً حضرت عیسی نسبت میدهد - نیست و با اینکه پیوسته از طرف مخالفین و کفار از آن حضرت طلب ظهور معجزه ای میشود مسئول کافران از سوی خداوند علام اجابت نمیگردد چنانکه میفرمایند : يقولون لو لا انزل عليه . . . الخ و کافران کفتند چرا بر او آیات و معجزاتی از جانب خدا نازل نشد بگو آیات نزد خداست من جز ترساندن خلق از انتقام خداوند وظیفه ای ندارم آیا اینان را این معجزه کفایت نکرد که چنین کتاب بزرگ را ما بر تو فرستادیم و توبرای آنها تلاوت کردی . . . (سوره العنكبوت آیه ۵۰ ترجمه از قرآن کریم سلطانی)

بطوریکه از آیه مبارکه پیداست با اینکه به انبیاء عظام کذشته بموجب آیات نازله در قرآن مجید علاوه بر کتاب معجزاتی نیز اعطاء شده بود عظمت قرآن کریم باندازه ایست که نزول آن به تنها معادل کتاب آسمانی نازل بر هریک از انبیاء کذشته علاوه معجزات اعطائی به آنانست .

همچنین میفرماید : واقسوا بالله جهد ایمانهم . . . الخ و به خدا به سخت ترین سوگند (کافران) قسم یاد

الأنبياء آيات ۲ - ۷ مأخذ قبلی

میفرماید : الم ذلك الكتاب لاریب فيه هدی للمتّقین
(۲۴) (سوره البقره آیه ۲) . . . میفرماید یا محمد این کتاب منزل از سماء احديه ، نیست ریبی و شکی ، در آن هدایتی است برای پرهیزگاران . . . و همچنین در جای دیگر میفرماید : ان كنتم فی ریب . . . (سوره البقرة آیه ۲۲) که ترجمه ظاهر آن اینست . اکر بودید شما در شک و شبھه در آنچه ما نازل فرمودیم بر عبد خود محمد پس بیاورید سوره نی بمثل این سوره منزله و بخوانید شهدای خود را یعنی علمای خود را تا اعانت نمایند شما را در ازال سوره اکر هستید راستگویان ، حال ملاحظه فرمائید چقدر عظیم است شان آیات و بزرگ است قدر آن که حجّت بالغه و برهان کامله و قدرت قاهره و مشیت نافذه را با آن ختم فرموده و هیچ شیئی را آن سلطان احديه در اظهار حجّت خود با آن شریک نفرموده . . . ”
 (ایقان ۱۶۶ - ۱۷۰)

شاید تنها معجزه ای که غیر از اعجاز قرآن کریم در آن سفر مجید تلویحا از آن یاد شده سیر شبانه حضرت رسول اکرم از مکه به بیت المقدس است چنانکه میفرماید : سبحان الذی اسری بعده لیلاً . . . اللخ پاک و منزه است خدائی که در (مبارک) شیی بندۀ خود (محمد ص) را از مسجدالحرام به مسجدالاقصی (۲۵) که پیرامون آن را (به قدوم خاصان خود) مبارک و پرنعمت ساخت سیر داد تا آیات (و اسرار غیب) خود را به او بنماید . . . سوره بنی اسرائیل آیه اول ترجمه از قرآن کریم سلطانی)

در این آیه مبارکه به معجزات انبیاء گذشته که در قرآن مجید عز نزول یافته توجّه و عنایتی نمی شود و این سکوت بنظر میرسد قرینه ایست بر اینکه معجزات مذکور در آن سفر کریم آنطور که مردم تصوّر میکنند بظاهر وقوع و تتحقق نیافته و اعجاز همه انبیاء همان دریافت پیام الهی از طریق وحی و ابلاغ آن به مردم بوده است و غالب معجزات موصوف چنانکه در ایقان شریف و مفاوضات مبارکه دیده میشود محمول بر مفاهیم روحانی و معنویست و باین تقدیر حجّت تامه انبیاء الهی کتاب نازله بر آنان بوده که بمنزله مدینه الهی است چنانکه میفرمایند .

” . . . پس ای حبیب من باید جهدی نمود تا با آن مدینه واصل شویم . . . و آن مدینه کتب الهیه است در هر عهدی مثلًا در عهد موسی تورات بود در زمن عیسی انجیل و در عهد محمد رسول الله فرقان و در این عصر بیان و در عهد من یبعشه الله کتاب او که رجوع کل کتب بآنست و مهیمن است بر جمیع کتب و در این مداین ارزاق مقدّر است و نعم باقیه مقرر . . . مثلًا فرقان از برای امت رسول حصن محکم بوده . . . چنانچه جمیع مایحتاج آن امت از احکام دین و شریعت سید المرسلین در آن رضوان مبین موجود و معین کشته و آنست حجّت باقیه برای اهلش بعد از نقطه فرقان . . . تا ظهور بدیع در سنّه ستین . . . چنانچه نقطه فرقان در آخر امر فرمودند که انی تارک فیکم الثقلین (۲۶) کتاب الله و عترتی (۲۷) . . . حجّت منحصر شد بدو ، یکی کتاب و دیگر عترت ، عترت که از میان رفته پس منحصر شد به کتاب و اول کتاب

معراج حضرت رسول اکرم

سیر شبانه موصوف که به معراج مشهور شده است از نظر برخی از مفسران قرآن کریم سیری روحانی بوده ولی کثیری نیز آن را ظاهر متحقق دانسته اند چنانکه در قرآن کریم سلطانی ذیل آیه مبارکه در حاشیه صفحه آمده است : « در آن شب مسعود مطابق بعضی روایات و ظاهر آیه شریفه آن حضرت در مسجد الحرام بوده است و مطابق بعضی روایات در خانه ام هانی دختر ابی طالب زوجه هبره بن ابی وهب مخزومی بوده چنانکه در مجمع البيان مذکور است ... در باب معراج از بیت المقدس به آسمان احادیث بسیار وارد شده و آنچه بر سبیل اجمال به مذهب شیعه اهل بیت علیهم السلام باید اعتقاد داشت آنکه آن حضرت از بیت المقدس در بیداری بدون مفارقت روح از جسم به تأیید ربانی به آسمان رفته و عجائب آسمان ها را بر وفق فرمان الهی مشاهده کرده است و به مرتبه قربی که هیچ پیامبری نرسیده بود رسیده است و در همان شب بعض ایزد بجای خود بازگشت نموده است و نماز صبح را در مسجدالحرام گزارده است ... و منقول است که در آسمان اول آدم را دیده و در آسمان دوم عیسی و یحیی و در سوم یوسف و در چهارم ادريس (۲۶) و در پنجم هارون و در ششم موسی و در هفتم ابراهیم را دیده است و این امر مطابق گفته شیخ مفید در مسار الشیعه شب بیست و یکم ماه رمضان در سال دوازدهم از بعثت بوده ... (قرآن کریم سلطانی صفحات ۴۱۰ و ۴۱۱) .

کتاب « قصص قرآن و تاریخ پیامبران » که بر مبنای

آیات قرآن مجید و احادیث شیعه دوازده امامی تدوین یافته داستان معراج را باینصورت نقل میکند « شب پیاپیان رسیده و سپیده صبح نزدیک بود که رسول اکرم (ص) از آم هانی - دختر ابوطالب (ع) آب وضو خواست وضو کرفت و چون سپیده دمید نماز صبح ادا فرمود سپس آم هانی را طلبید تا امر مهمی را که در همان شب واقع شده بود باو خبر دهد ... رسول خدا فرمود : ای آم هانی همانظوریکه مشاهده کردی من نماز عشاء را دیشب در اینجا خواندم سپس خداوند متعال مرا به بیت المقدس برد من در مسجد اقصی نماز خواندم و اینک هم نماز صبح را چنانکه می بینی در اینجا میخوانم و تصمیم دارم هم اکنون به مجمع قریش بروم تا این عنایتی را که خدای بزرگ نسبت بمن فرموده بآنها اطلاع دهم و آنها را از قدرت خداوند با خبر سازم .

آم هانی زنی با ایمان و معتقد به پیغمبری رسول خدا (ص) بود و شک و تردیدی در راستگونی خاتم انبیاء نداشت و لذا صحّت این خبر نیز مانند آفتاب نزد او روشن و آشکار بود اما او قریش را خوب میشناخت و دشمنی و عداوت آنان را نسبت به پیغمبر خدا میدانست ... آم هانی لحظه ای بفکر فرو رفت و آنگاه سر برداشت و گفت ای رسول محترم و ای پسر عمومی عزیز ترا بخدا نزد این قوم مشرك مرو و این حدیث را برای آنها بیان مکن آنان با تو دشمن اند و بهانه ای میخواهند که تا ترا آزار کنند بگذار این خبر مکتوم بماند ... این سخنان کرچه از روی صمیمیت و خیرخواهی ادا شد اما برای رسول خدا (ص) قابل قبول نبود زیرا لغت ترس برای پیغمبر مفهومی نداشت.

طلوع آفتاب آن کاروان خواهد رسید .

قریش این جمله را که شنیدند گفتند : محمد میان ما و خودش حکم کرد و صدق یا کذب سخن او تا چند لحظه‌ی بعد که خورشید طلوع میکند آشکار خواهد شد. این سخن گفتند و همه بسوی بیابان دویدند و بیرون شهر با تظاهر طلوع آفتاب و رسیدن کاروان خود نشستند هنوز توقف آنها بطول نیانجامیده بود که یکی از آنها فریاد زد : اینک خورشید طلوع کرد . . . دیگری از جانب دیگر گفت : این هم کاروان ما بهمان هیئتی که محمد خبر داد از دور نمایان شد . قریش با دیدن این آیت روشن بازهم از عناد خود دست نکشیدندو بکفر و سرسختی باقی ماندند (صفحه ۲۰۵ - ۲۰۸ ذیل اسراء) .

همانطوریکه اشاره شد از قدیم الایام از علمای اسلام کسانی بوده اند که بمعراج جسمانی حضرت رسول اکرم عقیده نداشته و آنرا سیری معنوی و روحانی دانسته اند چنانکه یکی از محققان دراین باره چنین مینویسد: « . . . از قدیم کروهی از علمای اسلامی حدیث مذکور را از درجه اعتبار ساقط دانسته اند فخرالدین رازی (متوفی بسال ۶۰۶ هـ) در تفسیر بزرگ خویش از قول مخالفان این حدیث مینویسد : آن حدیث المعراج اشتمل علی اشیاء بعيدة . . . الخ (تفسیر مفاتیح الغیب چاپ مصر ، الجزء الخامس صفحه ۳۶۶) یعنی : حدیث معراج چیزهایی را در بر دارد که دور از عقل است از جمله آنکه روایت شده شکم پیامبر را شکافتند و آنرا به آب زمزم تطهیر کردند و این بعيد است زیرا آنچه امکان دارد با آب شسته شود پلیدیهای ظاهری است و در پاکیزه

لحظه‌ای بعد رسول خدا (ص) از خانه بیرون آمد و بسوی مسجدالحرام رهسپار شد. در مسجد جمعی از قریش حضور داشتند ابوجهل (۲۷) که نظرش بآن حضرت افتاد از میان جمعیت به لحن تمسخر آمیز گفت : از طرف خدا خبر تازه ای برای تو پیش نیامده ؟ رسول خدا (ص) فرمود : چرا شب گذشته خداوند مرا به بیت المقدس برد ابوجهل گفت : دیشب به بیت المقدس رفتی و اینک بامداد اینجا هستی ؟ پیغمبر (ص) فرمود : آری خداوند مرا شبانه به بیت المقدس برد و در آنجا جمعی از پیمبران گذشته را دیدار کردم از آن جمله ابراهیم و موسی و عیسی بن مریم بودند و من نماز خواندم و آنان بمن اقتدا کردند. مطعم بن عدی گفت : آیا تو دوماه راه را در یکشب رفتی ؟! من شهادت میدهم که تو دروغ میگوینی ! قریش گفتند : دلیل صدق ادعای تو کدامست ؟ پیامبر (ص) فرمود : دیشب در فلان وادی فلان کاروان را دیدم شتری از شتران خود را کم کرده و در جستجوی آن بودند در میان متعاع آنها ظرف آبی بود که روی آنرا پوشانده بودند من آب آن ظرف را خوردم و سپس روی ظرف را پوشاندم .

قریش گفتند : این یک دلیل دلیل دیگر چیست ؟ فرمود : بفلان کاروان هم برخوردم شتر فلانکس رم کرده و دستش شکسته بود شما پس از رسیدن آن کاروان از آنها بپرسید تا صدق سخن من بر شما معلوم شود . گفتند : این هم یک نشانه حالا بگو کاروان تجاری ما را در کجا دیدی ؟ فرمود : کاروان شما را در وادی تنعیم چنین و چنان دیدم پیشانی کاروان شما شتری برنگ سیاه و سفید بود و هنگام

مقدمه کتاب معروفش فتح الباری بشرح صحیح البخاری که آنرا در توضیح کتاب بخاری نگاشته میگوید : و قدانتقده الحفاظ فی عشرة ومنة حديث (مقدمه فتح الباری چاپ مصر ، صفحه ۸۱) یعنی : کتاب بخاری از سوی حافظان احادیث در صد و ده حدیث مورد نقد قرار گرفته است . . . ابن تیمیه متوفی بسال ۷۲۸ هـ در تفسیر سوره الاخلاص مینویسد : انَّ الْحَدِيثَ الَّذِي رَوَاهُ مُسْلِمٌ فِي خَلْقِ التَّرْبَةِ يَوْمَ السَّبْتِ حَدِيثٌ مَعْلُولٌ قَدْحٌ فِيهِ أَئُمَّةُ الْحَدِيثِ (تفسیر سوره الاخلاص صفحه ۱۶) یعنی : حدیثی که مسلم در باره آفرینش خاک در روز شنبه آورده حدیثی است که مورد طعن ائمه حدیث واقع شده است باز مینویسد :

و لَهُذَا الْحَدِيثُ نَظَانُرُ عِنْدِ مُسْلِمٍ . . . إِلَخُ (تفسیر سوره الاخلاص صفحه ۱۶) یعنی : نظائر این حدیث (نادرست) در کتاب مسلم آمده است و او احادیثی را گزارش کرده که معلوم شده احادیث مزبور غلط است مانند آنکه روایت نموده چون ابوسفیان اسلام آورده به پیامبر گفت : میخواهم ام حبیبه (دخترم) را به همسری تو در آورم با اینکه میان مورخان خلاف نیست که پیامبر (ص) مدت‌ها پیش از آنکه ابوسفیان ، اسلام آورد با ام حبیبه ازدواج کرده بود . . .

. . . اما اصل بحث از معراج که آیا سیر روحانی باید شمرد یا آنکه پیکر شریف پیامبر (ص) نیز عروج کرده است ؟ هر دو قول از روزگار کهن در میان مسلمین طرفدارانی داشته است . نزدیک هزار و سیصد سال پیش ابن اسحاق در سیره خود نوشته : حد ثنی بعض آل ابی بکر ان عائشة زوج النبی . . . إِلَخُ (سیره ابن هشام الجزء الاول صفحه ۲۹۹) یعنی : کسی از

ساختن دل از عقاید نادرست و اخلاق ناپسند این کار موثر نتواند بود دیگر آنکه روایت شده پیامبر بر بُراق سوار گشت و این نیز بعيد است زیرا که چون خدای تعالی پیامبر را ازاین جهان به عالم افلک سیر داد چه نیازی به بُراق داشت ؟ و دیگر اینکه در روایت آمده که خدای تعالی پنجاه نماز را فریضه ساخت سپس محمد (ص) چندان میان خدای تعالی و موسی (ع) رفت و آمد کرد تا به سبب مهربانی موسی (ع) پنجاه نماز به پنج نماز برگشت و قاضی گوید (ظاهرا مقصود قاضی عبدالجبار همدانی متوفی در سال ۴۰۲ هـ است) این امر مقتضی آنست که حکم خدا پیش از آنکه بمردم برسد نسخ کردد و این موجب بداء (۲۸) یعنی (تغییر مشیت الهی) میشود که بر خدای تعالی محال است بنابراین ثابت شد که حدیث مزبور چیزهایی را در بر دارد که پذیرش آنها روا نیست پس این حدیث مردود است (تفسیر مفاتیح الغیب) نا کفته نماند که اکثر علمای امامیه بر قول معراج جسمانی رفته‌اند .

. . . روش علمای مسلمین در روزگار قدیم بر این پایه استوار بوده که آثاری را با اسناد آنها در مجموعه هانی کرد میآورده و در دسترس اهل تحقیق قرار میدادند و کاهی خود نیز با نقد و تحقیق اثری را از میان آن اختیار میکردند (مانند تفسیر طبری) و احیانا در مقدمه کتاب ذکری ازاین مقوله بیان میآورند که آنچه در این مجموعه گردآوری شده برحسب نقل راویان است نه آنکه همگی با رأی مؤلف موافق باشد (مانند تاریخ طبری) .

. . . حافظ بن حجر (متوفی بسال ۸۵۲ هـ ق) در

قواعد زبان عرب درست نیست و کسی جرأت ندارد آنرا بزیان بیاورد .

بعضی از مولفین بهایی بدون توجه به نص ایقان شریف کلمه " ذلك " را در سوره بقره معنای " آن " گرفته و آیه را به کتاب بیان معطوف داشته اند (کتاب بشارات کتب آسمانی . . . تأییف جناب حسام نقابی نشر دوم صفحه ۲۲۸ ذیل بشارات متفرقه) که با توجه به صریح بیان مبارک در ایقان که " ذلك الكتاب " را معنی قرآن مجید گرفته اند مقبول بنظر نمیرسد .

۲۵ - مسجد الاقصی مسجد معروف و تاریخی بیت المقدس است ، ایضاً به خود بیت المقدس یا اورشلیم و همچنین به معبد سلیمان نیز اطلاق کردیده است و مسجدالحرام مسجدی است در مکه که خانه کعبه در آن قرار دارد به خود کعبه نیز اطلاق شده است (فرهنگ لغات منتخبه ص ۸۱۴) .

۲۶ - ادريس نامش در سوره های مریم و انبیاء قرآن کریم آمده است بفرموده حق اولین کسی است که تدریس حکمت نمود بقوله تعالی : " اول من تدرس بالحكمة هو ادريس لذا سمی بهذا الاسم و او را هرمس نیز گفته اند و در هر لسانی باسمی موسوم است و در هر فنی از فنون حکمت بیانات کافیه وافیه فرموده اند اقتدارات صفحه ۱۱۰ (مأخذ قبلی ص ۲۴) .

۲۷ - ابوجهل لقب عمر و بن هشام بن مغیره مخزومی است که از محترمین قريش و ملقب به ابوالحکم بود که چون با شریعت الله مخالفت ورزید و عداوتها نمود ابوجهل گردید و در واقعه بدر کشته شد (همانجا ص ۱۶) .

۲۸ - بدء از مسائل مسلمہ عنده الشیعه است . . . عامه و اهل سنت و جماعت به بدء قائل نیستند یعنی بدء را به معنایی که شیعه امامیه میکویند قبول ندارند شیعیان میکویند که ممکن است خداوند وعده ای بدهد و یا اراده اش بر چیزی در باره کسی تعلق گیرد و بعد از آن منصرف شود و بوعده وفا نکند . . . مانند وعده هائی که به حضرت نوح در باره نزول نصرت داد و چندین مرتبه بدء شد . . . فخرالدین رازی از علمای اهل سنت در باره بدء سخنی عجیب دارد و میکوید مسئله بدء بشرحی که شیعه معتقدند از ساخته های ائمه راضی هاست زیرا ائمه شیعه کاهی وعده ها به آنها میدادند و چون عملی نمیشد میگفتند بدء شد تا باینوسیله مقام خود را حفظ کنند و خلی در عقیده پیروان پیدا نشود (قاموس مختصر ایقان صفحه ۷ - ۸) ، لفظ بدء در قرآن کریم نیست و همچنانکه در ایقان شریف " نازل شده است در کتب و اخبار ذکر بدء آمده بطوریکه علامه کلینی در " اصول کافی " تحت عنوان باب البداء ۱۵ حدیث و علامه مجلسی در جلد دوم " بحارالانوار ، تعداد زیادی حدیث زیر

خاندان ای بکرما کفت که عائشه همسر پیامبر (ص) میگفت : پیکر رسول خدا (ص) ناپدید نشد ولیکن خدا روح آن حضرت را سیر داد و بر اکثر تفاسیر قرآن که می نگریم می بینیم همین قول را به گروهی از علمای اسلامی و مفسران قرآن نسبت داده اند مانند : تفسیر ابن جریر طبری و تفسیر قرطبی و تفسیر زمخشri و تفسیر فخر رازی و تفسیر بیضاوی و تفسیر شوکانی و تفسیر ابن کثیر و تفسیر شیخ طوسی و تفسیر شیخ طبرسی و تفسیر ابوالفتوح رازی و جز اینها (۲۹) . . . انتهی .

یادداشت ها و سایر منابع

۲۲ - در کتاب " سفينة البحار " در ذیل کلمه (ثقل) مطالبی مرقوم شده که مجمل آن بفارسی اینست : این اثیر فرموده است که : حضرت رسول عترت و قرآن را ثقل نامید . . . و در عرب هم چیز گرانبها و بلند مرتبه ای را که پر قیمت و نفیس باشد ثقيل می نامند حضرت رسول قرآن و عترت خود را ثقل نامید تا باینوسیله قدرت و منزلت آندو را آشکار فرماید (قاموس مختصر ایقان ص ۱۶۴) .

۲۳ - عترت عبارت از نسل شخص است . . . عترت رسول الله عبارت از اهل بیت او هستند که باو خیلی نزدیکند مانند فرزندان پیغمبر و حضرت علی و فرزندان علی و بعضی گفته اند که عترت رسول اقارب نزدیک او و اقارب دور او هستند و آنچه معروف و مشهور است اینست که زکات بر آنان حرام است و نمیتوانند از زکات اموال استفاده کنند (مأخذ قبلی ص ۱۶۴) .

۲۴ - ذلك با اینکه بمعنای " آن " است در " ایقان شریف " نیز مانند ترجمه های فارسی قرآن مجید به معنای " این " آمده و به قرآن معطوف شده است و شاید یکی از مواردی است که حضرت اعلی در مجلس ولیعهد در تبریز وقتی یکی از علماء بحکایت تاریخ نیبل -

حاضر در مجلس مزبور به بیان مبارک حضرت اعلی از نظر اعراب ایجاد کرد بدان اشاره نموده فرمودند در قرآن کریم سیصد موضع مشابه بیان آنحضرت وجود دارد که از نظر

بیدانک والقائد . . . در رساله ایام تسعه نشر ششم چاپ کلمات پرس ۱۲۹ بدیع صفحه ۴۰ - ۴۱ .

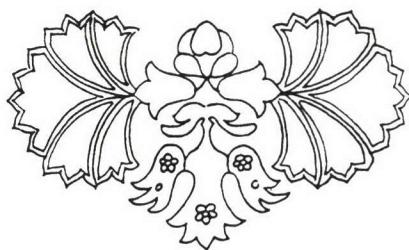
در زیارتname جمال قدم جل ذکره الاعظم نیز ذکر بداء شده است قوله الاحلى : . . . بل اشرق شموس القدم فی سماء القضاء و طلع جمال الغیب عن افق البداء . . . (همانجا صفحه ۲۲۸) .

۲۹ - به نقل از کتاب " خیانت در کزارش تاریخ " تأليف مصطفی حسینی طباطبائی جلد اول چاپ دوم پائیز ۶۲ چاپ چاپخش ص ۸۵ - ۶۰

جهت اطلاع خوانندگان گرامی

نظر باینکیه در شماره ۶۲ عنديب هنکام چاپ صفحه ۶۲ دو صفحه از مندرجات مقاله " آثار مبارکه بهانی در ارتباط با معجزات و خوارق عادات " از قلم افتاده و در تیجه مواضع آن صفحه با صفحه بعد قطع شده بود ضمن درج بخش دیگر آن مقاله قسمتی از متن و زیر نویس که قبل از چاپ شده بود لزوما در شماره ۶۲ مجله مجددا درج کردیده است .

ممکن است در صورت تصویب پیشنهاد مذبور را در ستون نامه های رسیده از خوانندگان بتقاضای این عبد در پاسخ بستوال آنان درج فرماید .
ارادتمند - گیو خاوری

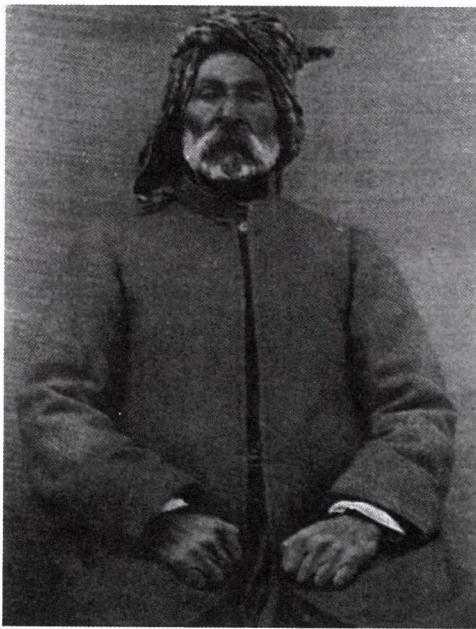


عنوان " باب البداء " آورده و انصراف حضرت امام جعفر صادق را از امامت فرزندش اسمعیل و انتصاب فرزند دیکرش امام موسی کاظم را بجای وی از مهمترین موارد بداء از جانب خداوند دانسته است جمال مبارک نیز در لوحی که در اول کتاب " اقتدارات " زیارت میشود داستان بداء در امامت اسمعیل را به روایت کلینی نقل فرموده اند علامه مجلسی در جلد دوم " بحار الانوار " سعی کرده است باستاناد آیات قرآن مجید صحّت بداء را برای اهل سنت و جماعت به ثبوت برساند از جمله به دعا و صدقه که دفع بلا میکند و به اخبار و احادیثی در این خصوص متولّ شده است . . . (قاموس ایقان ذیل عنوان بداء)

در کتاب " محاضرات " آمده است : . . . در تاریخ نبیل مسطور است که هیکل مبارک حضرت اعلی به اصحاب فرموده بودند که همه در کربلا جمع شوند و خود هیکل مبارک هم بنا بود بعد از حج بیت به کربلا بروند و لكن بداء شد و پس از حج به بوشهر مراجعت فرمودند . . . در ضمن آیاتی که در این خصوص پس از مراجعت از حج از قلم مبارک نازل شده سر این مطلب ذکر گردیده است این توقيع مبارک به لحن مناجات نازل شده به اعزاز ملا عبدالخالق است . . . سپس توقيع مبارک که بخط مبارک موجود است زینت بخش صفحات ۷۲۵ تا ۷۴۰ کتاب محاضرات شده که انصراف حضرت اعلی با این عبارات از ادامه سفر عزّ نزول یافته است : و انك لتعلم حکم ماقد سمعت فی ام القوى من جحد العلماء و لدك رجعت من قصدى ولم اسافر من هذا السبيل لتألا يقع فتنة ولايذل اهل طاعتك و لايرفع احد من راس احد شعرابظلم . . . " .

در این خصوص در مجله پیام بهانی چنین میخوانیم : . . . حضرت نقطه اولی هنوز در مدینه تشریف داشتند که واقعه گرفتاری ملاعی بسطامی در عراق به سمع مبارک رسید . . . اوضاع نابسامانی که بر علیه ملاعی در عراق پیش آمده بود آنچنان عرصه را بر بابی های آن حدود تنگ کرد که حضرت باب بنچار از آن سفر انصراف حاصل فرمودند و به حروف حی و احیانی که در راه بغداد بودند خبر دادند که به اصفهان مراجعت کنند .

در یک کتاب خطی از آثار مبارکه که تاریخ تحریر آن روز چهارشنبه چهاردهم ماه صفر سال ۱۲۶۲ است این عبارت را میخوانیم : " ظهور بداء پائزدهم جمادی الشایه سنه ۱۲۶۱ " و این بداء بمعنى انصراف حضرت اعلی از عزیمت به عراق میباشد . . . (پیام بهانی شماره ۱۸۲ صفحه ۲۰ مقاله تحت عنوان : سفر حضرت اعلی به حجاز " حضرت اعلی در مناجات دیکری نیز باین شرح ذکر بداء فرموده اند قوله تعالى . . . اللهم ائی معتقد بعدلک و بلانک . . . تا اینکه میفرمایند : . . . فائز علی النصر فی تلك الساعه



یادی از گذشتگان

شرح حال جمشید بهرام حسین آبادی (انوری)

جناب جمشید فرزند بهرام در سال ۱۸۶۶ میلادی در حسین آباد یکی از قراء رستاق یزد متولد گردید . از اوایل کودکی مانند نیاکانش بشغل زراعت و دامداری مشغول شد ولی چون از استعداد و هوش خدادادی برخوردار بود خواندن و نوشتمن را آموخت ، اوستا را بخوبی فرا گرفت و زندگانی خود را توسعه داد .

جمشید را احضار و میگوید برادرانت را خبرکن اینجا بیایند (بهرام ۷ پسر و یک دختر داشته پس از ساعتی ۷ بزادر در حضور پدر حاضر میشوند . از میهمان محترم خواهش می کند یکی از دعاها یش را بخواند . مناجات دیگری تلاوت می کند ، بهرام خطاب بفرزندانش می گوید ، من ستاره ریزان که علامت ظهور شاه بهرام موعود زرده شیان است بچشم خود دیده ام ، این دعاها کلام حضرت محمد نیست ، کلام شاه بهرام موعود ما است شما باید تحقیق کنید او را بیایید و بندگی را نیز بعرض برسانید زیرا مدت عمر من کوتاه است ، این آفا از پیروان شاه بهرام است ، صلاح نمیداند خود را معرفی کند ، بهرام بمدت قلیلی درگذشت .

در نهم شوال ۱۲۰۸ هجری قمری جمشید بهرام و نوشیروان مهریان شهدای سبعه یزد را بچشم خود دیدند . دریافتند دین جدیدی ظاهر شده به

طرز ایمان (نقل از تاریخ خطی میرزا قابل آباده ای) زمستان سال ۱۸۸۷ مردی مععم که بلباس اهل علم آراسته وارد محله زرده شیان حسین آباد رستاق میشود و در نزدیک جمشید که مشغول تهیه آذوقه برای گوسفندانش بوده کنار آفتاب می ایستد . ساعتی بعد جمشید ضمن خداحافظی اظهار میدارد در این ره کاروانسرا وجود ندارد . تازه واردین به مسجد و یا منزل کدخدا می روند ، ضمناً تعارف منزل خودش را نیز می کند و میگوید ما زرده شی هستیم ، میهمان محترم منزل جمشید را ترجیح میدهد ، او را منزل برده بپدرش که مشغول خواندن اوستا بوده معرفی مینماید .

بهرام پس از اتمام اوستا به میهمان خوش آمد میگوید ، او نیز با کسب اجازه از بهرام یک دعای خودش میخواند (یکی از مناجات های حضرت بهاء الله) مناجات در اعماق روح بهرام اثر می گذارد ، فوراً

یزدان فائز و بمحبت دلبر آسمانی افروخته و مشتعل ، لهذا سزاوار رعایتند و مستحق ظهور محبت من نیز گواهی این شخص آگاه را قبول نموده و بنگارش این نامه پرداختم و از خدا خواهم که دوستان پارسی روز بروز بر حقیقت پرستی بیفزایند و با جهانیان در نهایت محبت و راستی و دوستی معامله و رفتار نمایند تا موهبت الهی از هرجهت احاطه نماید و سبب ظهور کمالات موهوبه انسانی گردد و علیکم التحیته و الثناء

ع ع

جمشید بااتفاق دوستش نوشیروان مهریان در اوایل سال ۱۹۰۹ میلادی آهنگ کوی دوست نمودند و بفیض لقای حضرت عبدالبهاء مشرف گردیدند و در نوروز ۱۹۰۹ میلادی هنگام استقرار عرش مطهر حضرت اعلی در جبل کرمل سعادت حضور داشتند . روزی جمشید از محضر مبارک طلب تائید برای برادرانش مینماید لوح مبارک ذیل بافتخارشان عز نزول یافت .

بواسطه جناب جمشید بهرام زائر
جناب مهریان بهرام ، جناب اردشیر بهرام ، جناب نوش بهرام ، جناب خدارحم بهرام ، جناب خدامراد بهرام و خود جمشید بهرام

هوالله

ای دوستان راستان ، جناب جمشید وارد و نام برادران خویش برد و خواش یاد آن مستاقان کرد ، برادر باید چنین خوشرو و خوشخو و نازنین باشد که در چنین مقامی یاد برادران افتد و خواهش بخشش بی پایان نماید ، ای کاش هر برادری چنین بود . پس

تجارتخانه حاجی وکیل الدوله برای تحقیق رفتند ، آنها را بنزد ملا بهرام فرستادند . جمشید وصیت پدر را با برادران مذاکره و مرتبا بانو شیروان مهریان منزل ملا بهرام می رفتند و مذاکرات تبلیغی را بسمع برادران میرساند . در همان سال جمشید و دوستش بشرف ایمان فائز گردیدند . (تاریخ ظهور الحق جلد هشتم خیلی مختصر باین مطالب اشاره می کند) . در آن موقع حسین آباد یکی از مراکز بزرگ زرداشتیان در ناحیه رستاق یزد بود . جمشید پس از ایمان همت به تبلیغ برادران و منسوبین و دوستان زرداشتی نمود . برای این منظور خانه اش را مرکزیت برای اجتماع احباء و سکونت مبلغین آن زمان مانند حاجی محمد طاهر مالیری ، ملا بهرام اخترخاوری ، میرزا قابل آباده ای ، اخوان الصفا و نوش آبادی قرار داد . نه تنها بتدریج زرداشتیان حسین آباد (بغیر از یک خانواده) مؤمن شدند بلکه عده ای از مسلمانان از جمله ۲ ملا و روشه خوان آن دهات نیز ایمان آوردند .

در سال ۱۲۲۴ هجری قمری جناب مهریان خدابخش که بحضور حضرت عبدالبهاء مشرف بوده یاد دوستانش مینماید لوح مبارک ذیل بافتخارشان نازل گردید .

بواسطه زائر مهریان خدابخش بمبانی جناب جمشید بهرام ، جناب اردشیر بهرام و جناب داراب نوشیروان "

جمادی الاولی ۱۲۲۴

هوالله

ای یاران عزیز این عبد جناب زائر مهریان بدل و جان ستایش یاران نماید که آن نفوس بعرفان پاک

داستان (پیروزی بر اهربین)

روزی نماینده زردشتیان هند بنام پستنجی Pestanji بحسین آباد آمد و بمدرسه وارد شد . محتصلین باو الله ابهی کفتند ، پستنجی پرسید این اطفال سدره و کشته می پوشند باو گفته شد چون ما بهائی هستیم نه ، نماینده مزبور عصبانی شده و بانجمن زردشتیان یزد شکایت میکند ، انجمن زردشتیان جناب نوشیروان مهریان را دعوت بانجمن نموده و در آنجا هر سنوالی مطرح نمودند جواب کافی شنیدند ، در حین گفتگو دستور رستم تیرانداز بنای اعتراض و ناسراگوئی می نماید و چون اهانت بامر مبارک می نماید جناب نوشیروان باو یاد آور میشود که تو رهبر دینی هستی لذا باید رعایت ستایش انبیاء و بزرگان دین یار شود نه بنا بسراگوئی و ادامه میدهد که دو نفر حق حیات ندارند اول من که چرا دعوت شما را پذیرفتم و دوم دستور رستم تیرانداز که به پیامبر خدا ناسرا میگوید ، از جای خود بلند شده و بطرف دستور تیرانداز میرود که اورا گرفته و می نشانند ، بعداً به لحاظ حکمت بطرف انجمن زردشتیان طهران گزارشی تهیه و ارسال میدارند و چون منشی انجمن استاد جوانمرد شیرمرد در خفا مؤمن بوده لذا در گوشه آن گزارش می نویسد " جنگ دینی " روی این اصل انجمن زردشتیان طهران دستور میدهد وسائل آشتبی جمشید حسین آبادی فراهم شود که ارباب کیخسرو بانی دیبرستان کیخسروی بحسین آباد و عذرخواهی مینماید .

داستان زیر نقل از خاطرات جناب جمشید در مورد خواهرش بنام شیرین که دو سال از او بزرگتر بوده

شما بشکرانه این عطا دمدم برمحت و ولا بیفزاید و بیکدیگر ارتباط و انعطاف شدید حاصل نمائید تا حکم یک نفس یابید و نفسی بی رمنای یکدیگر بر نیارید ، برادر موافق عزیزترین آفاقست بجهان ارزد و همچنین ملاحظه کنید که کل مؤمنی و مؤمن و ثابتید و متحسن ، این نعمت عظمی اعظم عطیه حضرت کبیراست هر دم سزاوار هزار شکرانه است . جانتان خوش باد . ع ع

احبای الهی در آن هنگام فضل و عطا موقعیت را محترم شمرده خواسته های خود را معروض میداشتند که در پایان به نمونه های آن خاطرات اشاره میشود ضمناً عبودیت پدرش بهرام و وصیت آن مرحوم را معروض می دارد ، حضرت عبدالبهاء میفرمایند " او عندالله از مؤمنین محسوب است "

پس از مراجعت با روحی جدید قیام باجرای دستورات مبارک راجع بحظیرة القدس ، کلستان جاوید و حمام نمودند . بطوریکه در سال ۱۲۲۸ هجری قمری محفل روحانی حسین آباد را تشکیل دادند و اعضای آنرا کتاب ظهورالحق جلد هشتم اشاره مینماید . یکی دیگر از احبای الهی هنگام تشرف یادی از دوستانش مینماید قسمتی از لوح مبارک که مربوط به جشید بهرام حسین آبادی است ذکر میشود .

" چون بآن کشور رسی جناب آقا جمشید حسین آبادی را از قبل عبدالبهأ نهايت اشتياق ابلاغ دار و بگو ای جمشید اميدوارم که در بزم محتب الله وحيد و فريد گردي و در ميدان رزم روحانى جنود نفس و هوی را چنان در شکنی که جشن نوروزی بر پا شود و بر اهربین فيروزی یابی "

هواله

ای کنیز الهی شاد باش ، شاد باش که از این جهان
فانی آزادی و بدرگاه احادیث بی نیاز پر نیاز ، صد
هزار بانوهای عالم محروم شدند و تو محرم راز
گشته و با مرغان گلشن الهی همدم و همراز شدی
براز حضرت بی چون پی بردى وز عالم آسمانی راه
یافتی جانت خوش باد . ع ع

از فحوای لوح مبارک دریافتم خواهرم مؤمن است و
بزودی عالم فانی را وداع خواهد کفت ، بمحض مراجعت
از سفر ارض اقدس بدیدنش رفتم تنها بود پرسیدم
آیا تو بهانی هستی ، گفت بله ، پرسیدم چه کسی ترا
تبليغ کرده ، جواب داد موقعی که می‌آمدی با شوهرم
راجع به دیانت بهانی صحبت میکردی و دعا میخواندی
من از اطاق خودم گوش می‌دادم دریافتم اینها کلام
خداآنده است ایمان آوردم ولی جرأت اظهار بکسی
نداشتم ، خداوند بقلب من آگاه است . اظهار شد حال
که مؤمن هستی شاد باش که بزودی از سختی های
این زندگی خلاص می‌شوی ، سه دفعه لوح را برایش
خواندم بر دیده نهاد و بوسید بعد لوح را بمن داد تا
نگهداری کنم (اصل لوح در ایران بوده) .

فقط عمل پاک و خالی از ریا و تظاهر مقبول درگاه
الهی است .

هنگام استقرار عرش مطهر حضرت نقطه اولی جل اسمه
الاعلی در جبل رب جناب جمشید حضور داشتند .
ایشان در سال ۱۰۴ بدیع در سن ۸۲ سالگی از عالم
خاک بجهان پاک صعود نمود . و با احترام تمام
در کلستان جاوید حسین آباد دفن کردید .

بقیه در صفحه ۴۳

میباشد ، خواهرم پس از ازدواج از هر دو پا فلچ شد ،
شوهرش زردشتی بوده و از خواهرم مراقبت میکرده و
تا سال ۱۹۰۹ مؤمن نشده بود . موقع خداحافظی
خواهرم سه متر کرباس قهقهه ای رنگ کم ارزش که
خودش بافته بود در دستمال کوچکی بمن داد که
حضور مبارک حضرت مولی الوری تقدیم کنم .

از آنجا که در هندوستان عده ای بما ملحق شدند من
جمله خانمی متمول که هدیه های نفیسی در بقچه عالی
بسته و بدیشان داده بود ، لذا روز اول که هر کس
هدیه خود را روی میز گذاشت با خود فکر کردم این
هدیه ارزان قیمت کرباس یزدی را چگونه تقدیم کنم
، هیکل مبارک پس از اظهار عنایت بهمگی بیاناتی در
مورد عمل بهانی و امانت و صداقت بیان داشتند ،
احساس کردم که نظر اطهر مربوط به من است ، روز
بعد هنگام زیارت مشاهده شد که هدایا هنوز روی
میز است لذا هدیه خواهرم را روی میز گذاشت ، در
این هنگام عربی بدرب بیت مبارک آمد . حضرت
عبدالبهاء آن بقچه عالی که محتوى ساعت و دکمه های
طلاء بود بدون اینکه باز کنند عرب دادند پس از اتمام
بیانات مبارک آن کرباس هدیه خواهرم را برداشته
بخادم بیت فرمودند از این پارچه برای من قبا بدو زند
روزیکه حضرت عبدالبهاء آنرا پوشیده بودند بی
اختیار کردم که هدیه خواهرم مورد قبول واقع
شده وضع حالش را عرض مبارک رساندم دریای
رحمت الهی بجوش آمد و لوح ذیل بافتخارش نازل
گردید .

بواسطه جناب جمشید بهرام زانز
کنیز حق شیرین بهرام خواهر زانز

این غزل وقتی سروده شد که تلگراف حضرت ورقه مبارکه علیها مبنی بر قرائت الواح وصایا و معرفی مرکز ولایت عظمی واصل نشده بوده است.

شعر از ضیاء الله ندیمی

فرستنده بدیع الله ندیمی

۱) هوالمقصود)

موجب حکم الهی همه رفتار کنیم
خفتگان را بجهان هریک بیدارکنیم
بجفا کار کنیم آنچه که با یار کنیم
بیهشان را بدلائل همه هشیار کنیم
در جهان گوشزد خلق باصرار کنیم
راضی از خویش به دلجنونی ابرار کنیم
خدمت نوع بشر در همه اقطار کنیم
نوع انسان زحسد عاری و بیزار کنیم
زآتش عشق ، جهان را کره نار کنیم
بهر آسایش یار و دل اغیار کنیم
وانگهی هلهله در کوچه و بازار کنیم
غافلان آکه از این عصر پرانوار کنیم
بایدش داروی درد دل بیمار کنیم
باید از رحمت حق غبطة کلزار کنیم
باید از مهر و وفاداری بسیار کنیم
به بود پیشه خود نیکی کردار کنیم
که ز خدمت بتوان خود را سردار کنیم
حق نبینیم مگر بندگی یار کنیم

ای ضیا در غم جانان چقدر ناله کنی
وقت آنست که جان در رهش ایثار کنیم

وقت آنست بجان خدمت دلدار کنیم
وقت آنست پس از هجرت محبوب ام
وقت آنست بفرموده آن مرکز عهد
وقت آنست که ما رحمت آفاق شویم
وقت آنست تعالیم بهاء الله را
وقت آنست که آن منشعب از اصل قدیم
وقت آنست که در وحدت عالم کوشیم
وقت آنست که صرف محبت گردیم
وقت آنست که شعله در آفاق زنیم
وقت آنست که همواره قیام از دل و جان
وقت آنست که نوشیم می از جام الست
وقت آنست در این دور محبت ز وفا
این جهان گشته مریض و تعالیم بهاء
کلخن پر خس و خاشاک در این عالم خاک
علم صلح و صفا در همه آفاق بلند
ما در این راه ز کفتار بجانی نرسیم
مرکز عهد جهان را بدلالت فرمود
گل نچینیم مگر زحمتی از خار بریم

ندای دوست

خورشید خنده کنان و بی پروا در درون اتاق پرتو افشاری می کرد و با گرمی خود خواب از دیدگانم ربود .
چشمانم را خواب آلوده کشودم و از تماشای چنین صبح دلفریبی چشم روشن و جانم تازه شد . اما شوق و لذت
این آرامش چندان نپائید ، چه که ساعت باز با صدای خود اظهار وجود نمود و مرا سراسیمه از بستر بیرون کرد .
چنان عجله و شتابی برای فرار از خانه داشتم که اگر کسی در آن لحظه مرا می دید بی شک کمان میکرد اتفاق غیر
متربقه ای رخ داده ، اما حقیقت مطلب غیر از این بود و آن روز و روزهای دیگر به دنبال این دنیا و شئون
مادیش کمی تأخیر داشتم خود را چون آزاد از محیط تنگ و مغشوش خانه یافتم ، آزادانه در فضای باز خیابان به
راه خود ادامه دادم ، روحم از نسیم خوش صحکاهی که با آهنگ لطیف پرندگان توأم شده بود و از نوای چنین
موسیقی بیهشتی ، درختان به رقص آمده بودند پر کشید و مغزمن فرصت تفکر یافت .

آری باز صدای دوست درونیم بود که مرا از اعماق وجودم با قدرتی با شکوه که از عالم بالا الهام می کرفت به کوش دلم ندا میداد ، گوئی نغمه این پرنده خوش آوا به این ابیات گویا بود :

زده ایدل که دکر باد صبا باز آمد
ر کش ای منغ سحر نغمه داودی باز

تو ای دوست من ، حال بهار روحانی فرا رسیده است ، ساز و آوایت کو ؟ دم عشق حیات می بخشد ، معشوق
جلوه کرده است ، نقاب از رخ بر کشیده و طلب عشاق می نماید ، عاشقان کویش سراز پا نشناسند و جان بر کف
آهنگ فدا می ، نوازنده و زیان حالشان گویای این کلمات درزیات است

«عاشق صادق را حیات در وصال است و موت در فراق ، صدرشان از صبر خالی و قلوبشان از اصطبار مقدس، از صد هزار جان در گذرند و یکوی جانان شتایند . »

پس تو ای دوست من در این بهار روحانی چون آن پرندۀ نغمه سرا از عشق کل روی محبوب نغمه شادی سرکن تا
جانهای پاک آهنگ آشنا به کوش هوش بشنوند و قصد کوی آن دلبر یکتا نمایند . اکنون در این بهار روحانی و
ابن موسی ربع حمانه با مولانیان هم آواز شو و به این ترانه دمساز :

اگر در این بزم کف نزنی ، دف نزنی ، آواز نخوانی و شهناز بلند نکنی دیگر در چه موقع مخمور و مست گردی .

عشق و عرفان

یاران عزیز :

شدر خشک سکوت ،
برد از خاطره ها یاد مرا ،
چشمہ نوش و دل شاد مرا !
دیگرم راهی نیست
ناله و آهی نیست !
ناکهان می شکند
خلاء سرد سکوت ،
میوزد نجوانی
از وراء بر هوت ،
این صدا چیست مکر ؟
چه پیامی دارد ؟
باد . . . باد . . . ابر . . . ابر . . .
باد . . . باد . . . ابر . . . ابر . . .
در ته نومیدی ،
برق امید به دل موج زند !
آری ای دوست من !
چون مه و ابر و بخار
باید تا بپری
چون عقابی پر تیز
جسم خود مسخ کنی
جسته بر سر سر جادوئی باد
سرکشی بر صحرا ، در جوار کهسار
تازه و سرد فروض آئی و بانغمه عشق
مرغ زرین ترانه ز دهان بکشانی
همره باد صبا
مست از هلله ها
رو به دریای شکرف
تن به خم های بزرگ !
برکه ای در دل کوه
چشمہ ای شاد و روان !
نغمه ای تازه و نو ،
زندگی از آغاز

به کفته جمال قدم " سالک منقطع را اکر
اعانت غیبی برسد و ولی امر مدد فرماید هفت وادی
عشق را در هفت قدم ، بلکه در هفت نفس یا یک
نفس طی نماید "
امیدوارم این گفتار مختصر نیز با تأییدات حضرت
عبدالیهاء همکی ما را در مسیر وادی عشق رهبری
کند . همانطور که به تجربه ثابت شده است بحث در
این مسائل از راه شعر و اشاره و کنایه آسان تر است
و بنده نیز با قطعه شعری که در مورد عشق و عرفان
سروده ام بیان خود را آغاز میکنم :

رود پیر و صحرا

رود پیرم که به صحرای عدم رو دارم
روز و شب در طلب زنده شدن
با تن خسته تکاپو دارم
غرشم سرده شده ، سینه پر درد شده ،
رو به کهسار بلند
لب صحرای بزرگ
در تمنای وصال ، در تمنای حیات :
آه بگداخته ام

جان خود باخته ام ،
دیگرم پانی نیست ، خبر از جانی نیست !
چون ستون مرداب ، تشنه لب این صحرا ،
همه خالک و شن و سنگ ،
جان من می مکد و بی پروا
سوی نابودی و مرگ ، میبرد جسم مرا !
عرق خشک و لجن آسوده ،
شکم پر ترک عقرب و مار ،
استخوان های سقوط ،

سوق میدهد . ممکن است بپرسید امروز و در این هنگام از چه عشق و چه عرفانی سخن میگوییم ، گویند در زمانهای قدیم دختر پادشاهی را سه عاشق محبوب بود و چون یارای انتخاب بین آنان را نداشت بمرض دق کرفتار و بمرد قبل از مراسم دفن یکی از عاشق بزاری از پدر او خواست تا ۴۰ روز به او مهلت دهدند تا با روزه و مناجات زندگی مجدد معشوق را از حق تعالی باز خواهد .

عاشق دوم ۴۰ روز فرصت خواست تا به هند و ساحل رود گنگ برود و با باز آوردن آب حیات بخش آن شوینده کناهان ، باردیگر شعله زندگی در معشوق برافرورد .

سومی بزاری و التهاب درخواست که نزد جسد محبوب بماند و از او محافظت کند تا دیگران برگردند . وقتی دو عاشق دیگر برگشتند و معجزه آسا طیر روح را به جسم مرده معشوق باز کردند این بار دیگر شک و تردیدی در انتخاب یار نداشت فکر میکنید کدام یک از سه عاشق خود را به یاری گرفت ؟ آری عزیزان "عاشق صادق را حیات در وصال است و موت در فراق "

ما بهانیان وراث بزرگترین پدیده تاریخی رشد روح بشر هستیم ، حضرت بهاء الله ما را به "مجاهدین کعبه فنا و سالکین بحر قرب و وصال " لقب داده اند . در دوره ای پا به این جهان گذاشته ایم که ۶ هزار سال جانبازی عاشقان محبوبیکتا زمینه را برای ظهور موعود ام و یوم الله ، ایام بلوغ معنوی انسان آماده کرده اند .

به ما صریحا گفته شده است که سوداثی و سرگشته

با سروی ابدی ،
در فنا زنده شدن
در فنا زنده شدن !

در افسانه کهن بریها دارانیاکا از هند قدیم چنین آمده است که روزی همه انسان ها و اجنه و شیاطین و الهکان زمینی رو به آفریننده بزرگ کرده و از او میخواهند تا با آنان صحبت بدارد ، مسیر زندگیشان را مشخص کند و به یک زبان میگویند :
بارالها چه کنیم ؟

تندری به خوش میآید و میگوید دا ... و بعد خاموشی محس همه جا را فرا میگیرد .

همه میدانند که آفریننده سخن گفته است ولی هر یک از آن کروه پاسخ خالق را به کونه ای معنی میکنند : یکی میگوید آفریننده گفت دادا یعنی به بخش و غم خوار دیگران باش .

دیگری میگوید آفریننده گفت دا میاتا یعنی به درون خود بنگر .

سومی میگوید آفریننده گفت دا یا دوام یعنی به "مرا بجوی "

از آن روز تا کنون در طی این چندین هزار سال تاریخ مفهوم عشق و عرفان الهی تغییری نکرده است . هنوز همان بخشش و غمخواری و درون نکری و جستجوی محبوب ازلى هدف اصلی روان انسان است . عشق و عرفان خالق هنوز بزرگترین قدرت محرك روح انسان و همان نیروی است که در جستجوی وصال ، انیس محبوب را پاپای نیز اعلى به خاک و خون میکشد و ذبیح و بدیع و ورقا را به قربانگاه عشق

زندگی ما را زیر و رو کند .

متاسفانه همگی این روش ها بی اثرند و مالا به مرگ جامعه یا روح انسان می انجامند تنها راه نجات یک روح راکد و بی تحرک خلق و تولدی است جدید و این خلق جدید فقط وقتی امکان پذیر است که انسان در ابتدا به یک حالت انقطاع صرف دست یابد . ملاحظه بفرماناید که یک دانشمند و فیلسوف بزرگ تاریخ از انقطاع صحبت میکند !

حضرت یهاء الله میفرمایند: « سالکین سبیل ایمان و طالبین کؤس ایقان باید نفس خود را از جمیع شنونات عرضیه پاک و مقدس نمایند تا آنکه قابل تجلیات اشرافات شموس علم و عرفان الهی و محل تظهورات فیوضات غیب نامتناهی گرددن ».

مسخ روانی ، تغییر شکل و استحاله انسان فقط بدنبال این انقطاع محض امکان پذیر است و لازم است که بتوانیم توجه خود را از ظاهر به معنی ، از برون بدرون و از فانی به باقی بکشانیم .

بازگشت از نومیدی و افسردگی سرزمین بیحاصل مادیات و ورود به دنیای پایان ناپذیر عشق و ایمان دارای دو مرحله است :

۱ - ورود به چاه بدیختی ، مذلت و گمراهی که این عالم فرعونی است .

۲ - دخول در عالم قُرب و وصال .

طی این مرحله رشد روح ، هدف اصلی و نهانی همه ادیان مقتسه جهانی و اساس عشق و عرفان بوده و هست .

« ای دوست از نفس بیگانه شو تابهیگانه بی بروی » ولی رفتن به این دنیای درون ، بستن یک چشم و

شهرهای طلب و عشقیم و قدم در راه حصول عرفان و توحید ، استغناه و حیرت و فنا گذاشته ایم ما نیز چون دختر پادشاه مذکور سه عاشق دل داده داریم ولی بکدام رو می آوریم آیا فدانی عشوق مادی و حیوانی و جسمی خود میشویم و یا در بحر عشوق حقیقی و عقلانی خود فرو میرویم و هدّه وار بدنبال سلیمان عشق ازلی پرواز میکنیم عشقی که مرده و زنده نمی شناسد و همیشه با ما و درون قلب ما است ؟ بما گفته اند که سفرمان از مسکن خاکی به وطن الهی و بحر قرب و وصال همان سفری است که در طی قرون و اعصار برای عارفان و سالکان و قهرمانان و مقدّسین جهان ذکر شده است . سفر به قیامت و تجدید حیات ! زنده شدن در فنای محض ، ولی ما چه ، میکنیم ؟

توبین بی ، در کتاب بررسی تاریخ ، در باره احساس رخوت و رکود ، فقدان رشد و تحرک جوامع انسانی مطالبی ذکر کرده است که در مورد فرد فرد انسان ها نیز صادق است .

وی مینویسد که در مواجهه با رکود روانی ، گاه به روش های بازگشت طلبانه و قهرمانی دست میزئیم و فکر میکنیم که با بازگشت به روزهای خوش قدیم گاه حتی تا قرنهای گذشته ، سعادت مفقود را بدست خواهیم آورد .

گاه به وصله کردن اضطراری پارگی ها دست زده و فکر میکنیم با گچکاری و سیمان کاری ترک های یک ساختمان میتوان از سقوط آن جلوگیری نمود .

گاه به تخیلات شاعرانه دست زده در فکر خود مدینه فاضله میسازیم و به امید معجزه ای می نشینیم که

دروغگونی و تزویر به مجازات شدیدی محکوم شد . خدایان به او فرزندی دادند بنام مینوتور که غول بی شاخ و دمی بسیار نیرومند بود و از کشتن و خوردن بچه های نوزاد تغذیه میکرد مینوس از وحشت اینکه پسر غول آسایش همه نوزادان مملکت را بهلاکت رساند با مشورت علماء دربار یک لایبرنت پیچ در پیچ بزرگ بنا کرد که هر کس بدرون آن میرفت دیگر راه خروج نداشت . با حیله گری و تزویر توانستند مینوتور را بدرون این لایبرنت فرستاده و زندانی کنند . متنهی چون پدرش مینوس نمیتوانست ناظر مرگ فرزند از گرسنگی باشد شروع به لشکر کشی به کشورهای مجاور کرد تا نوزادان آنها را دستگیر کرده و برای تغذیه فرزند به کرت برگرداند .

در یونان وقتی مردم از دست ظلم و جنایات مینوس به سته آمدنده قهرمان معروف خود تزيوس را به کرت فرستادند که وارد لایبرنت شده مینوتور را به قتل برساند . ترس تزيوس از این بود که وقتی وارد لایبرنت شد برای ابد در آن بماند و در آن زندان گمراهی بمیرد . ولی ناجی او آريادنه که خود دختر مینوس بود قرقره نخی را بدست او سپرد که وقتی وارد لایبرنت شد با خود حمل کند و پس از کشتن مینوتور سر نخ را دنبال کند و از لایبرنت خارج شود . آريادنه دیگر سر نخ را بدست گرفت تا مسیر صحیح خروج از لایبرنت را به محبوب نشان دهد .

یاران عزیز : رویا و داستانی که ذکر کردم هر دو نمونه هائی اشاره ای از پدیده عشق و عرفان ، انقطاع ، رفتن بدرون ، مواجه با مرگ ، مردن از یک شکل و زنده شدن در شکل دیگر است .

گشودن چشم دیگر کار سهلی نیست همیشه دشوار و دردناک بوده و هست !

در این دنیای بصیرت درون نه تنها همه استعدادات ذاتی خود را برای زنده شدن در مظهر امر و رسیدن به قیامت وصال حفظ میکنیم بلکه همه ترس ها ، نابسامانیها ، ناپاکیها ، شیاطین و اجهنه ناپاکار و اسرار و دروغهای ناگفته را نیز به زندان کشیده ایم .

این ماز سر بگم و پرپیچ و خم درون در اسطوره های سراسر جهان سرچشمه داستانهای بیشماری درمورد غرق شدن ، گمراهی ، ضلالت ، مرگ و نابودی و زنده شدن مجدد یا وصول قیامت بوده و هست .

بگذارید دو نمونه از این داستانها را از دنیای امروز و دنیای اسطوره ای هزاران سال قبل با شما در میان بگذارم .

۱ - یکی از بیمارانم در رویا دیده بود که در گنداب رو پر لجنی قدم میزد لحظه به لحظه عمیق تر و عمیق تر در کل و لای و لجن فرو میرفت . در طرف راست ، گنداب چشمی ای زلال و شفاف جریان داشت و آرزوی بیمار آن بود که از لجن رها شده و به چشمی حیات بخش مجاور دست یابد ولی متأسفانه هرچه بیشتر سعی در خلاصی خود میکرد بیشتر فرو میرفت تا اینکه پیرمردی نورانی در رویا ظاهر شد و به او چهار پایه ای ارائه کرد تا روی آن قدم گذارد و خود را از غرق شدن و مرگ حتمی نجات دهد . وقتی به چشمی شفاف مجاور رسید در خواب احساس لذت بی پایان و زنده شدن مجدد داشت .

۲ - در داستان معروف مینوتور چنین آمده است که امپراطور کرت مینوس به علت نافرمانی از خدایان و

فی الجمله هرآنکس که دراین خانه رهی یافت
سلطان زمینست و سلیمان زمانه است

وقتی خود را دراین خانه میثاق و یا وادی مظهر امر
می بینیم وحدت و یگانگی عجیبی در سه مرحله و سه
مقام روحانی انسان مشاهده میکنیم .

اینکار البته از همه کس بر نمی آید . پشت پا زدن به
دارانی و امکانات و قدم به سیر حق گذاشتن فقط در
هنگام حصول توحید در مقامات سه کانه رشد روح و
رسیدن به فنا مخصوص امکان پذیر است . انسان از
بین سه معشوق خود محبوب از لی را میگزیند و همه
چیز را در طبق اخلاص تقدیم میکند .

عشق او عشقی است واقعی و صمیمی جوشش دل است
به اشتیاق دیدار محبوب جام جهان نمای من روی
طرب فرازی تست گرچه حقیقت من است جام جهان
نمای توانست . این عشق مانند عشقه است کیا اصلی
را زرد و خشک میکند .

عاشقان را شادمانی و غم اوست

دست مزد و اجرت خدمت هم اوست
عشق آن شعله است کاو چون برفروخت

هرچه جز معشوق باقی جمله سوخت
در آثار جمالقدم وجه امتیاز انسان امروزی از سایر
کائنات همین قابلیت عرفان و عشق به مظهر امر است
که در روح ما چنین سخت بنیاد گرفته است .
به جز این عشق و عرفان چیز دیگری نیاز نداریم .
بجوشید بجوشید که ما بحر شعاریم
بجز عشق بجز عشق دگر کار نداریم

در دیانت مسیح با وجود استغراق و فنا تام در
وجود مسیح که به حیات زاهد روحانی جنبه عرفان می
بخشد ، توبه و عزلت و گریه و پاکی از آلایشهاي
جهان یعنی ترك دنيا برای تعلق به مسیح توصیه شده
است .

در برخی از آثار عرفای اسلام تکیه روی مکائنه و
شهود یعنی جدا شدن از محسوسات و توسل به درون
بینی بیان شده است .

عارف باید با فقر و مذلت و تنہانی و گرسنگی در راه
رسیدن به عشق و شور و مستی چون مرده ای در
دست پیر قرار بگیرد و با راهنمایی پیر خود همراه با
زهد و رضا ترس و رجا و انس و یقین مآلأ به فنا
فی الرسول و فنا فی الله دست یابد .

در دیانت مقدس بهانی رسیدن به مرحله فنا مخصوص
یعنی وادی هفتم مسیر سالک ، هدف نهانی و اصلی
عرفان ذکر شده است ولی تنها شرط لازم آن شناسانی
مظہر امر است .

تا بر سر کوی عشق تو منزل ما است
سر دو جهان به جمله کشف دل ما است
و آنجا که قدمکاه دل مقبل ما است

مطلوب همه جهانیان حاصل ما است

رسیدن به این وادی یعنی عرفان مظہر امر ما سالکان
بجز قرب و وصال را بی آنکه زحمتی کشیده باشیم از
پستی و ذلت دنیای جسم به سلطنت سلیمانی فنا
میکشاند .

این خانه که پیوسته درو بانگ و چغانه است
از خواجه بپرسید که این خانه چه خانه است

دراین خاک دراین خاک دراین مزرعه پاک
بجز مهر بجز عشق دگر تخم نکاریم
شمره این عشق و عرفان رضایت به رضای حق ، قدم
به طبق اخلاق کذاشتن و ایثار و فدایکاری است .
» ای برادر من قلب لطیف بمنزله آئینه است ، آنرا به
صیقل حب و انقطاع از ماسوی الله پاک کن تا آفتاب
حقیقی در آن جلوه نماید . «

یاران عزیز :

سالکین بجز قرب و وصال !

اکنون که سوار بر مرکب صبر ، یعقوب وار در طلب
یوسف عشق قدم میزینیم و کمر به خدمت امرش بسته
ایم و جز شمار آنچه هست برای چشیدن شهد وصلش
آرزوی نداریم ، همتی و باز همتی تا سرهاییمان قابل
کمند دوست گردد و دلها مقبول راه عشق .
نعمت و عزت ابدی ما زنده شدن به مانده الهیه عشق
و عرفان ، چشیدن از آب روضه رضوان است ، چه
سعادتی که خندگ بلای نامتناهی را سینه ای منیر
گردیم و تیر قضای الهی را د پرسوز و درد .

ای خوشایرانه جان در راه جانان باختن
بی تکلف سر به زیر پای یارانداختن
آتشی در سینه از عشق رخش افروختن
وندر آن آتش سراپا سوختن بگداختن
در همه بوم و بری فریاد یا الهی زدن
ولوله از نام حق در هر دیار انداختن

خوشبختانه دست قدرت الهی ما را هرگز بحال خود
رها نکرده و همواره چون آریادنه ناجی ، سرنخ خروج
از مازهای ضلالت و گمراهی را بدستمان داده است .
هدایت الهی و عنایات رحمانی همواره ما را بواسطه
روزیا و اشراق و جذبه و شوق بدنیای عشق و عرفان
لایزاله راهنمایی می نماید ..

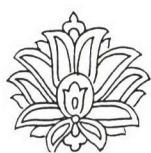
دیر یا زود اهل بهاء متوجه میشوند که هریک شمس
سماء قدس لایزاله و با کاشتن گل عشق در روضه
قلب مقامات روحانیه فائز میشوند .

تخمهای عرفان و عشق محبوب ازی در قلب ما عیقا
کاشته شده اند .

نیمکره راست مغزمان که مسئول فعالیت های روحی و
اشرافات و عواطف و احساسات میباشدند .

عرفان قدرتی است که ما را به ترك رسوم ظاهری و
قشری واداشته به تمسک عشق الهی و گرایش به عالم
درون میکشاند . عرفان چاره ای جز احساس رابطه
مستقیم با وجود مطلق خالق باقی نمیکذارد . عرفان نه
تنها اندیشه روحانی است بلکه تجربه ایست پرشور و
غیر قابل توصیف با کلام .

تاریخ همه ادیان جهان وجود عمیق عرفان و عشق به
محبوب ازی را منعکس میکند . در مجموعه اوپانیشاد
و در حکمت و داتتا ی هند برهمتان روح انسان یا
Atma را نفحه حیات دانسته و از شمس حقیقت یا
برهمای جدا نمی دانند . آنها برای رسیدن به محبوب
جهان و مکافته و شهود و اشراق جز تصفیه وجود از
آلیشهای جسمانی ، ریاضت و فقر و تجرد راهی نمی یابند .
در دیانت بودا برای تذهیب و تخریب نفس عماره یا
من بودن چاره ای جز تخلق به اخلاق درویشی پشمینه



مینا سنایی

مختلف جهان در جولای گذشته در قاره آسیا گرد هم آمدند . خوانندگان و گردانندگان این گروه از ۱۶ کشور مختلف جهان می آیند . این گروه مرکب از ۴۲ نفر می باشد و آقای تام پرایس Mr. Tom Price رهبری ایشان را بعده دارند . در برنامه های این گروه در مالزی و سنگاپور بیش از ۱۰۰۰ نفر و در مانیلا ، کره و تایوان بین ۶۰۰ تا ۸۰۰ نفر شرکت کردند (از جمله نکات قابل ذکر در مورد این برنامه ها این است که در صد قابل ملاحظه ای از شرکت کنندگان در این کنسرت ها را افراد غیر بهانی تشکیل میدادند . در میان شرکت کنندگان افراد برجسته از جمله شهردارها ، وزراء ، سفرا ، پروفسورها و موسیقی دانان بچشم می خوردند . توجه نمایندگان ارتباطات جمعی ، خبرنگاران و فیلمبرداران نیز به این گروه قابل ذکر است . مصاحبات رادیوئی و تلویزیونی با ایشان انجام گرفت و مقالات مختلفه در مورد این گروه نگاشته شد . گردانندگان این گروه در نظر دارند هر سال ۲ یا سه کنسرت مشابه تشکیل دهند.

شیلی :

در یک گرد هم آنی معلمین برنامه تحصیلی بهانی را که به تصویب وزارت آموزش و پرورش آن کشور رسیده مورد بررسی قرار دادند ۱۶ نفر از احباب در ششمین جلسه معلمین که در ماه سپتامبر گذشته در مؤسسه بهانی کالتک Caltak تشکیل شد شرکت کرده و پیشرفت نقشه چهارساله را مورد مطالعه قرار دادند . جلسه فوق بخشی از وقت خود را صرف بررسی برنامه تحصیلی بهانی نمود که از طرف وزارت

اخبار و بشارات امریکه

ترجمه و اقتباس از اخبار بین المللی بهانی

اسفار بین المللی حضرت امة البهاء روحیه خانم

ایادی عزیز امراض الله در طول سفر خود به کشور لوگزامبرک با یاران آن سامان ملاقات و ایشان را به تبلیغ امراض الله تشویق نمودند

بیش از ۲۲۰ نفر از احباء لوگزامبرک و کشورهای همجوار بلژیک ، فرانسه و آلمان برای خوش آمد گوئی به این میهمان عزیز در روز ۱۸ اکست دور هم گرد آمدند . در ابتدای جلسه الواح الهی بالسنّة لوگزامبرگ انگلیسی و فارسی تلاوت شد سپس گروه کُر لوگزامبرگ برنامه مخصوصی اجراه نمودند . حضرت روحیه خانم در ضمن سخنان خود به اهمیت دوره ای که در آن زندگی میکنیم اشاره فرمودند . دوره ای چنین نزدیک به پایان قرن بیستم ، که در آن صلح اصغر که حضرت عبدالبهاء استقرار آنرا به جهانیان و عده داده اند به تحقق خواهد پیوست ، امة البهاء یکبار دیگر با مهریانی و ملاطفت اهمیت حیاتی ابلاغ کلمه الله و رساندن پیام حضرت بهاء الله را به کوش مردم جهان یادآوری فرمودند .

قاره آسیا :

برنامه های گروه کُر " آوای بها " با موفقیت چشمگیری رویرو شد . گروه کُر " آوای بها " که اعضاء آن از کشورهای مختلف عالم گرد هم جمع شده اند و ازین نظر در جهان بی نظیر میباشد برای شروع سفر خود به هشت کشور

خوشوقتی متوجه شدند که آقای فریبرز صهبا آرشیتکت بناء نیز در محل هستند که با ایشان مصاحبات رادیونی و تلویزیونی انجام گرفت .

استرالیا :

برنامه تبلیغی جوانان شامل درختکار ، برنامه تفریحی و پاکسازی محیط زیست بود . ۲۶ جوان و عده ای از بزرگسالان در پروژه تبلیغی مارشاروت که از ۲۴ تا ۲۸ سپتامبر گذشته در شهر گیلانگ Geelong ایالت ویکتوریا Victoria تشکیل شد شرکت کردند . پروژه فوق به همت و ابتکار شاگردان سال ۱۱ و ۱۲ درس اخلاق شهر هایدلبرگ Heidelberg و معلم ایشان تهیه و تنظیم شده بود در طول این برنامه تعداد ۴۰۰ درخت کاشته شد و بیش از ده هزار اوراق تبلیغی بین مردم توزیع گردید .

یوکرین :

احباء منطقه ضمن شرکت در جلسه گروه ادیان مختلفه یادآور شدند که هدف غائی و نهائی ادیان وحدت و صلح بین افراد بشر میباشد . اعضاء جامعه بهائی جرنوفتسی Chernovtsy از طرف شهردار شهر دعوت شدند تا در جلسه گروه ادیان مختلفه شرکت نمایند . شهردار ضمن سخنان خود باهمیت وحدت ادیان اشاره نمود . تشکیل چنین جلسات در یوکرین از اهمیت زیادی برخوردار است زیرا تضاد و کشمکش شدیدی بین شعب مختلف دیانت مسیحی در این منطقه وجود دارد . دو نفر ناطقین بهائی که در این جلسه سخنانی ایراد نمودند خاطرنشان کردند که هدف اصلی و نهائی ادیان الهی استقرار وحدت ، یگانگی و صلح و دوستی بین افراد

آموزش و پرورش کشور شیلی جهت تدریس در مدارس بهائی و غیر بهائی آن کشور به تصویب رسیده است . از طریق این برنامه کلمه الله نه تنها به دانش آموزان ابلاغ خواهد شد . بلکه مسئولین امر ، معلمین و والدین نیز از تعالیم این امر اعظم مطلع خواهند شد .

هندوستان :

اقبال بیش از ۲۴۰۰ نفر به دیانت بهائی در طول یک پروژه تبلیغی ۹ روزه ، در طول یک پروژه ۹ روزه تبلیغی که بوسیله ۹ محفل روحانی محلی در ایالت تریپورا Tripura ترتیب داده شده بود بیش از ۵۰ نفر از شرکت کنندگان به ۱۱ گروه مختلف تقسیم شده در اقصی نقاط آن ایالت به تبلیغ امرالله پرداخته پیام هستی بخش حضرت بهاء الله را بگوش مردم رساندند . این گروه با اطمینان از ادعیه مخصوصه بیت العدل اعظم الهی در حق این ایالت در طول پروژه با بیش از ۵۰۰۰ نفر در مورد دیانت بهائی صحبت نمودند که از میان ایشان ۲۴۷۹ نفر به امر الهی ایمان آوردهند .

سالروز تولد حضرت بهاء الله با گروه نور و

جلسه دعای عمومی برگزار گردید .

غروب روز ۱۱ نوامبر سالروز تولد حضرت بهاء الله با یک جلسه دعا که برای اولین بار شرکت در آن برای عموم آزاد بود ، در مشرق الاذکار دهلي برگزار گردید . جهت تزئین راهروی منتهی به ساختمان مشرق الاذکار ششصد کیلو گرم کل سفارش داده شده بود ، و سه هزار چراغ علاوه بر چراغهای موجود در محل نصب گردیده بود . ارباب جراند خبرنگاران و فیلمبرداران از بعد از ظهر در محل حضور داشتند و در کمال

بخوبی واقف بودند که بهترین هدیه آنها برای قبایل سر راه پیام حضرت بهاء الله خواهد بود . به تجربه به ایشان ثابت شده بود که وحدت و هماهنگی و از خود کذشتگی موجود در فیله هرکز قبل از پیوستن در زمرة پیروان جمال قدم ، در بین افراد وجود نداشته است روزا و سکنه ۸ قبیله با روی باز دعوت ایشان را برای شرکت در جلسات منعقده در استیتو کانایا پذیرفتند . این برنامه با چنان موقیتی روبرو گردید که این دو بهانی تصمیم گرفتند به این طریق ابتکاری به تبلیغ ادامه دهند و باین ترتیب پیام حضرت بهاء الله را به تمام قبایل همگوار برسانند .

قراقستان و تاجیکستان

احباء الهی با استفاده از موسیقی اصیل ایرانی به تبلیغ امرالله پرداختند .
چهار نفر از جوانان ساکن اروپا ، زینوس و کیانوش کوچک زاده و مسعود مازگانی از کشور هلند و کمال مظلومی از آلمان یک گروه موسیقی تشکیل داده برای تبلیغ امرالله به قراقستان و تاجیکستان سفر نمودند . در قراقستان یک مصاحبه رادیونی با این گروه انجام گرفت و در تاجیکستان هفت مصاحبه تلویزیونی و شش مصاحبه رادیونی داشتند .

ایتالیا :

در طول جلسه ای که بمناسبت بزرگداشت روز تولد حضرت بهاء الله تشکیل شده بود دو نفر به امرالله اقبال نمودند . احباء جامعه بهانی مالتا Malta میزبان جلسه ای بسیار روحانی بودند که بمناسبت سالگرد تولد حضرت بهاء الله در روز ۱۱ نوامبر تشکیل شده بود . تعداد زیادی از افراد غیر بهانی

بشر میباشد . متعاقبا در یکی از روزنامه های منطقه مقاله ای در مورد این جلسه بچاپ رسید که در آن ذکر شده بود تنها دیانت بهانی به صاحب نظران مسیحی یاد آور شد که وحدت و بگانگی تنها هدف ادیان الهی است .

در رضوان گذشته ۵۵ گروه بهانی در ناحیه بوجود آمد که از میان آنها ۲۶ محفل روحانی محلی جدید تشکیل گردید . در چهار ناحیه کلاسهای درس اخلاق تشکیل میشود . این برنامه موقیت آمیز تحت نظارت وسیرپرستی مدارم اعضاء هیئت معاونت ، محفل روحانی ملی ، لجنه ملی تبلیغ این کشور و لجنه ملی نسوان اداره میشود .

پاپا نیوگینی :

روسای قبائل بهانی " جامعه نمونه بهانی " را به روسای دیگر قبائل ارائه میدهند . روسای دو قبیله که به دیانت بهانی اقبال نموده اند ، در یک دوره ۹ روزه که در مرکز کانایا Kunaia تشکیل شده بود شرکت گردند . بعد از اتمام دوره هنگام بازگشت به قبیله خود مسیری را انتخاب کردند که اجبارا میباشد از تعداد زیادی از دهکده های بین راه عبور کنند . طبق رسوم پیشین این قبایل ، هنگام بازدید ، رئیس قبیله همسایه هدیه ای برای دهکده همگوار میبرد . بعد از مراسم رقص و پایکوبی رئیس قبیله میزان نیز در مقابل هدیه ای به میهمانان تقدیم کرده آنها را بدرقه میکنند . حکمت تبادل هدایا این امر مهم است که هر دو قبیله خود را آماده پذیرش مطلب و پدیده های جدید دنیای خارج از محیط بسته دهکده خود مینمایند . روسای قبایل بهانی

علیا روحی زادگان کتاب خود را به قبایل سرخ پوست آمریکا معرفی کرد

علیا روحی زادگان نویسنده کتاب " داستان علیا " به سفر بین قبایل ناواجو Navajo و هوی Hopi پرداخت و در طول این سفر تعالیم دیانت بهائی به صدھا نفر ابلاغ گردید و صدھا نسخه از کتاب ایشان در بین قبایل توزیع شد . در پایان سفر ۱۶ نفر از افراد بر جسته قبیله به دیانت بهائی اقبال نمودند .

آلبانی :

بعد از فوت مادر ترزا ، که اصالتا اهل کشور آلبانی بود ، از مجتمع مختلف مذهبی آن کشور تقاضا شد تا مراتب تسلیت خود را طی یک پیام تلویزیونی به تمام اهالی کشور ابلاغ نمایند . محفل روحانی ملی آلبانی تصمیم گرفت از یکی از احباء آفای دکتر سلیمان ژاکلی Suleyman Zhugli رئیس بخش جراحی چشم بیمارستان تقاضا شود تا در این برنامه شرکت نمایند . دکتر ژاکلی که فردی بسیار خجول است ابتدا راضی به قبول این دعوت نبود . ولی برنامه ای که ارانه داد آنقدر جالب و تحسین برانگیز بود که بعد از اتمام پخش آن از تلویزیون بسیاری از بینندگان تلفنی از برنامه مربوط به دیانت بهائی تحسین و تمجید کردند . دکتر ژاکلی بعد از این تجربه تصمیم گرفت از این پس چنین دعوت هایی را با روی باز بپذیرد زیرا مطمئن است تأییدات جمال مبارک در تبلیغ کلمة الله و نشر نفحات الله با او خواهد بود .

بنگلادش :

جامعه بهائی در برگزاری روز بین المللی مبارزه

در جلسه حضور داشتند در پایان جلسه دو نفر به امر الهی ایمان آوردند .

جمهوری ایرلند :

نمایندگان جامعه بهائی در ضیافت آغاز دوره جدید ریاست جمهوری شرکت کردند . روز ۱۱ نوامبر گذشته برای اولین بار نمایندگان جامعه بهائی در مراسم آغاز دوره ریاست جمهوری کشور شرکت نمودند . رئیس محفل روحانی ملی ایرلند بعنوان نماینده جامعه بهائی در کنار نمایندگان دیگر ادیان کشور در این مراسم که در قصر دولین بر پا شده بود شرکت کرد . سپس نماینده جامعه بهائی ایرلند و نماینده محفل روحانی ملی آن کشور در مراسم ویژه ای که به میزبانی نخست وزیر و به افتخار رئیس جمهور برپا شده بود شرکت کردند . در طول هر دو جلسه نمایندگان جامعه بهائی موقعیت های بسیاری جهت معرفی تعالیم بهائی به افراد بر جسته جامعه ایرلند شمالی و جنوبی بدست آوردند .

آفریقای جنوبی :

در روز ۱۴ نوامبر جلسه ای جهت بزرگداشت سالروز تولد حضرت بهاء الله جل اسمه الاعظم تشکیل شد . در حدود ۱۵۰ نفر در این جلسه که به میزبانی دفتر ملی روابط عمومی تشکیل شده بود شرکت کردند که در میان ایشان ۱۰۰ نفر از افراد بر جسته شهر Nelson Mandela حضور داشتند جناب نلسون مندلا رئیس جمهور که توانسته بودند در این جلسه شرکت کنند پیامی فرستاده بودند که بخشی از آن در جلسه قرائت گردید .

جلسه تبلیغی یا تزئید معلومات در مرکز بهائی ماهنده را نیجر تشکیل میشد . در این مرکز بطور مرتب مبلغین سیار از کشور نپال حضور داشتند .

آرژانتین :

اقبال جمعی به دیانت بهائی ، هدف اولین کنفرانس بومیان بود ، سی نفر از نمایندگان هفت قبیله بومی در اواسط نوامبر بمدت ۴ روز برای تشکیل اولین کنفرانس بومیان در استیتو چیشی Chishi در پورتو تایرول Puerto tirol گرد هم آمدند . اعضاء هیئت معاونت و اعضاء محفل روحانی ملی آرژانتین و بولیویا در این کنفرانس شرکت کردند . نمایندگان هر قبیله خلاصه ای از چگونگی اقبال افراد قبیله به دیانت بهائی ، تاریخچه قبیله و تجارب خود را بیان نمودند . در آخرین روز کنفرانس شرکت کنندگان طرق مختلف ابلاغ کلمه الله بین خواهران و برادران خود را بررسی نمودند . با این هدف نهانی که تا تشکیل کنفرانس آینده بومیان که در سپتامبر ۹۸ در کشور پاراگوئه تشکیل خواهد شد اقبال دسته جمعی بوقوع پیوسته باشد .

تاپلند :

جوانان برنامه ریز و گرداننده یک اردوی ملی برای جوانان بهائی بودند . شهامت در ابلاغ کلمه الله موضوع اصلی برنامه اردوی ملی جوانان بود که در کنگ کراجان Kang Krajan در ماه اکتبر تشکیل شد . شش جوان منتخب محفل ملی کلاسهای مخصوص برای ۴۲ نفر شرکت کنندگان در اردو را برنامه ریزی نمودند . در میان این جمع ۱۲ نفر از قبیله کرن هیل Karen Hill نیز شرکت داشتند . برنامه های اردو شامل

با بیسوادی شرکت نمود . بیش از ۴۰ نفر که ۲۰ نفر از آنان غیر بهائی بودند در مرکز مایمن سینگ Mymensingh جمع شدند تا ۱۲ سپتامبر ، روز بین المللی مبارزه با بیسوادی را جشن بگیرند . خانم مژکان بهار یکی از اعضاء هیئت معاونت از داکا ضمن سخنرانی خود راجع به تعلیم و تربیت حقیقی بر اساس تعالیم دیانت بهائی اشاره نموده اهمیت تربیت روحانی اطفال را خاطرنشان نمودند . روزنامه نگار بهائی عبدالقاسم نیز در این مورد سخنرانی ایراد نمود . خبر تشکیل این جلسه در سه روزنامه کشورالاتشار منعکس گردید .

ژاپن :

پروژه تزئید معلومات ، یک دوره پنج روزه تزئید معلوماتی که بوسیله استیتو تقویت منابع انسانی ژاپن و لجنه محلی تبلیغ ایشیکاری Ishikari و محفل روحانی محلی ساپورو Sapporo حمایت شد در ماه سپتامبر گذشته در شهر هوکایدو Hokkaido تشکیل گردید . یکی از شرکت کنندگان چین اظهار نظر کرد که « در پایان این دوره ، هر یک از ما خلق جدید شده ایم » کلیه شرکت کنندگان تصمیم دارند تجربیات خود را با احباب دیگر در میان گذارند و شخصا دوره های مشابه در نقاط مختلف کشور تشکیل دهند . دوره فشرده بعدی در بهار آینده تشکیل خواهد شد .

نپال :

پروژه تبلیغی طویل المدت در غرب کشور تایلند عظیمه بیار آورد ، اسفار تبلیغی به ناحیه کنچانپور Kanchanpour قلوب مردم را با پیام شفابخش حضرت بهاء الله التیام بخشدید . در هر ماه یک یا دو

آلمان :

محفل روحانی ملی میزبان جلسه روز جهانی ادیان بود . در جلسه ای که در روز ۱۹ ژانویه گذشته در حظیره القدس تشکیل گردیده نمایندگان بودانیان ، مسیحیان ، یهودیان ، مسلمانان و بهائیان در مورد رابطه فرهنگ و مذهب صحبت کردند . این جلسه که با شرکت گروه کثیری تشکیل شد موفقیت بسیار خوبی جهت تبلیغ مستقیم و غیر مستقیم بوجود آورد بخصوص که نماینده مسلمانان بسیار مشتاق بود راجع به تعالیم دیانت بهائی اطلاعات بیشتری کسب نماید . اکثر نمایندگان ادیان از تعداد کثیر شرکت کنندگان در جلسه بسیار منتعجب شده بودند . پس از پایان این جلسه یک جلسه دعا در مشرق الاذکار تشکیل گردید که تعداد زیادی از علاقه مندان در آن شرکت کردند .

پاناما :

ابلاغ کلمه الله در فستیوال جوانان :

در یک فستیوال هنری که در تاریخ ۲۱ اکتبر تا ۱۰ نوامبر گذشته تشکیل شد یک گروه ۹ نفره هنرمندان جوان بهائی بنام " برای یک دنیای تازه " دیانت حضرت بهاء الله را به بیش از ۲۵۰۰ نفر ابلاغ نمودند . برنامه روزانه نیم ساعته این گروه شامل سه بخش بود : رقص وحدت ، رقص در مورد تساوی حقوق نسوان که در طول آن یک زوج جوان مراحل تساوی حقوق رجال و نساء را به نمایش گذاشتند و بالآخره موسیقی متنوعه که طی آن گروه فوق تعالیم دیانت بهائی را بیان داشتند .

مطلوب زیر بود شرح حال جوانان در صدر امر ، هر کس می تواند یک مبلغ باشد ، امر تبرئات ، نقش جوانان در نقشه چهار ساله ، حیات بهائی و خلاقیت بیشتر در برنامه های ضیافت نوزده روزه .

چاد :

ابلاغ کلمه الله در طول یک برنامه تلویزیونی ، در طول اخبار تلویزیونی در تاریخ ۲۹ اکتبر مخبر برنامه که از یکی از ایالات شمالی بازدید کرده بود گفت " در این جامعه کاتولیکها ، پروتستان ها ، مسلمانان و بهائیان در کمال محبت در کنار یکدیگر زندگی می کنند " محفل روحانی ملی معتقد است که این خبر کوتاه قدم بزرگی است در راه برسمیت شناختن دیانت بهائی در ایالات شمالی کشور چاد .

کانادا :

یکی از احباء بعلت تلاش مداوم در استقرار وحدت و یکانگی در بین افراد جامعه برنده مدال صلح شد . گروه مسیحی YMCA در شهر سادبی Sudbury واقع در ایالت آنتریو در تاریخ ۱۲ نوامبر میزبان جلسه سالیانه خود بودند که اتفاقا با سالگرد تولد حضرت بهاء الله مقارن گردیده بود . در حدود ۳۰۰ نفر در این جلسه شرکت داشتند ، ۱۴ جایزه به افراد مختلف در بزرگداشت فعالیت های داوطلبانه ایشان اهداء گردید مهمترین مدال این بنیاد " مدال YMCA کانادا برای صلح " است که به خانم های Heidi Lakshman Likhshmen یکی از اعضاء جامعه بهائی آن شهر جهت فعالیت های خستگی ناپذیر ایشان در استقرار تعالیم بهائی من جمله وحدت بین افراد جامعه اهداء گردید .

مجله عذریب

نشریه محل روحا نی علمی بیان کارا و ایران فارسی

سالیانه ۴ شماره

حق اشتراک : برای کانادا ۴۰ دلار کانادا

سایر کشورها ۴۰ دلار آمریکائی

نحوه پرداخت : کانادا و آمریکا چک بانکی شخصی
و در سایر کشورها فقط حواله بانکی « اینترشال »

آدرس :

ANDALB
7200 LESLIE STREET.
TORONTO, ON, CANADA L3T 6L8
Fax: (416) 889 - 8184
Tel: (416) 889 - 8168

تعاضد ادم در گرد و خاست اشتراک برای خود بعنوان عده
نام و نام خانوادگی و آدرس کامل و یافته کننده مجلد را موقم فرمایید

ایالات متحده امریکا :

استفاده از هفت وادی برای تبلیغ امرالله ،
این خانواده بهانی قصد دارند دیانت بهانی را بوسیله
هنر تأثیر به تمام مردم جهان معرفی نمایند . خانواده
کوین Quinn تا کنون در کشورهای بلژیک ، کانادا ،
آلمان ، مجارستان ، تایوان و آمریکا برنامه هنری خود
را اجرا نموده اند . با تهیه دو نمایشنامه در مورد
دیانت بهانی این خانواده سه نفره که از شهر
نیوهامپشایر می‌ایند ، امیدوارند بتوانند تعالیم دیانت
بهانی را به مردم بشناسانند و ایشان را تشویق
نمایند تا در مورد این دیانت جهانی بیشتر به تحری
پردازند . ایشان بوسیله هنر موسیقی ، رقص ،
نمایشنامه ، هفت وادی حضرت بهاء اللہ گمیتوان آنرا
یکی از شاعرانه ترین آثار آن حضرت محسوب داشت
بروی صحنه می‌آورند . در طول برنامه یک ساعته خود
خانواده کوین مقدمه و سه وادی اول این کتاب را به
نمایش می‌گذارند .



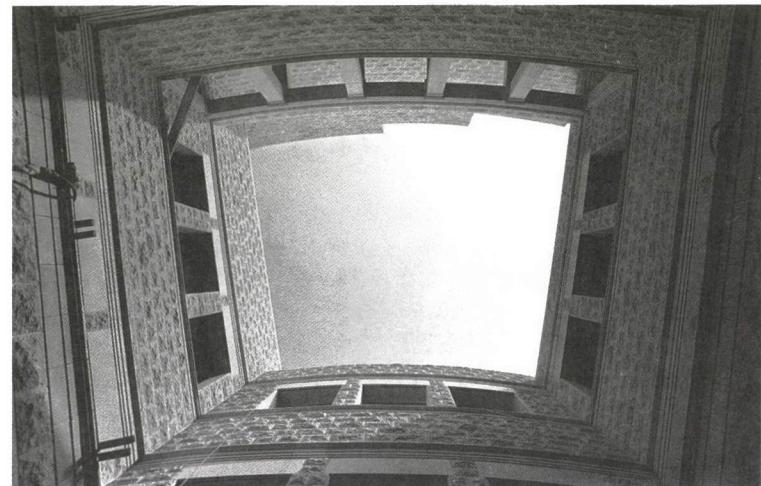
حضرت عبد البهاء میفرمایند :

« همیشه تأثرات قلب عبد البهاء از اغبر ازیست که در میان احباب حاصل
گردد و مصائب خارجه تأثیری ندارد بلایای وادده را حکمی نه ذیرا هر
چه هست از خارج است توقعی از آنان نیست ولی اگر در میان احباب
در بخش و اغبر ازی حاصل گردد بی نهایت تأثیر دارد ... »

أخبار مصوّر



حياط پشت ساختمان دارالتحقيق وفاره وسط آن ،
عکس در ۲۹ سپتامبر کرفته شده است .



پروژه قوس کرمل :

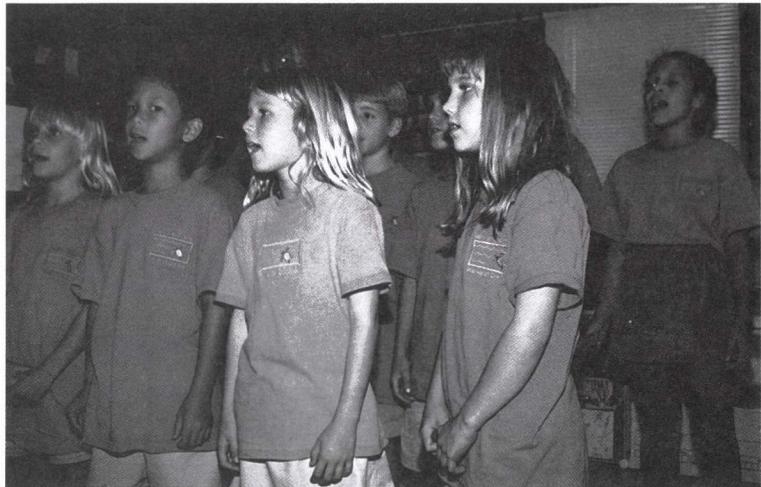
عکس دیگری از حیاط پشتی ساختمان دارالتحقيق که
نمای سنگی ساختمان بطور کامل در آن دیده میشود



عکس فوق که در سپتامبر گذشته از مقام متبرکة
حضرت ورقه عليا کرفته شده ، اقدامات حفاظتی
بتعه مقام را هنگام عملیات حفاری پروژه قوس کرمل
نشان میدهد .

جزایر ماریانا :

شاگردان مدرسه بهائی در ماه اکتبر کذشته
یکی از مناجاتهای حضرت بهاء الله را در پایان
گردهم آئی مدرسه تلاوت کردند .



استرالیا :

گروهی از جوانان شهر سیدنی با اجرای تاتر و
نمایش به تبلیغ امرالله پرداختند . عکس این گروه را
نشان می دهد .



هلند :

جامعه بهائی اپل دورن Apeldoorn بیست و پنجمین
سال تاسیس خود را جشن گرفت . این برنامه شامل
نمایشی در باره تعلیم و تربیت بهائی بر اساس محبت ،
انسان دوستی و خدمت بود . در عکس اطفال بهائی
دیده میشوند که ماکتی از کره زمین را در دست
گرفته اند .



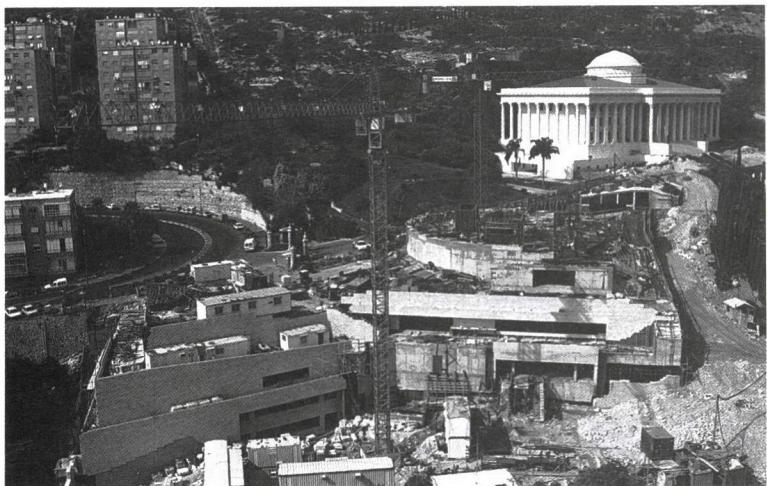


پروژه قوس کامل :

عکس فوق که در تاریخ ۲ سپتامبر از دارالتحقیق گرفته شده نایشکر باگاتی است که در روی بام این بنای عظیم تعبیه خواهد شد . مقر بیت العدل اعظم الہی در شرق عکس بچشم میخورد .

هندوستان :

اطفال بهانی در اولین کنفرانس کودکان که روز ۲۶ اکتبر در مدرسه بهانی روحیه در جوربانگلو Jorebunglow تشکیل شد تعالیم بهانی را بوسیله تاتر ، شعر و موسیقی به حاضرین معرفی کردند .



پروژه قوس کامل عکس هوانی از ساختمان دارالتبليغ
بین المللی و محوطه های ضمیمه ، مقر بیت العدل
اعظم سمت راست عکس دیده میشود . عکس در
تاریخ ۲۹ سپتامبر برداشته شده است .

لیبریا :

عده ای از احبابی پینس ویل Paynesville در کنار
حظیره القدس جدیدی که ساختمان آن در ماه جولای
گذشته شروع شد دیده میشوند .



هندوستان :

نمایندگان جامعه بهائی در حال حمل حلقه های
کل به کلیسای سنت توماس در کلکته ، در این
مراسم یک حلقه کل سرخ و یک حلقه نیلوفر آبی
از طرف جامعه بهائی بروی آرامکاه مادر ترزا
گذاشته شد .



کنیا :

احبابی بومی سرگرم نصب تابلوی مرکز بهائی ناکورو Nakuru دیده میشوند . روی تابلو که به بازدید کنندگان از این مرکز خوش آمد میکوید بیانی از حضرت بهاء الله بچشم میخورد که میفرمایند : این یک شبر عالم یک وطن و یک مقام است و من علی الارض اهل آن .



نامه هائی از دوستان

قرا گرفته بهمت دوستان و عنایات الهیه بترقیات روز افزون نائل خواهد شد .

۲ - آقای محمد معصومی در نامه بعنوان عندلیب مینویسد :

عندلیب قاصدی است خوش خبر هر سال چهار بار بمنازل احبابی مشتاق در سراسر جهان مژده جانبخش می دهد . . . ”

۴ - جناب یدالله مشرف زاده ثانی در نامه ای مینویسد :

” قبل از هر چیز شانزدهمین سال مجله عندلیب اینس و مونس احبابی فارسی زبان را تبریک و تهنیت عرض مینمایم ، و نیز ضمیمه نامه مزبور یکی از مناجات های حضرت مولی الوری روح ما سواه فدا را که مطلع آن اینست : هوالله

ای پروردگار مرا بیدار کن ، هوشیار نما از غیر خود بیوار کن و به محبت جمالت گرفتار نما ” الى آخر بیانه الاحلى فرستاده اند .

عندلیب از لطف یارانی که ما را مورد محبت خود قرار داده بسیار ممنونیم .

۵ - آقای حسن چنگیزی که خود را پیرمرد ۸۶ ساله معرفی نموده اند چندین نامه و شعر فرستاده اند . دو نامه اول لوحی از حضرت عبدالبهاء جل شناه است که راجع بواقعه مؤله اصفهان و منضم با آن فتوکپی دعای سحر اسلامی ” الهم انی اسئلک من بهانک باهه و کل بهانک بھی ” میباشد .

همچنین ایشان چند قطعه شعر فرستاده اند . از تمام دوستانیکه با عندلیب مکاتبه نموده اند

سپاسگزاریم .
با تقدیم تحيات بهائی
هیئت تحریریه عندلیب

۱ - آقای بدیع الله ندیمی در نامه ای بعنوان لجنه ملی عندلیب می نویسند که در مقاله مندرجہ در شماره ۶۲ بهار ۱۵۲ راجع به جناب ملا یحیی نوشه شده که در لوحی از حضرت بهاء الله جل جلاله که در ادعیه محبوب چاپ شده حضرت بهاء الله لقب عبدالبهاء را بحضرت غصن الله الاعظم عنایت فرموده اند . حال آنکه جناب اشراق خاوری در مجله آهنگ بدیع شماره مخصوص (آذرماه ۱۳۵۰) در توضیح لقب ” عبدالبهاء ” آنرا مربوط به سید یحیی فرزند محمد علی نهری اصفهانی (برادر حضرت منیره خانم) دانسته اند . از توضیح جناب ندیمی متشرکیم .

۲ - آقای جمشید ورجاوندی در باره مرکز مطالعات امری اکتوو ایتالیا توضیحی بدین شرح داده اند . بنای زیبای مرکز مطالعات امری ایتالیا در قسمت مرتفع کوهستانی دهکده خوش آب و هوای اکتوو در استان فرزنیونه در مرکز ایتالیا با شکوه خاصی نمایان است . با مشاهده این بنا خاطره ۷ سال پیش (سال ۱۹۹۱) که تازه خریداری شده بود بیاد میآید . اولین فعالیت در این بنا جلسه ای بود که با شرکت ۲۸۰۰ نفر از بهانیان و افراد غیر بهانی افتتاح شد و مدت ۷ سال این بنا متدرجا بازسازی شد تا در سال ۱۹۹۸ که مورد بازدید بعضی از اعضاء محترم بیت العدل اعظم و ۲ تن از ایادیان معزز امرالله و نمایندگان محافل روحانی ملی ممالک مختلفه قرار گرفت و جمعا شش هزار نفر در سال ۹۷ در این مرکز مطالعات بهائی حضور بهمرسانده اند .

عندلیب اطمینان دارد که این بنای زیبای امری که مرکز آموزش یاران الهی است و مورد توجه اهل بهاء



لجنه جوانان بهانی تهران ۱۳۲۷ - ۱۳۲۶ شمسی

ردیف نشسته از چپ براست : ۱ - دکتر فریدون و همن ۲ - خانم دکتر شکوه مجذوب ۳ - پرویز دیری ۴ - خانم زینوس محمودی (شهید) ۵ - دکتر هوشنگ رافت ۶ - خانم پروین نظیری ۷ - دکتر نصرت الله محمد حسینی
ردیف ایستاده از چپ براست ۱ - دکتر محمد افنان ۲ - دکتر محمود مجذوب (شهید) ۳ - دکتر فریدون داروگر
۴ - عباسعلی یاری ۵ - دکتر بهمن صادق زاده (شهید) ۶ - ایرج ثابت ۷ - ایرج خاضعی ۸ - دکتر داریوش حقیقی

'ANDALÍB



از راست به چپ ۱ - حسین آقا احمد اوف (پدر دکتر امین الله لامع)
۲ - میرزا ولی الله خان ورقا (ایادی امرالله) ۳ - میرزا حسینعلی اف اسکونی